

بیاد الخیرین



حقوق زنان
دوره جدید - شماره ۳۵
بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۵
قیمت ۵۰۰۰ تومان

شناسنامه:

حقوق زنان - نشریه اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: اشرف گرامی زادگان
شورای سیاست گذاری: دکتر الهه کولایی، دکتر زهره ارزنی، دکتر حوریه شمشیری، دکتر معصومه ابراهیمی توانی، مهندس افسانه کفایتی، دکتر زهرا عالی پور، دکتر عالیه شکر بیگی، مهوش کیان ارثی
همکاران این شماره: هما مهری، روفیاتیرگری، الهام مقدس، روح الله فیاضی
مدیر امور مالی و اجرایی: همایون کوچکزاده
مشاور فنی: علیرضا فرزانی
مدیر هنری: مریم فرزانی فرد
طراح لوگو: مرتضی ممیز
گرافیک و صفحه آرایی: منیژه رحیم زاده
چاپ: چاپ نظر
نشانی: تهران - خیابان ایرانشهر جنوبی - کوچه مهزاد - پلاک ۱۱ - واحد ۴۰۱

صندوق پستی: ۱۳۸۴ - ۱۵۸۱۵

تلفن: ۱۳۰۳۷۷۵ - ۹۱۲ - ۸۸۳۱۸۹۴۹

پست الکترونیکی: h_q_zanan@yahoo.com

مطالب مندرج در نشریه بیانگر دیدگاه‌های نویسنده است و به هیچ وجه دیدگاه رسمی حقوق زنان نیست. مقالات، دیدگاه‌ها و پیشنهادها خود را به پست الکترونیکی حقوق زنان ارسال کنید.

نویسندگان و مترجمان ارجمندی که مایلند آثارشان در «حقوق زنان» منتشر شود، به همراه مطالب، درباره تحصیلات، شغل، آثار پژوهشی و ترجمه خود، توضیحی کوتاه ضمیمه کنند.

مطالب کوتاه و تاپ شده باشد و از طریق ایمیل به ماهنامه ارسال شود.

مطالب ترجمه شده باید بایک نسخه از متن اصلی همراه باشد.

حق رد، جرح، تعدیل و اصلاحات مطالب ارسالی برای مدیریت نشریه محفوظ است.

«حقوق زنان» در موضوع فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

● سرمقاله

تغییر و اصلاح قوانین و مقررات
چگونه و با چه ابزاری؟ / ۲
اشرف گرامی زادگان

● زنان و جامعه

فریده غیرت: چرا نباید فرزند تابعیت مادر را بگیرد؟ / ۴
هما مهری

مرداب بی هویتی / ۱۰

فاطمه احمدی

نگاهی به بررسی واژه رجال در اصل یکصد و پانزده قانون اساسی / ۱۳
اشرف گرامی زادگان

سیاست‌های کلی «خانواده» / ۲۰

منشور حقوق شهروندی / ۲۲

● زنان و فرهنگ

ستاره‌های دیروز: سوفیا لورن

من ایتالیایی نیستم؛ ناپلی هستم / ۳۶

ستاره‌های امروز: بری لارسون

ستاره‌ای با استعدادی خیره کننده / ۴۰

شاعر سینمای ایران عباس کیا رستمی

ستایشگر زندگی / ۳۸

روفیاتیرگری

معرفی کتاب / ۵۶

داستان: خارا / ۵۹

الهام مقدس

● زن و سلامت

پیشگیری از آلزایمر با رژیم غذایی / ۶۰

تحمل بالای زنان در برابر درد برای آنها خطرناک است! / ۶۲

چرا خانم‌ها باید ماموگرافی کنند؟ / ۶۳

● اخبار اجتماعی / ۶۵

● خانواده

آثار فرآیند طلاق در تزلزل بنیان خانواده / ۷۲

روح الله فیاضی

● بخش عربی

مِثَاقُ حُقُوقِ الْمَوَاطِنَةِ / ۹۲

● بخش انگلیسی

Charter on Citizens' Rights / ۹۹

● اشتراک نشریه / ۱۰۰



دکتر اشرف گرامی‌زادگان

تغییر و اصلاح قوانین و مقررات چگونه و با چه ابزاری؟

و مانع بودن قوانین و مقررات مشکل دوران ما است.

اعتبارسنجی: بدون شک غیرممکن است بدون داشتن اعتبار کافی دست به تغییر و اصلاح قوانین زد. این اعتبار هم مادی و هم معنوی است. بررسی، شناسائی و تدوین اصلاحات مورد نظر از آغاز باید هزینه سنجی شود. گاه ممکن است ابعاد مادی فراهم باشد ولی پشتوانه و حمایت معنوی لازم در دسترس نباشد. ازین رو پذیرش جامعه و یا آمادگی برای بررسی مجدد قوانین نیاز به خواسته آحاد جامعه دارد.

در حوزه اصلاح قوانین و مقررات قانونی نخست باید به ارتقاء وضعیت زنان در کشور توجه کرد. مقررات کنونی تا چه حد توانسته است از مسائل و مصائب زنان بکاهد و چه میزان سازوکار دسترسی آنان را به منظور کاهش مشکلات آنان فراهم آورده است؟ اگر آنچه موجود است کفایت می‌کند چرا در پیچ و خم مشکلات، شاهد این میزان خستگی و افسردگی و ناامیدی هستیم؟ فراموش نکنیم که در موضوع اقتصاد زنان متضرر اصلی بشمار می‌روند. چون ناکارآمدی حوزه اقتصاد بیشترین

قوانین و مقررات موجود در کشور نیازمند تغییر و تحول و اصلاح هستند. اگر مقررهای قابلیت اجرا داشته باشد و بتواند راهگشای بهبود وضعیت باشد پایدار و مداوم خواهد بود ولی اگر مصوبات نتوانند بر معضلات فائق آیند، چه باید کرد؟

اراده و تصمیم: نخستین گام برای هر تغییر و اصلاحی به اراده و تصمیم برمی‌گردد. اینکه بخواهیم و با جدیت تلاش کنیم که در موضوع قوانین و مقررات تغییری صورت گیرد. نیازها را رصد کنیم و کوشش نماییم تا راهکار مطلوبی فراهم آید و جستجو کنیم که آیا امکان اجرای عملی آن میسر است؟

اندیشه تخصصی: امروزه نمی‌توان تنها به داشته‌هایی که از مراکز آموزشی و دانشگاهی کسب شده اکتفا نمود. باید اندیشه را همسو با جامعه در عمل و اجرا بروزرسانی کرد و راکد نماند. در کمال تأسف شاهدیم که تدوین مقررات بدون توجه به هدف‌گذاری و بدون شناسایی کمبودها نگاشته می‌شود و نمی‌تواند تحول امروزین را بنا گذارد. نبود جامع



بی‌شک ملتی که بتواند به حقوق خود دست یابد بیشتر احساس مسئولیت خواهد کرد و در فرز و نشیب‌های جامعه نقش موثرتری ایفا خواهد نمود. در نهایت تغییر و اصلاح قوانین و مقررات تنها شامل موضوعات مدنی نیست. موضوعات مهم دیگری نیز پیش روی ماست. هر روز جامعه درگیر مسائل متفاوتی است و ناگزیریم به آنها بیشتر توجه کنیم.

امروزه توجه به اقتصاد و توان‌افزایی خانواده‌ها مسیری است که نباید از آن غفلت کرد. همکاری ملت - دولت در این حوزه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. همانگونه که در موضوعات اجتماعی جامعه مدنی به کمک معضلات جامعه می‌آید، در اقتصاد نیز باید توانمندان به جامعه خود یاری رسانند.

وقت آن رسیده است که با اراده و تصمیم قطعی و بهره‌گیری از تخصص به منظور بهبود وضعیت بیشتر خانواده‌ها بخصوص زنان راهکارهای تامین اعتبار را بررسی و جهت‌تأمین آن همه جامعه را به مدد بطلبیم در غیر این صورت خسران بیشتری را متحمل خواهیم شد.

زبان را به خانواده‌ها وارد می‌کند که مدیریت داخلی این مجموعه اکثر و اغلب با زنان است. آمارها نشان می‌دهد که زنان در اقتصاد نقش کمی دارند و همین ضعف اقتصادی بخصوص درآمدی موجب می‌شود که کمترین توجه را به شخص خود داشته باشند و هرآنچه موجود است را در اختیار اعضای دیگر خانواده قرار دهند. مردان نیز در چنین خانه‌ای که درآمد اندکی دارد به تبع مسئولیتی که دارند از فشار مضاعف کم‌توانی در تهیه معاش شایسته برای خانواده رنج می‌برند. در چنین خانه‌ای احساس آرامش و آسایش کم می‌شود و به اندک‌ها قناعت می‌گردد. در نتیجه ارتقاء جایگاه خانواده به ثمر نمی‌نشیند.

اکنون تاثیر اقتصاد در کشور ما مشخص است. ایجاد اشتغال، افزایش درآمد، مهارت‌افزایی، سرمایه‌گذاری برای ایجاد صندوق‌های آینده‌نگر، جمع‌مراکز موثر در پیشرفت اقتصادی افراد دارای فقر و کارآفرینی اموری هستند که نه تنها دولت‌ها باید به آن بیندیشند بلکه سرمایه‌داران داخلی و اهالی صنعت نیز باید به آن توجه کنند. چون در نهایت سود و ثمره آن به آنان نیز خواهد رسید.



فریده غیرت:

چرا نباید فرزند تابعیت مادر را بگیرد؟



فریده غیرت متولد ۱۳۲۱ فارغ التحصیل از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ پس از اخذ پروانه وکالت در سال ۱۳۴۸ تا کنون به شغل وکالت اشتغال دارد. ایشان دو دوره عضو هیئت مدیره کانون وکلای بوده که یک دوره آن نایب رئیس هیئت مدیره بوده است. و این اولین بار بوده که یکی از وکلای زن به این مقام دست یافته است. فریده غیرت یکی از وکلای فعال در کشور است که بخصوص در مسائل زنان و حقوق آنان پیشتاز می باشد.

از ساختار مرکز و یا معاونت زنان و خانواده چه تصویری دارید؟

- ما به بنیان خانواده برای دارا بودن جامعه‌ای سالم اهمیت زیادی می دهیم. اعتقادات مذهبی و دینی ما و تعالیم دینی ما روی خانواده خیلی تاکید می‌کند. ما هم در اصل هدفمان تقویت خانواده است، هدف ما حمایت از خانواده است. خانواده یعنی جمع زن، مرد و فرزندان که در آن جمع هستند.

بنابراین ساختار حمایتی که ما توقع داریم حمایت صرف از زن یا مرد نیست.

به هیچ وجه نیست. تاکید من بر خانواده است یعنی جمع این دو است و تصویری را هم که تاکنون ارائه دادیم - در هر بحثی که موضوع احقاق حقوق شده - چنین بوده است. موارد متعددی را می توانم مثال بزنم. به هیچوجه به فردیت و فرد گرایی و جدا و منفک از خانواده هرگز نه تصویری داشتیم و نه اعتقادی داشتیم. چون معتقدم اگر خانواده پایه و اساس درستی داشته باشد، منسجم باشد، قوانین خوبی بر آن حاکم باشد، چه برای زن چه برای مرد و چه فرزندان که در آن خانواده هستند،



و رسیدن به آن ایده آل، تلاش خیلی باید وسیع باشد. اگر جامعه به صورت عادی بود. جامعه‌ای بود که قوا و امکاناتش تقسیم بود و نیرویش به طور تساوی بین زن و مرد تقسیم بود، مشکلی نبود و همین شاید کافی بود. اما در جامعه مردسالاری که ابتدا باید این افکار را از دل و ذهن مردان خارج کرد و بعد جایگزین آن مطلب نویی ارائه داد، طبعاً ما نیازمند نیروی بیشتر، افراد بیشتر و تشکیلات بیشتری هستیم. بنابراین ساختاری که ما توقع داریم با تشکیلات کنونی که وجود دارد و هستند، شاید کفایت نکند و باید این ساختار توسعه پیدا کند و همه آن بزرگواران - نمایندگان مجلس - نمایندگانی که اکنون در مجلس هستند - اگر هدفشان ارتقای حقوق زنان و خانواده است باید کمک بگیرند از نیروهای وسیع باسواد، دلسوز و آگاهی که می‌توانند در این موارد به آنها کمک کنند. تصور نکنند که چون نماینده مجلس هستند خودشان می‌توانند این کار را انجام دهند. این کار نیاز به کار گروه‌های متعدد دارد. کار گروه‌های متعدد باید بنشینند روی حقوق خانواده و مسائلش تک تک اظهار نظر کنند، مطالعه کنند، بررسی کنند و به آنها خوراک بدهند تا آنها بتوانند آن موضوع را به آخرین مرحله برسانند. بنابراین ساختار کنونی نمی‌تواند کافی باشد.

پیشنهاد و یا طرح خاصی برای ارتقای

بیشتر جایگاه زنان در کشور دارید؟

- طبعاً این پیشنهاد مستلزم پیاده کردن یک تشکیلات منظم و منضبطی است با صرف هزینه و بودجه. این طبیعی است که باید بودجه پیشنهاد شود. دفاتری که ما در حال حاضر داریم باید پیشنهاد کنند که نیازمند کار

جامعه ما جامعه درستی خواهد بود. بنا براین من چنین تصویری را از خانواده دارم. **په نظر شما ساختار موجود در دستگاه‌های اجرایی کنونی در کشور کافی است؟**

- خیر، آنچه را که ما اکنون داریم برای جویبگویی به ارتقاء خانواده و رشد آن کافی نیست. برای اینکه متاسفانه بسیار مختصر و دست به عصا عمل می‌شود. شاید هم قدرت اجرایی لازم را ندارند که آن قدرت باعث شود که دست به کارهای بزرگتری بزنند. ما وقتی تغییر قوانین را می‌خواهیم و طالب آن هستیم، ما وقتی رفع تبعیض را می‌خواهیم، مقدار موجود کافی نیست. این ساختار نمی‌تواند با مخالفین مقابله کند و جویبگویی مخالفین هم نیست و ضمناً نمی‌تواند آن هدف نهایی ما را از ایجاد یک محیط امن در خانواده در سایه رفع تبعیض قوانین ایجاد کند. بنابراین داشتن یک دفتر امور زنان و یا معاونت کافی نیست. یادادن چند شغل به زنان به عنوانی مختلف کافی نیست. هدف نقطه اصلی بالا بردن خواستهای است که ما داریم و توجه به این خواسته هم رفع تبعیض است. من تکیه بر رفع تبعیض در قوانین می‌کنم. قوانین را مجلس تعیین می‌کند و سیله ای که باید در اختیار مجلس قرار بگیرد با حضور ۱۷ زن کافی نخواهد بود - هر چقدر هم محترم و نازنین - کافی نخواهد بود.

یا با حضور دو معاونت امور زنان و یا حقوقی کافی نیست. این زنان وسیله بیشتری می‌خواهند. اینها افراد بیشتری می‌خواهند که معتقد به این مسئله باشند. یک واقعیتی در جامعه است، من نمی‌خواهم شعار بدهم. در جامعه مرد سالار ما برای از بین بردن آن تبعیض‌ها



یک سری از آسیب های اجتماعی

ریشه در عرف و سنت دارد و رایج

است . ما باید معتقد به تغییر و

عوض کردن آن باشیم .

مردانی وضع کردند که شاید تصور می کردند برای رعایت قوانین دینی و مذهبی باید این تبعیض ها را برای مردان قائل شوند. این امتیاز ها را برای مردان قائل باشند. واقعیت این است که آگاهان دلسوز و معتقد هرگز آن طور فکر نمی کنند. متأسفانه قوانین را مردانی وضع کردند که تحت تاثیر تصورات مردانه خود بودند. من نکته ای را بارها عرض کردم . وقتی که صحبت از زن و شوهر می شود تعالیمی که به زن و شوهر داده می شود که چطور با یکدیگر زندگی کنند، صحبت از ایجاد خانواده می شود. صحبت از زن و شوهر و روابط زن و شوهر می شود و به آنان توصیه می شود که باید با فداکاری رفتار کنند. آنقدر این جملات زیبا گفته و ترسیم می شود که آدم غرق در لذت می شود که قانون چه خانواده قشنگی را دارد ترسیم می کند. این بخش تمام می شود یک مرتبه قانون می آید و می گوید: ریاست خانواده از آن مرد است. این موضوع ناگهان یک تزلزلی ایجاد می کند. ریاست یعنی چه؟ پس رفاقت چه شد؟ آن کجا می رود؟ آن صمیمیت و آن عشق، آن عاطفه و صمیمیتی که ما پیشنهاد کردیم چه شد؟ حقیقت این نیست که مردان رجحانی بر زنان داشته باشند.

چون ریاست وقتی آمد قدرت به دنبالش است. وقتی قدرت بیاید زورگویی به دنبالش است. وقتی زورگویی بیاید خشونت به دنبالش است و مظلوم اینجا کیست؟ کسی که دارد بر او این خشونت واقع می شود و

گروه های متعدد هستند از آگاهانی که در این مورد می توانند به آنها کمک کنند. اساتید دانشگاه، حقوقدانان و کلای دادگستری، دانشجویان، قضات دادگستری و افراد مطلع و هرکس در هرکاری که می تواند کمک بدهد، البته این مسئله نیازمند صرف هزینه است و بنابراین باید پیشنهاد ردیفی در بودجه هم بشود.

من تصور نمی کنم امسال در بودجه ای که دکتر روحانی به مجلس دادند چنین چیزی وجود داشته باشد. برای چنین تحقیق و تتبعی، ما خیلی نیازمند این هستیم که در این موارد مطالعه و تحقیق بشود.

سرکار مستحضرید به طور نمونه لایحه جامع وکالت که برای چند سال مطرح بود- هر چند که اکنون از دور خارج شده- ما بارها و بارها در کانون و کلاء کارگروه های مختلف تشکیل دادیم و بحث های فراوانی شد. کار گروه ها نتیجه تحقیقات خود را ارائه دادند تا به مجلس ببرند و مطرح کنند. بنابراین صرف بودن دو معاون- بدون اینکه پشتوانه ای داشته باشند و بدون نیروی کمکی- نمی توانند کاری بکنند. این عزیزان دستشان خالی است. کسی به آنها خوراک نداده است که بروند این مطالب را ببرند و مطالبات را مطرح کنند. بنابراین نیازمند یک تشکیلاتی است که هم باید نوشته شود، هم پیاده شود و هم باید بودجه ای برای آن در نظر گرفته شود. تردیدی هم نداریم. اگر نیت این است که ساختار قوی بشود.

قوانین موجود برای احقاق حقوق زنان و کاهش تبعیض کافی است؟

- خیر، خیر، به هیچوجه قوانین ما کافی نیست. قوانین ما دچار ضعف فراوان هستند و بسیار تبعیض آمیزند. متأسفانه قوانین را



کنند. هیچ کس به اندازه آنان در این مقطع زمانی نمی تواند وارد این مباحث شود. من نتیجه می گیرم که قوانین موجود ما کاملا تبعیض آمیز هستند و به هیچ وجه کافی برای شرایط موجود ما نیستند.

نظر شما در مورد برنامه های توسعه ای چیست؟

- به طور کلی اگر برنامه های توسعه پشتوانه لازم را نداشته باشند نتیجه ای هم نخواهد داشت. فقط به یک ماده استناد کردن دردی را دوا نمی کند. یک کارگروه قوی لازم است که کمک کنند و بررسی دقیقی در برنامه داشته باشند.

صحبت از اصلاح مجدد قانون حمایت خانواده است. چه ایرادی به این قانون وارد است و چرا پس از آن همه بحث دوباره مورد بررسی قرار می گیرد؟

- قانون حمایت خانواده ایراد فراوانی دارد. ولی من در جریان اصلاح جدید قرار نگرفتم. چه گروهی دارند روی آن کار می کنند و کجا؟

در دولت هم در دست بررسی است.

- برای اصلاح قانون حمایت خانواده من روی تشکیل کارگروه ها مجدد تاکید می کنم. البته من در جریان قرار نگرفتم و به نظر می رسد هرگز اطلاع رسانی نشده است. حتی از افراد علاقمند و دلسوز تا به حال خواسته نشده است. هر کجا قصد اصلاح قوانین را دارد باید با تشکیل کارگروه روی قانون حمایت خانواده کار کند.

یک سؤال در موضوع تابعیت دارم. این سؤال برای من سالهاست مطرح است که چرا یک زن ایرانی که ایرانی است و فرزندش هم در ایران به دنیا آمده است و باید طبق سیستم خاک فرزندش هم ایرانی باشد به جهت ازدواج با مرد خارجی - با تغییرات داده

آن هم زن است. و به تبع آن کودک هم جای خود را دارد.

بنابراین تبعیض در قوانین بسیار زیاد است و بدون تعصب. بدون اینکه بخواهم مثل خیلی ها که به اصطلاح فمینیست هستند - که من فمینیست نیستم - مثلا می گویند کنوانسیون رفع تبعیض حتی در مواردی حقوق بیشتری هم به زنان داده است. ما آن را قبول نداریم. یک عده ای قبول دارند. بنده قبول ندارم. حقوق بیشتری را قبول نداریم.

ما بهترین آیات را در قرآن داریم. اگر بخواهیم روی آنها تاکید کنیم ما بهترین آیات را داریم مانند آن اگر مکرم عداله اتقاکم بهترین شما پرهیز کارترینشان است، یا باسواد ترینشان، یا پایا ایمان ترینشان، یا صالح ترینشان، یا آگاه ترینشان. قرآن دارد همه جا این را می گوید. چرا ما روی این متن تکیه نکنیم؟

چرا ما بیابیم قبل از اینکه اصلاحات مرد یا زن را تشخیص بدهیم، به صرف اینکه مرد است یک امتیاز بیشتری به او بدهیم و از زن امتیاز را بگیریم. این تبعیض است. برای رفع تبعیض باید به طور عادلانه، علمای دینی ما باید اظهار نظر کنند و جامعه را به طرف جلو ببرند. این حرکت را آغاز

معتقدم اگر خانواده پایه و اساس

درستی داشته باشد، متسجم

باشد، قوانین خوبی بر آن حاکم

باشد، چه برای زن چه برای مرد

و چه فرزندان که در آن خانواده

هستند، جامعه ما جامعه درستی

خواهد بود.



باشد. این مسئله زن بودن چرا باید قطع شود. با تعصب می گویم چرا شما زن را از این حق محروم می کنید؟ چرا نباید فرزند تابعیت مادر را بگیرد؟

باز کردن حساب بانکی برای فرزند. بی توجهی به ولایت مادر بر فرزند. پدر بزرگ حق ولایت دارد ولی مادر ندارد. اینها همه پیامد این مسئله است. من اعتقاد دارم که باید به این موضوع توجه کرد.

تابعیت مسئله مهمی است. الان زنان ما به کشور های دیگر می روند مثلا کانادا و... چرا؟ چون کشور های دیگر به روش دیگری مشکل تابعیت را حل کرده اند. نتیجه می گیریم که پس دنیای امروز هم این تغییرات را نیاز دارد. پس زن ایرانی هم می تواند این جایگاه را داشته باشد که در قانون به او توجه شود. اکنون بزرگترین مشکل زنان ما در موضوع تابعیت فرزند، ورود مهاجران افغانستانی و عراقی به ایران است که سالهاست هنوز این مشکل حل نشده است. متاسفانه آن مردان مهاجر پس از ازدواج از کشور خارج شده و زنان را رها کرده اند. بچه ها هم بدون تابعیت مانده اند. در اینجا بچه باید تابعیت مادر را داشته باشند.

این توهین به مادر ایرانی است. وقتی او را شایسته می دانید تابعیت فرزندش را به او بدهید. حالا که پدر رفته است و از او خبری نیست و مادر دارد کار می کند تا زندگی خود و فرزندش را تامین کند چرا باید تا ۱۸ سالگی صبر کند. آنها هم اگر فرزند بخواهد تابعیت به او داده شود. ضمنا مادر در ایران است هر گاه به کشور همسرش رفت و آنجا را انتخاب کرد به تبع آن می تواند فرزندش تابعیت پدر را بگیرد. الان در شهریار این خانواده ها فراوان هستند. تابعیت مادر را به فرزند بدهید. چرا این معضل را حل



شده در قانون مدنی - از دادن تابعیت به فرزندش محروم باشد ، ولی بر عکس آن ، مرد ایرانی در هر شرایطی می تواند فرزندانش را به تابعیت خود در آورد. اگر ایرانی بودن را در تابعیت ملاک بگیریم این تفاوت چرا باید برای زن ایرانی تا این حد سختی و زحمت به بار آورد ؟ البته مطلع شده ام که جدیداً چند نظر برای اصلاح قانون تابعیت مطرح شده و در حال بررسی است . سرکار چه نظری دارید ؟

- بله من در مورد تابعیت با نظر شما موافقم. محروم کردن مادران از این حق بسیار ظالمانه است که به زن ایرانی تابعیت فرزندش را ندهند و او را با مشکلات عدیده ای مواجه کنند. من تکیه می کنم که در این مورد هم باید ریشه یابی کنیم. من از اسلام کمک می گیرم. نسل اسلام از زن بوده یا مرد ؟

از زن

- نسل اسلام از یک زن توسعه پیدا کرده است پس چرا نباید این مهم اثری داشته





چرا ما بیاپیم قبل از اینکه اصلا

صلاحیت مرد یا زن را تشخیص

بدهیم، به صرف اینکه مرد است

یک امتیاز بیشتری به او بدهیم

و از زن امتیاز را بگیریم. این

تبعیض است.

کار را می‌کردم.

اگر یک مردی ببیند زن خودش انحراف پیدا کرده است چه باید بکند؟ چه اختیاری دارد که زنش را بکشد. طلاق را برای این موارد گذاشته‌اند. آن قدرت و آن اختیار کاذب و قدرت اضافی که به مرد داده می‌شود موجب این آسیب‌ها است.

اما یک سری از آسیب‌های اجتماعی ما ریشه در عرف و سنت دارد و رایج است. اعتقادات خاصی در مورد مردان و یا زنان وجود دارد. یک سری آسیب‌ها هم ریشه در آداب و سنت دارد که در منطقه جنوب کشور ما با شمال کشور تفاوت دارد. ما باید معتقد به تغییر و عوض کردن آن باشیم. فقط شعار دادن کافی نیست. مثلا سنت ختنه دختران را باید از بین برد با تعلیم، توجه و اینکه این آسیب جمع شود و انجام نگیرد.

نظر خود را به منظور اصلاح قوانین و

اولویت‌های آن بیان کنید.

- اعتقاد دارم که اول باید باور داشته باشیم که باید قوانین اصلاح شود. خارج از شعار دادن، اگر به این باور رسیدیم که باید قوانین را اصلاح کنیم می‌توانیم تلاش کنیم تا اصلاح و یا تغییر صورت گیرد و موانع را از سر راه برداریم. این باور مهم است.

با سپاس

نمی‌کنند. حالا اگر می‌خواهند مشروط هم باشد این معضل حل شود.

علل آسیب‌های اجتماعی زنان چیست و

چگونه می‌توان قوانین را برای کاهش

آسیبها و مساعدت به زنان و خانواده

ها اصلاح کرد؟

- آسیب‌های اجتماعی یک مقدارش در اثر حمایت‌های غلط قانونی به وجود می‌آید. بلای خانمانسوز اعتیاد که به کشور ما آمد و این آسیب‌ها را توسعه داد هم دامن مرد را گرفته و هم دامن زن را گرفته است. هیچ فرقی ندارند. به صرف حمایت قانونی که از مرد می‌شود او با اعتیادش و قدرتی که از قانون گرفته دست به اعمالی می‌زند که بر اثر آن زن بی‌پناه می‌شود. مردی که باید زن را اداره کند اعمالی انجام می‌دهد که زن باید مطیع او باشد. قدرت کاذبی که قانون به مرد داده و قدرتی را که از زن سلب کرده باعث می‌شود زن بی‌پناه و مورد آسیب قرار گیرد. من ریشه‌یابی کرده‌ام. در قوانین ما بخصوص در قوانین خانواده تبعیضی ایجاد شده که موجب خشونت می‌شود. نابسامانی و نابهنجاری در جامعه ایجاد شود. ازین رو تمام تلاش‌های خیرخواهان باید در جهت رفع تبعیض قوانین باشد. رفع این تبعیض، این نابسامانی‌ها را خنثی می‌کند. نباید به صرف اینکه این فرد زن است او رها شود و مرد به جهت مرد بودنش صاحب قدرتی گردد که زن بی‌پناه شود.

بخاطر دارم آن پرونده در مشهد را که مردی زنان را می‌کشت و می‌گفت باید این زنان را کشت چون فاسد هستند. جالب بود وقتی که با پسر این فرد صحبت شد آن پسر هم گفت که من هم به این موضوع معتقدم و اگر جای پدرم بودم من همین



مرداب بی هویتی!



فاطمه احمدی

دانشجوی دکتری
حقوق بین الملل

مقدمه

قصه پرغصه بی تابعیتی و یا به عبارت دیگر بی هویتی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان بیگانه همچنان ادامه دارد. طبق آمار غیر رسمی حدود دو و نیم میلیون مهاجر و تقریباً یک میلیون فرد بی شناسنامه و بلا تکلیف در کشور زندگی می کنند که از یک طرف به لحاظ معیشتی با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می کنند و از طرف دیگر می توانند زمینه ساز آسیب های اجتماعی در جامعه شوند، به طوری که نداشتن هویت باعث ورود این افراد به حوزه های جرم و جنایت می گردد. آنچه مسلم است تاکنون تلاش ها برای حل این معضل بزرگ به نتیجه مطلوبی نرسیده است و این افراد همچنان در مرداب بی هویتی گرفتارند. بی تابعیتی و بی هویتی مسئله ای است که معاهدات و اسناد بین المللی حقوق بشری، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، همچنین کنوانسیون های حقوق کودک، کاهش بی تابعیتی، وضعیت اشخاص بی تابعیت و همچنین اعلامیه حقوق بشر بر آن تاکید دارند.^۱

همه کنوانسیون ها و اسناد مذکور بر حق داشتن تابعیت برای هر کودک از بدو تولد تصریح دارند. بر اساس ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «همه افراد از حق داشتن تابعیت بهره مند هستند و هیچ کس به صورت خودسرانه از تابعیتش محروم نخواهد شد.» کنوانسیون مربوط به وضعیت اشخاص بی تابعیت ۱۹۵۴ نیز به حمایت از افراد بی تابعیت می پردازد. داشتن هویت

و تابعیت بسیار مهم است چرا که اغلب دولت ها حقوق کامل سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی را تنها نسبت به اتباع خود و در درون مرزهای خود اعمال می کنند، لذا داشتن تابعیت، افراد را مورد حمایت دولت قرار می دهند. این کنوانسیون کشورهای عضو را مکلف می کند که نباید بی تابعیتی را وسیله عدم اعمال حقوق بشر در حوزه های مذهبی، آموزشی، دسترسی به دادگاه، قوانین کار، حق داشتن مسکن، حق داشتن اتحادیه و انجمن و حق مالکیت و... قرار دهند. همچنین مقرر می دارد که دولت های عضو در مواردی معین به اشخاص بی تابعیت حقوقی برابر با اتباع خود یا اتباع خارجی ساکن در سرزمینشان اعطا کنند. اسناد حقوق بشری داشتن تابعیت را پیش شرط ضروری برای برخورداری از حقوق بشری نمی دانند و لذا حقوق مندرج در میثاق باید بدون هیچ تبعیضی بین اتباع و بیگانگان تضمین شود.

اینکه دولت ها چه کسانی را تبعه خود می دانند و یا به عبارت دیگر به چه کسانی تابعیت کشور خود را اعطا می کنند و از چه کسانی این تابعیت را سلب می نمایند، جزء اختیارات حاکمیتی آنان می باشد.^۲

اصل ۳ اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ بیان می کند: «کودک باید از بدو تولد صاحب ملیت گردد.»

تابعیت یا بر اساس سیستم خاک و یا بر اساس سیستم خون و یا در برخی موارد ترکیبی از هر دو سیستم به فرد تعلق می گیرد، که در تابعیت بر اساس سیستم خاک، کشور محل تولد و در تابعیت



شده به وجود آمده اند.»

این بند جنجالی ترین و بحث برانگیزترین بند ماده ۹۷۶ قانون مدنی است.

کسانی که از طریق بند ۴ ماده ۹۷۶ تابعیت ایران را کسب می کنند در واقع تابعیت اصلی سرزمینی کسب می کنند و این همان نقطه جنجالی این ماده است که در بند ۲ تابعیت زن ایرانی را در اعطای تابعیت ایرانی به طفل موثر نمی داند ولی در بند ۴ تنها تولد زن خارجی در ایران موجب اعطای تابعیت به طفل متولد از او در ایران می شود که در جای خود سزاوار بحث و بررسی است. و اما وضعیت تابعیت کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان بیگانه چالش برانگیزترین موضوع در حوزه تابعیت در چند سال اخیر بوده است و گره کور این معضل بزرگ زمانی محکم تر می شود و موج عظیمی از نگرانی ها را به همراه دارد که این ازدواج های غیر قانونی موجب بی هویتی فرزندان و عدم تعلق شناسنامه ایرانی و حتی عدم تعلق به کشور پدریشان را در بر دارد. چرا که پدر خارجی و مادر ایرانی کودک، ازدواج خود را ثبت نکرده اند در حالی که بر طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه باید مجوز دولت را داشته باشد.

همچنین ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ برای مرد خارجی که بدون مجوز دولت با زن ایرانی ازدواج کند، مجازات حبس تادیبی از ۱ تا ۳ سال تعیین کرده است.^۲

با توجه به مفاد ماده ۹۷۶ ق. م این کودکان مشمول هیچ یک از بندهای ماده مذکور نمی باشند و همین مسئله فعالان حوزه زنان و کودکان را بر آن داشت تا نسبت به رفع این مشکل چاره‌ای بیاندیشند. حاصل این تلاش‌ها



بر اساس سیستم خون، تابعیت پدر ملاک عمل خواهد بود. در مواردی هم تابعیت اکتسابی یا تبعی است، به طوری که در تابعیت اکتسابی فرد بر اثر پذیرش تابعیت یک کشور دیگر یا از طریق ازدواج کسب می کند و تابعیت تبعی نیز تابعیتی است که کودک صغیر بواسطه کسب تابعیت پدرش به دست می آورد. البته تابعیت اکتسابی و تبعی موجب محروم شدن فرد از برخی حقوق به موجب قانون می گردد.

ماده ۹۷۶ قانون مدنی:

اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می شوند:

۱ «کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد، تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.»

۲ «کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند»

۳ «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد.»

۴ «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد



نباشد و بحث اصلی بی تابعیتی آنان است، به طوری که این افراد نه تابعیت ایران را دارند و نه تابعیت سرزمین پدریشان را و این مسئله مشکل را دو چندان می کند. این افراد چه ایرانی باشند یا خارجی به هر حال همراه با مادران ایرانی خود در ایران زندگی می کنند و چاره‌ای نیز جز این ندارند و لذا مسئولین باید به فکر حل این معضل باشند چرا که همانطور که قبلاً اشاره شد رها شدن این فرزندان در جامعه سبب بروز مشکلات عدیده‌ای خواهد شد که از جمله آنها می توان به بیسوادی، بیکاری، فقر و... اشاره کرد. به نظر نگارنده راه حلی که شاید بتواند تا حدودی مشکل گشا باشد صدور شناسنامه هایی ویژه فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه است. با این روش علاوه بر اینکه امکان شناسایی، ردیابی، آمار گیری و تنظیم روابط این افراد برای برنامه ریزان و مسئولان مربوطه فراهم می گردد، مشکلات ناشی از بی هویتی وعدم بهره مندی از حقوق اولیه تحصیل، بهداشت و اشتغال این افراد نیز تا حدودی حل می شود. استفاده از این شناسنامه‌ها جهات منفی کارت‌های اتباع بیگانه را نداشته و می تواند فرزندان زنان ایرانی را از اتباع صرفاً بیگانه متمایز کرده و به حرمت نام مقدس مادر امتیازی هر چند مختصر برای این فرزندان ایرانی - خارجی قائل شود.

پانوشت‌ها:

- ۱- ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، ماده ۱۹ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، بند ۱ تا ۳ ماده ۲۰ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ و ماده ۳۴ کنوانسیون ژنو
- ۲- کنوانسیون لاهه: ماده ۱ «هر دولتی این صلاحیت را دارد که بر اساس قوانین خود تعیین کند چه کسانی از اتباع او محسوب می شوند.»
- ۳- ماده ۱۰۶۰ ق.م «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است.»
- ۴- نظریات شماره ۳۸۰۷ مورخ ۱۳۵۳/۶/۱۳ و شماره ۷/۵۰۲۵ مورخ ۱۳/۱/۶۱ اداره حقوقی قوه قضائیه

تصویب ماده واحده‌ای در سال ۱۳۸۵ بود که به موجب آن، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده‌اند یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می شوند، می توانند بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، تقاضای تابعیت ایران را بنمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی، به تابعیت ایران پذیرفته می شوند. تصویب این ماده واحده نه تنها مشکلی را از مشکلات این افراد نکاسته بلکه آن را دو چندان نموده است، چرا که تا قبل از تصویب این ماده واحده، کودکی که از مادر ایرانی در ایران متولد می شد، بنابر اولویت و تنقیح مناطق، به حکم بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ایرانی محسوب می شد.^۴

آنچه مسلم است دلیل تلاش برای به تصویب رساندن ماده واحده مذکور حل مشکل معیشت، اشتغال، بهداشت و تحصیل و... این افراد بود، در حالی که این مشکلات همچنان باقی است. راه حل ایده آل برای حل مشکلات فرزندان زن ایرانی این است که تابعیت زن ایرانی همانند مرد ایرانی موثر شناخته شده و کسانی که در ایران از مادر ایرانی متولد می شوند (سیستم خاک) و همچنین بر اساس نسب مادری (سیستم خون) ایرانی محسوب شوند که این امر نیازمند طی مراحل قانونی مختلف و طولانی است و در مقطع کنونی قابل اجرا نمی باشد. علیرغم همه آنچه گفته شد مشکل اساسی مربوط به فرزندان است که پدرانیشان پس از ازدواج (ازدواجی که مراحل قانونی را در ایران طی نکرده و به ثبت نرسیده است) ایران را ترک کرده‌اند و لذا دیگر شاید اصلاً سخن از تابعیت ایرانی و یا خارجی این فرزندان در میان





نگاهی به بررسی واژه رجال در اصل یکصد و پانزده قانون اساسی

اشرف گرامی زادگان

چکیده:

«رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» متن فوق مربوط به اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مبحث ریاست جمهوری و وزراء است که در فصل نهم تحت عنوان قوه مجریه آمده است. متنی که با استفاده از یک واژه، در هر دوره انتخابات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و همه علاقمندان که با یافتن پاسخ و تفسیر شفافی از آن، از ابهام این واژه بکاهند و برای همیشه بحث در باره آن را خاتمه دهند زیرا که استمرار آن به صلاح جامعه نبوده و نخواهد بود.

پس از انقلاب اسلامی، در یک همه‌پرسی جمهوری اسلامی به رأی گذاشته شد و مردم - اعم از زن و مرد - به آن رأی «آری» دادند. به استناد همین قانون اساسی و متون مندرج در اصول آن، زنان نقش تعیین کننده ای داشتند لذا بهره‌گیری از واژه رجال «نه مرد» موجب شد تا سهم خواهی زنان در صحنه مدیریتی و تصمیم‌گیری همچنان پا بر جا بماند و این نظریه تقویت شود. علت باز نشر این مقاله به موضوع بررسی قانون انتخابات و بررسی مفاد انتخاب رئیس جمهور برمی‌گردد تا واژه رجل سیاسی شفاف گردد. در این موضوع تلاشی را که در سی سال گذشته به منظور تفسیر این واژه در جامعه و در مراکز و نهادهای قدرت صورت گرفته است مورد واکاوی قرار می‌گیرد.



زن در قانون اساسی

نخست به مقدمه قانون اساسی و نقشی که زنان در انقلاب اسلامی داشتند، استناد می‌شود.

«همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین کننده بود و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند. صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد بیانگر سهم عمده و تعیین کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.» اینک واژه رجال و سهم‌گیری قدرت توسط مردان، این همبستگی را با پرسش‌های متعددی مواجه کرده است.

۱- چگونه متن قانون اساسی از حضور بارز زنان در این جهاد بزرگ دم می‌زند و صحنه مادر و کودک را نشانگر سهم عمده زنان در انقلاب می‌شمارد ولی در هنگام تعیین مسئولیت‌ها و مدیریت‌ها، زنان را نادیده می‌گیرد و مردان را واجد شرایط می‌داند. اگر معنای «رجال» را مترادف با «مردان» بپذیریم به محتوای قانون اساسی جفا روا داشته‌ایم.

۲- استفاده از واژه «رجال» نشان می‌دهد که تدوین‌کنندگان قانون اساسی، به هر دلیل - اعم از تأیید و تأثیر نقش زنان در دفاع مقدس، پشتیبانی و یا همراهی آنان در دوره سازندگی - به خود اجازه نداده‌اند با توجه به مقتضیات جامعه و ملاحظات کشور به صراحت از واژه «مردان» استفاده کنند، هرچند که برخی از آنان نیز اصراری به استفاده از واژه «مردان» نداشته‌اند.

۳- در هیچ یک از اصول قانون اساسی به صراحت «مردان» را واجد صلاحیت برای مسئولیت‌ها ندانسته است که در نفی حضور زنان به آن استناد شود. مجموعه اصول، ملاک را انسان برای کسب مسئولیت قرار داده است.

در قانون اساسی مسئله «مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع» به صراحت ذکر شده و همه افراد اجتماع را برای تمامی مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز مسئول دانسته است. در مقدمه این قانون، زنان را به دلیل ستم بیش‌تری که در نظام طاغوتی متحمل شده است بیش‌تر برای استیفای حقوقش ذبح دانسته است. قانون اساسی «مشارکت عامه مردم بر تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» را از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران دانسته است و اعلام کرده است که همه امکانات برای امور مذکور فراهم آید.

آیا مشارکت برای زنان به معنای آن است که برای تعیین سرنوشت خویش فقط رأی بدهند؟

آیا زنان نمی‌توانند کاندیدا شوند تا به آنها رأی داده شود؟

آیا زنان فقط در انتخابات شوراها و مجلس حق مشارکت دارند و در کاندیدا شدن برای ریاست جمهوری محدودیت و ممنوعیت دارند؟

بسیاری تاکنون برداشت کلی از واژه رجال را مترادف با شخصیت دانسته و تفاوتی بین زن و مرد برای کاندیدا شدن نمی‌دانستند زیرا که زنان باید با تمرین و ممارست خود را برای این سمت مهیا می‌کردند که این نیاز به زمان داشت از این‌رو در برخی دوره‌ها زنان کاندیدا



تلاش مجلس ششم برای شفاف شدن

واژه رجال

در فهرست درخواست‌هایی که از طرف رای دهندگان به کمیته^۴ زنان مجلس شورای اسلامی رسیده بود یکی بررسی اصل ۱۱۵ قانون اساسی برای شفاف شدن عبارت «رجال مذهبی و سیاسی» بود. کمیته زنان کمیسیون فرهنگی مجلس ششم که پشتیبانی و همکاری دیگر نمایندگان زن را نیز معمولاً در اغلب امور داشت متنی را تهیه و برای تعدادی (۱۹ تن) از اساتید دانشگاه و حوزه ارسال کرد. در این متن آمده بود که به - دنبال مسکوت ماندن بحث مربوط به عبارت «رجل سیاسی و مذهبی» مندرج در اصل ۱۱۵ قانون اساسی و عدم شفافیت این عبارت، درخواست می‌شود تا پاسخ خود را به منظور کمک به شفاف شدن عبارت مورد نظر و روشن شدن وضعیت زنان در ارتباط با کاندیداتوری ریاست جمهوری ارائه نمایند.

متن سؤال عیناً برای بیش از نوزده نفر از شخصیت‌ها ارسال شد:

قانون اساسی در فصل نهم که موضوع آن قوه مجریه اعم از ریاست جمهوری و وزراء است، در اصل ۱۱۵ بیان می‌دارد: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور» در یک نظریه معنای عبارت رجال مذهبی و سیاسی شخصیت‌های مذهبی و سیاسی عنوان شده، مشارکت سیاسی زنان از حقوق اساسی آنان شمرده می‌شود و در یک نظریه دیگر گفته می‌شود که

نشدند. قانون انتخاب رئیس جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران نیز که مشتمل بر ۶۸ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۱۳/۴/۱۳۶۰ به تصویب رسیده است نیز در فصل دوم - ماده ۱۰ - انتخاب شوندهگان را دارای شرایطی دانسته که در بند اول آن چنین آورده است:

۱- از رجال مذهبی و سیاسی

در هیچیک از مواد دیگر این قانون ذکری از جنسیت نشده است.

اما زنان در دوره های انتخابات ریاست جمهوری با کاندیدا شدن خود - هر چند که رد صلاحیت شدند - این موضوع را در معرض آزمون قرار دادند. نحوه برخورد با این موضوع به این گونه مطرح شد که رد صلاحیت آنان مربوط به جنس نبوده است.^۲

از این رو این معنا در جامعه قوت گرفت که با توجه به حساسیت ریاست جمهوری تأیید صلاحیت برای آنان حول محور چند شخصیت مطرح دور می‌زند و مربوط به جنس زن بودن نیست.

هیچکدام از اعضای شورای نگهبان به صراحت و از تریبون عمومی اعلام نکرد که زنان حق کاندیدا شدن برای ریاست جمهوری را ندارند.

این مسئله با وجود پرسش‌ها و نظریه‌های متفاوت در این زمان شکل دیگری به خود گرفت. انتخابات مجلس هفتم موجب شد که این سؤال مجدداً بیان شود که آیا اداره امور کشور و ریاست جمهوری فقط از مردان برمی‌آید و زنان نمی‌توانند رئیس جمهور شوند؟

سخنگوی حقوقدان^۳ شورای نگهبان به پرسش یک خبرنگار تفسیر خود را از «جال» اعلام کرد. به نظر او مردان واجد صلاحیت ریاست جمهوری هستند.



داده‌ام و لذا به نظر حقیر پست‌های مذکور نیز برای خانم‌ها مشکل شرعی ندارد.»

دکتر اسدالله امامی استاد برجسته حقوق نظر مشورتی خود را برای کمیته زنان مجلس شورای اسلامی به این گونه اعلام کرد که در نظام خلقت زنان و مردان هر دو در انسانیت مشترکند لذا در برخورداری از حقوق و مزایای اجتماعی نمی‌توان بین آنان تفاوتی قائل شد و تبعیض یا تفاوت در این زمینه عقلا و منطقا قابل دفاع نیست. سپس ایشان با اشاره به آیات ۱ و ۲ سوره نساء و آیه ۳۵ از سوره احزاب و آیات ۱۹ تا ۲۳ از سوره اعراف و آیات ۲۰ تا ۴۴ از سوره نمل و آیات دیگر بیان کرده است که از جهت فضیلت و کرامت انسانی و دست‌یابی به مقامات عالیه معنوی و احراز صلاحیت علمی بین زن و مرد تفاوتی در آیات مذکور ملاحظه نمی‌گردد.

سپس ایشان به اعلامیه‌های جهانی و بین‌المللی و اصول قانون اساسی و قانون مدنی اشاره می‌کند و در خاتمه نظر می‌دهد که «نظر به این که از نظر شرعی نسی که زن را ممنوع از دخالت در امور سیاسی از جمله تصدی ریاست جمهوری کند در حقوق اسلام ملاحظه نمی‌گردد، لذا زنان حق دارند کاندیدای ریاست جمهوری گردند و به نظر اینجانب رجل مذکور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی در معنای مطلق به کار رفته و ناظر به هر انسان اعم از ذکور یا اناث است.

دکتر سیدحسین صفایی استاد با سابقه حقوق دانشگاه تهران نیز پس از بررسی دو نظریه سنتی و جدید اعلام می‌دارد که «از لحاظ شرعی و فقهی نیز تا آنجا که اینجانب اطلاع دارد معنی برای

جو ابتدای پیروزی انقلاب موجب شد تا واضعان قانون اساسی از این واژه استفاده کنند، وگرنه عدم صلاحیت زن برای زمامداری از بدیهیات فقه اسلامی است.

سؤال اینست که آیا معنای عبارت رجل سیاسی همان شخصیت سیاسی است و اعم از زن و مرد می‌باشد و زنان محدودیتی در این مورد ندارند، یا آنکه فقه اسلامی عدم صلاحیت زن را محرز می‌داند و زنان برای این مسئولیت محدودیت دارند؟

پس از مدت‌ها پیگیری توسط کمیته زنان مجلس شورای اسلامی و کمیته زنان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شش تن از اساتید و علما به این سؤال پاسخ دادند.

آیت‌الله محمد موسوی بجنوردی

در پاسخ به سؤال ارسالی اعلام کرد که «مقصود از رجل سیاسی مذهبی در اصل ۱۱۵ قانون اساسی شخصیت سیاسی است نه مرد سیاسی و این معنی در جوامع فرهنگی عربی متداول است. مثلا می‌گویند رجل علم، رجل فضیلت، رجل اخلاق، رجل سیاست یعنی شخصیت علمی و شخصیت فضیلت و شخصیت اخلاق و شخصیت سیاسی.»

آیت‌الله سیدحسین موسوی تبریزی در پاسخ به سؤال فرمودند: «... از نظر آیات و روایات صحیح و معتبره احراز مقام ریاست جمهوری با رأی مردم برای خانم‌ها مانند آقایان هیچ معنی ندارد و هیچ کدام از فقهای شیعه در این مورد اشکال نکرده‌اند. اختلاف فقهاء صرفا در مورد قضاوت و ولایت امت و افتاء و مرجعیت تقلید برای خانم‌ها است که این هم به نظر حقیر دلیل محکمی ندارد و همه ادله مخالفین را در کتاب میزان القضاء ۵ مستوفی ذکر و پاسخ



شورای نگهبان بگذارد. تفسیر قانون اساسی با تصویب سه چهارم اعضاء انجام می‌شود.

تلاش برای تنظیم طرح قانونی استفساریه

کمیته زنان و اعضای فراکسیون زنان در مجلس ششم متنی را تهیه کردند تا از شورای محترم نگهبان استفسار کنند.

موضوع:

« آیا مراد قانونگذار از واژه «رجال» در عبارت «رجال مذهبی و سیاسی» در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری ج.ا.ا. در اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی «مرد» است یا منظور «شخصیت» مذهبی و سیاسی اعم از زن یا مرد می‌باشد؟»

علی‌رغم صرف زمانی طولانی و ارتباطات مکرر با اساتید و فقهای معظم از ۱۹ مورد تماس و ارسال متن مذکور تنها تعدادی به سؤال نمایندگان پاسخ دادند و مابقی به دلایل گوناگون پاسخی ندادند. رئیس کمیته زنان در گفت و گویی اعلام کرد که علی‌رغم آماده بودن طرح استفساریه، از طرح آن به دلایل اعلام شده، نا امید شده است.

به این ترتیب مجلس ششم پایان یافت و تلاشی که برای رسیدن به این مرحله، زمان زیادی را به خود اختصاص داده بود، به سرانجام نرسید.

علت تنظیم طرح قانونی استفساریه به هدف باز کردن راه حضور زنان در صحنه مدیریتی جامعه بود تا این ابهام زایل شود اما جو اجتماعی و درگیری‌های سیاسی ارائه آن را به مجلس و دریافت نظر شورای نگهبان به صلاح ندانست. استنباط رئیس کمیته زنان این بود که شاید در

انتخاب زنان به سمت رئیس جمهور در صورتی که واجد شرایط مذکور در اصل ۱۱۵ باشند وجود ندارد. به هر حال این نظریه با روش‌های جدید تفسیر قانون که در کشورهای پیشرفته پذیرفته شده بیش‌تر سازگار و مورد تأیید اینجانب است. « دو نظریه نیز که با نظرات قبل تفاوت داشت، از آیت‌الله سید محمدحسن مرعشی و آیت‌الله مرتضی مقتدایی نماینده مجلس خبرگان رهبری به کمیته زنان واصل گردید.

نظریه آیت‌الله سید محمدحسن مرعشی بر این اساس بود که تفسیر موسع از قانون بدون دلیل جاز نمی‌باشد و به علاوه مرجع تفسیر قانون اساسی با شورای محترم نگهبان است.

آیت‌الله مرتضی مقتدایی نیز با بیان مسئله ولایت و اینکه ریاست جمهوری شاخه از ولایت است، در ولایت شرط مرد بودن را معتبر دانسته است. در پایان نظریه ایشان یادآور شده است که «اعتبار شرط مرد بودن در ولایت به هیچ وجه دلالت بر وجود نقص در خانمها یا امری که برخلاف شأن و حرمت و منزلت آنها باشد وجود ندارد بلکه این بازگشت به کیفیت خلقت انسان و اختلاف بین زن و مرد در خلقت است ...»

در پایان نیز نظر داده شده است که «... در عبارت مذکور از قانون اساسی ترجیح با نظریه دوم مرقوم در سؤال است» کمیته زنان مجلس ش.ا.ا. با توجه به پاسخ‌های دریافتی و نظرهای متفاوت رسیده و عدم پاسخگویی دیگر اساتید حوزه و دانشگاه تصمیم گرفت با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی اقدام کند و تفسیر را به عهده





آیا ریاست جمهوری نوعی سرپرستی و ولایت بر امور است یا تصدی حاکمیت و گونه ای از ولایت و ریاست است و مسئله ولایت انتصابی و یا ولایت انتخابی، یک تقسیم بندی انجام می شود که با استناد به مشروح مذاکرات مجلس خبرگان نتیجه گرفته می شود که مصلحت در این است که جنس مرد بودن رئیس جمهور حذف شود. لازم به ذکر است که این باز پژوهی در حقوق زن قابل توجه است.

نظریه های دیگر:

روشن نبودن واژه رجال موجب شد تا در سال ۱۳۷۶ یک زن برای ریاست جمهوری کاندیدا شود و هدف خود را از شرکت، ضرورت شفاف شدن واژه مذکور دانست. این روند ادامه یافت. دور بعد ۵۰ زن کاندیدا شدند. در انتخابات دوره نهم ۱۰۰ زن و زنان برای دوره های مکرر نامزد شدند اما پاسخ روشنی نگرفتند. برخی از نمایندگان زن مجلس هشتم و زنان فعال در جامعه اظهار کردند که زنان منعی برای حضور ندارند و لفظ رجل معنای جنسیتی ندارد. به هر حال طیف های گوناگون

آینده بتوان شرایط مناسبی را برای ارائه استفساریه فراهم کرد.

بازپژوهی حقوق زن و تصدی مسئولیت ریاست جمهوری

در سال ۱۳۸۴ به منظور بررسی قوانین مربوط به زنان در جمهوری اسلامی ایران تحقیقی صورت گرفت که در بخشی نگاه به موضوع زن و تصدی مسئولیت ریاست جمهوری داشت. در مقدمه تحقیق علی رغم مقدمه و شروع، نویسندگان اعلام می کنند که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی، اصل دخالت جنسیت است و زنان نمی توانند عهده دار عالی ترین مقام رسمی کشور یعنی ریاست جمهوری شوند. این تفسیر و برداشت مورد تأیید بسیاری از نویسندگان و صاحب نظران است که بر پایه باور های دینی و موازین فقهی بنا شده است. اما در متن مقاله مذکور نکات زیر مورد بررسی قرار می گیرد. در این مبحث بررسی دیدگاه قانون اساسی و بررسی مبانی فقهی عدم صلاحیت زنان برای ریاست جمهوری، دو بحث اصلی این مقاله در کتاب است نهایت آن که



۵- اختلاف نظر در دیدگاه علما، نشان از این دارد که رئیس جمهوری شرط مرد بودن نداشته است. اما شورای نگهبان با داشتن کلیه اعضای خود از بین مردان، هیچگاه ضرورتی به تفسیر قانون اساسی بر مبنای اصل ۹۸ ندیده است.

۶- وجود زنانی که در کشورهای دیگر رئیس جمهور شده‌اند نشان می‌دهد که زنان در دنیا به مرور توانسته‌اند توانایی‌هایی را کسب کنند. چگونه ممکن است در کشور ما با حضور بیش از ۵۰ درصد زنان در دانشگاه‌ها و کسب مدارج علمی، پژوهشی، مدیریتی و ... به قابلیت زنان ایرانی شک کرد؟

اجتماعی و سیاسی اعم از اصلاح طلب و اصولگرا تعریف خود را از این واژه بیان کردند.

آخرین تلاش‌ها به این نتیجه منجر شد که سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد: شورای نگهبان هیچ‌گاه رجل سیاسی را تفسیر نکرده... در گذشته هم از قشر بانوان کسانی بودند که ثبت نام کردند و شورای نگهبان در این زمینه نظر خاصی ندارد و منع خاصی هم وجود ندارد. اما درخواست تفسیر اصل ۱۱۵ قانون اساسی همچنان ادامه دارد. یکی از نمایندگان مجلس هشتم این موضوع را با رئیس مجلس شورای اسلامی در میان گذاشته تا پاسخ مناسب را دریافت کند.

نتیجه گیری:

هرچند که رئیس جمهوری زنان در ایران در گرو تفسیر واژه «رجال» است اما مفسران باید مطالب زیر را درخور تأمل بدانند:

۱- انقلاب اسلامی ایران با یاری زنان که نیمی از جمعیت کشور هستند، به ثمر نشسته است. نقش زنان را در پیروزی انقلاب نمی‌توان نادیده گرفت.

۲- استمرار انقلاب اسلامی با توجه به جنگ تحمیلی به مدت هشت سال و ضرورت حضور زنان در دوره سازندگی، هنوز هم به حمایت همه‌جانبه زنان نیاز دارد.

۳- تدوین کنندگان قانون اساسی هنگام رأی‌گیری به واژه «مرد» در اصل ۱۱۵ رأی ندادند و در عمل واژه «رجال» را برگزیدند. چرا؟

۴- امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی هیچ‌گاه و در هیچ‌کدام از سخنرانی‌های خود به صراحت به ضرورت مرد بودن رئیس جمهوری اشاره نکرده‌اند.

پی‌نوشت‌ها و مأخذ:

۱- چرا کاندیدای ریاست جمهوری شدم؟ اعظم طالقانی - پیام هاجر- شماره ۲۲۷ «تصویب بدون تصریح - جلسه ۶۵ خبرگان رهبری تدوین قانون اساسی»

۲- دبیر شورای نگهبان: کیهان ۷۶/۲/۲۰ در این دوره ۹ نفر از خانم‌ها ثبت نام کرده بودند که یکی از آنها منصرف شد. به هر حال این دسته از «رجال مذهبی و سیاسی» نبودند و نیازی

به بررسی شرایط بعدی نبود. به نقل از پیام هاجر شماره ۲۲۸
۳- روزنامه شرق - ۸۲/۸/۳ «غلامحسین الهام سخنگوی شورای نگهبان: برداشت شورای نگهبان از «رجل» جنس «مرد» است.

۴- کمیته زنان یکی از کمیته‌های کمیسیون فرهنگی در مجلس دوره ششم و مسئولیت آن بر عهده دکتر فاطمه راکعی بود.

۵- کتاب میزان القضاء مطبوع است البته به زبان عربی نوشته شده است.

۶- صدای عدالت - ۸۳/۹/۱۱

۷- کتاب باز پژوهی حقوق زن- مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری - ۱۳۸۴ - دوجلد

۸- عفت شریعتی نماینده مشهد، ۸۸/۱/۲۲ فرارو- منبره نوبخت رئیس شورای اجتماعی فرهنگی زنان ۸۸/۲/۱ خبرگزاری فارس

۹- خبرگزاری مهر ۸۸/۱/۲۲



سیاست‌های کلی «خانواده»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی سیاست‌های کلی «خانواده» را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است، ابلاغ کردند. متن سیاست‌های کلی خانواده که به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده، به این شرح است:

و احترام و مودت و رحمت با تأکید بر:

- به‌کارگیری یکپارچه ظرفیت‌های آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای کشور در جهت تحکیم بنیان خانواده و روابط خانوادگی.
- فرهنگ‌سازی و تقویت تعاملات اخلاقی.
- مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیب‌ها و چالش‌های تحکیم خانواده.
- ممنوعیت نشر برنامه‌های مخل‌ارزش‌های خانواده.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سیاست‌های کلی خانواده

خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه اسلامی و کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه سلامت و بلندی و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است و سمت‌وسوی حرکت نظام باید معطوف باشد به:

۱- ایجاد جامعه‌ای خانواده‌محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی اسلامی خانواده به‌عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش‌بخش.

۲- محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه نظام مسکن و شهرسازی.

۳- برجسته کردن کارکردهای ارتباط خانواده و ملی و صیانت از خانواده و جامعه.

۴- ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی.

۵- تحکیم خانواده و ارتقاء سرمایه اجتماعی آن بر پایه رضایت و انصاف، خدمت



انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده.

۸- ایجاد فضای سالم و رعایت روابط اسلامی زن و مرد در جامعه.

۹- ارتقاء معیشت و اقتصاد خانواده‌ها با توانمندسازی آنان برای کاهش دغدغه‌های آینده آنها درباره اشتغال، ازدواج و مسکن.

۱۰- ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده و تسهیل دسترسی به آن بر اساس مبانی اسلامی- ایرانی در جهت استحکام خانواده.

۱۱- تقویت و تشویق خانواده در جهت جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی.

۱۲- حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه‌داری زنان و نقش پدری و اقتصادی مردان و مسؤولیت تربیتی و معنوی زنان و مردان و توانمندسازی اعضای خانواده در مسؤولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفاء نقش و رسالت خود.

۱۳- پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده به‌ویژه موضوع طلاق و جبران آسیب‌های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ‌سازی کراهت طلاق.

۱۴- حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های با سرپرستی زنان و تشویق و تسهیل ازدواج آنان.

۱۵- اتخاذ روش‌های حمایتی و تشویقی مناسب برای تکریم سالمندان در خانواده و تقویت مراقبت‌های جسمی و روحی و عاطفی از آنان.

۱۶- ایجاد سازوکارهای لازم برای ارتقاء سلامت همه‌جانبه خانواده‌ها به‌ویژه سلامت باروری و افزایش فرزندآوری در جهت برخورداری از جامعه جوان، سالم، پویا و بالنده.

منبع: سایت مقام معظم رهبری

- ایجاد فرصت برای حضور مفید و مؤثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر و استفاده مؤثر خانواده از اوقات فراغت به صورت جمعی.

۶- ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی- ایرانی با:

- ترویج ارزش‌های متعالی و سنت‌های پسندیده در ازدواج و خانواده.

- پر رنگ کردن ارزش‌های اخلاقی و زدودن پیرایه‌های باطل از آن.

- مبارزه با اشرافیت و تجمل‌گرایی و مظاهر فرهنگ غرب.

- اصلاح رفتار گروه‌های مرجع و برجسته‌سازی رفتارهای شایسته آنها و جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های مرجع ناسالم.

۷- بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل و فصل دعاوی در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل





منشور حقوق شهروندی

رئیس‌جمهور نهاده است. رئیس‌جمهور که در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران بر پشتیبانی از حق، گسترش عدالت و حمایت از آزادی و کرامت انسانی افراد و حقوق ملت در قانون اساسی به خداوند سوگند یاد کرده است، «منشور حقوق شهروندی» را به‌مثابه برنامه و خط‌مشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی ملت ایران اعلام می‌کند.

این منشور با هدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به‌منظور تدوین «برنامه و خط‌مشی دولت»، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم شده و شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آنها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم تلاش جدی و فراگیر خود را معمول خواهد داشت. برای دستیابی به این

منشور حقوق شهروندی در تاریخ بیست و نهم آذرماه ۱۳۹۵ در همایش قانون اساسی و حقوق ملت با حضور رئیس‌جمهوری و جمع زیادی از وکلا، حقوق دانان و اساتید و کارشناسان رونمایی و به امضای دکتر روحانی رئیس‌جمهوری ج.ا. رسید. منشور دارای ۱۲۰ بند است. متن ذیل منشور حقوق شهروندی است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم
مقدمه

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت ایران این حق را از طریق اصول قانون اساسی اعمال کرده؛ و به‌موجب اصول ۱۱۳ و ۱۲۱، مسئولیت اجرا و پاسداری از قانون اساسی را بر عهده



سلامت، مراقبت در مقابل بیماری‌های روحی، روانی و جسمانی و خدمات بهداشتی و درمانی برخوردار باشند.

ماده ۵- حق توان‌خواهان (شهروندان دارای معلولیت) و سالمندان نیازمند است که از امکانات درمانی و توان‌بخشی برای بهبودی و یا توانمند شدن در جهت زندگی مستقل و مشارکت در جنبه‌های زندگی بهره‌مند شوند.

ماده ۶- شهروندان حق دارند از محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و دینی و تعالی معنوی برخوردار شوند. دولت همه امکانات خود را برای تأمین شرایط لازم جهت بهره‌مندی از این حق به کار می‌گیرد و بامفاسد اخلاقی از جمله دروغ، ربا، تملق، ناپردباری، بی‌تفاوتی، تنفر، بی‌اعتمادی، افراط‌گری و نفاق در جامعه مبارزه می‌کند.

ب- حق کرامت و برابری انسانی

ماده ۷- شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش‌بینی‌شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان بهره‌مند هستند.

ماده ۸- اعمال هرگونه تبعیض ناروا به‌ویژه در دسترسی شهروندان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی و آموزشی ممنوع است. دولت باید از هرگونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی و تبعیض ناروا و محرومیت از حقوق شهروندی، خودداری کند.

ماده ۹- حیثیت و اعتبار شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شخص، مقام یا رسانه‌ای به‌ویژه آنهایی که از بودجه و امکانات عمومی استفاده می‌کنند نباید با رفتار یا بیان اهانت‌آمیز نظیر هجو و افتراء حتی از طریق نقل قول، به اعتبار و حیثیت دیگران لطمه وارد کند.

هدف همکاری سایر قوا و نهادها و مشارکت مردم، تشکل‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی ضروری است. مواد مختلف این منشور باید در هماهنگی و سازگاری با یکدیگر و در چارچوب نظام حقوقی موجود تفسیر و اجرا شود و نباید موجب کاهش حقوق شهروندان ایرانی و حقوق اتباع سایر کشورها که در قوانین و یا تعهدات بین‌المللی کشور شناسایی شده است، گردد.

الف- حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی

ماده ۱۰- شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمی‌توان از آنها سلب کرد مگر به موجب قانون.

ماده ۲- شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند.

ماده ۳- حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به‌خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.

ماده ۴- حق کودکان است که صرف‌نظر از جنسیت به‌طور خاص از هرگونه تبعیض، آزار و بهره‌کشی مصون و از حمایت‌های اجتماعی متناسب از جمله در حوزه



ت- حق مشارکت در تعیین سرنوشت

ماده ۱۵- شهروندان به شکل برابر از حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش برخوردارند و می‌توانند این حق را از طریق همه‌پرسی یا انتخابات آزاد و منصفانه اعمال کنند.

ماده ۱۶- شهروندان برای مشارکت و نظارت در فرآیند انتخابات، برخورداری از امکانات و امتیازات دولتی (از جمله پارانه، تبلیغات رادیویی، تلویزیونی و مانند اینها)، بهره‌مندی از کمک‌های مردمی و سایر روش‌های تأمین هزینه‌های انتخاباتی، شکایت و اعتراض به تخلفات انتخاباتی نزد مقامات صلاحیت‌دار، از حقوق برابر برخوردارند.

ماده ۱۷- تصمیمات، اقدامات با اظهارات مقامات و مسئولان دولتی، عوامل اجرایی و نظارتی و مأمورین نظامی، انتظامی و امنیتی پیش از انتخابات، در جریان بررسی شرایط نامزدهای انتخاباتی و پس از انتخابات باید کاملاً شفاف، بی‌طرفانه و قانونمند باشد به گونه‌ای که حتی شائبه تقلب یا تخلف، یا حمایت نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید.

ماده ۱۸- صداوسیما و همه رسانه‌هایی که از بودجه یا اموال عمومی استفاده می‌کنند، باید بی‌طرفی کامل را در مراحل مختلف انتخابات رعایت کنند تا شائبه حمایت از نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید.

ث- حق اداره شایسته و حسن تدبیر

ماده ۱۹- شهروندان از حق اداره شایسته امور کشور بر پایه قانون‌مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف برخوردارند. رعایت این حق توسط

ماده ۱۰- توهین، تحقیر یا ایجاد تنفر نسبت به قومیت‌ها و پیروان ادیان و مذاهب و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، ممنوع است.

ماده ۱۱- زنان حق دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند.

پ- حق آزادی و امنیت شهروندی:

ماده ۱۲- آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد.

محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد.

ماده ۱۳- هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به‌ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است.

ماده ۱۴- شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت خود، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت به مراجع و مأموران تأمین‌کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند. مراجع و مأموران مذکور باید بدون وقفه و تبعیض و متناسب با تعرض یا تهدیدی که متوجه شهروندان شده است و با رعایت قوانین خدمات خود را ارائه دهند.



ج- حق آزادی اندیشه و بیان

ماده ۲۵- شهروندان از حق آزادی اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد.

ماده ۲۶- هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند.

دولت باید آزادی بیان را به‌طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند اینها طبق قوانین تضمین کند.

ماده ۲۷- شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند.

ماده ۲۸- شهروندان از حق نقد، ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی برخوردارند. دولت موظف به ترویج و گسترش فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مداراست.

ماده ۲۹- دولت از آزادی، استقلال، تکثر و تنوع رسانه‌ها در چارچوب قانون حمایت می‌کند. هیچ مقامی حق ندارد برخلاف موازین قانونی برای انتشار یا عدم انتشار اطلاعات یا مطالب درصدد اعمال فشار بر مطبوعات و سایر رسانه‌ها برآید یا به سانسور یا کنترل نشریات و سایر رسانه‌ها مبادرت نماید.

همه مسئولین و کارکنان الزامی است.

ماده ۲۰- حق شهروندان است که امور اداری آنها با رعایت قانون، بی‌طرفانه و به دور از هرگونه منفعت‌جویی یا غرض‌ورزی شخصی، رابطه خویشاوندی، گرایش‌های سیاسی و پیش‌داوری، در زمان معین و متناسب رسیدگی و انجام شود.

ماده ۲۱- حق شهروندان است که چنانچه تصمیمات نهادهای اداری و یا کارکنان را خلاف قوانین و مقررات بدانند، از طریق مراجعه به مراجع اداری و قضائی صالح، تقاضای احقاق حق کنند.

ماده ۲۲- حق شهروندان است که از تصمیمات و اقدامات اداری که به‌نوعی حقوق و منافع مشروع آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، آگاه شوند.

ماده ۲۳- مقامات و مأموران اداری باید در روابط خود با شهروندان پاسخگو و قابل‌دسترس باشند و چنانچه درخواستی را رد کنند باید حسب تقاضا، به‌صورت مکتوب پاسخ داده و حداکثر راهنمایی را در چارچوب صلاحیت‌های خود ارائه نمایند.

ماده ۲۴- حق شهروندان است که از دولتی برخوردار باشند که متعهد به رعایت اخلاق حسنه، راست‌گویی، درستکاری، امانت‌داری، مشورت، حفظ بیت‌المال، رعایت حق‌الناس، توجه به وجدان و افکار عمومی، اعتدال و تدبیر و پرهیز از تندروی، شتاب‌زدگی، خودسری، فریبکاری، مخفی‌کاری و دست‌کاری در اطلاعات و پذیرفتن مسئولیت تصمیمات و اقدامات خود، عذرخواهی از مردم در قبال خطاها، استقبال از نظرات مخالفین و منتقدین و نصب و عزل بر مبنای شایستگی و توانایی افراد باشد.



الکترونیک، فرصت‌های آموزشی و توانمندسازی کاربران به صورت غیر تبعیض‌آمیز برخوردار شوند.

ماده ۳۵- حق شهروندان است که از امنیت سایبری و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، حفاظت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی برخوردار باشند.

خ- حق حریم خصوصی

ماده ۳۶- حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به حکم قانون.

ماده ۳۷- تفتیش، گردآوری، پردازش، به کارگیری و افشای نامه‌ها اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی، اطلاعات و داده‌های شخصی و نیز سایر مراسلات پستی و ارتباطات از راه دور نظیر ارتباطات تلفنی، نامبر، بی‌سیم و ارتباطات اینترنتی خصوصی و مانند اینها ممنوع است مگر به موجب قانون.

ماده ۳۸- گردآوری و انتشار اطلاعات خصوصی شهروندان جز با رضایت آگاهانه یا به حکم قانون ممنوع است.

ماده ۳۹- حق شهروندان است که از اطلاعات شخصی آنها که نزد دستگاه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی است، حفاظت و حراست شود. در اختیار قرار دادن و افشای اطلاعات شخصی افراد ممنوع است و در صورت لزوم به درخواست نهاد‌های قضایی و اداری صالح منحصراً در اختیار آنها قرار می‌گیرد. هیچ مقام و مسئولی حق ندارد بدون مجوز صریح قانونی، اطلاعات شخصی افراد را در اختیار دیگری قرار داده یا آنها را افشا کند.

ماده ۴۰- هرگونه بازرسی و تفتیش

بج- حق دسترسی به اطلاعات

ماده ۳۰- حق شهروندان است که به اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی دسترسی داشته باشند. همه دستگاه‌ها و نهادها موظف به انتشار مستمر اطلاعات غیر طبقه‌بندی شده و مورد نیاز جامعه می‌باشند.

ماده ۳۱- حق شهروندان است که به اطلاعات شخصی خود که توسط اشخاص و مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات عمومی جمع‌آوری و نگهداری می‌شود دسترسی داشته باشند و در صورت مشاهده اشتباه، خواستار اصلاح این اطلاعات گردند. اطلاعات خصوصی مربوط به افراد را نمی‌توان در اختیار دیگران قرار داد، مگر به موجب قانون یا با رضایت خود افراد.

ماده ۳۲- کودکان حق دارند به اطلاعات مناسب با سن خود دسترسی داشته باشند و نباید در معرض محتوای غیراخلاقی، خشونت‌آمیز یا هر نوع محتوایی قرار گیرند که موجب غلبه ترس یا بروز آسیب جسمی یا روانی شود.

ج- حق دسترسی به فضای مجازی

ماده ۳۳- حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره‌مند شوند. این حق از جمله شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است. ایجاد هرگونه محدودیت (مانند فیلترینگ، پارازیت، کاهش سرعت یا قطعی شبکه) بدون مستند قانونی صریح ممنوع است.

ماده ۳۴- حق شهروندان است که از مزایای دولت الکترونیک و تجارت



در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اجرای قانون مشارکت مؤثر داشته باشند.

ماده ۴۵- فعالیت‌های مدنی در حوزه‌های حقوق شهروندی حق هر شهروند است. سازمان‌های مردم‌نهاد باید حق دسترسی به اطلاعات و دادگاه صالح را برای دادخواهی در مورد نقض حقوق شهروندی داشته باشند.

ماده ۴۶- حق شهروندان است که آزادانه و با رعایت قانون نسبت به تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و شرکت در آنها اقدام کنند و از بی‌طرفی دستگاه‌های مسئول و حفاظت از امنیت اجتماعات برخوردار شوند.

ذ- حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد

ماده ۴۷- حق مسلم هر فرد ایرانی است که از مزایای تابعیت ایران بهره‌مند شود و کسی نمی‌تواند مانع استیفای این حق شود.

ماده ۴۸- حق هر شهروند است که آزادانه در داخل کشور رفت و آمد کند و از ایران خارج و یا به ایران وارد شود، مگر این‌که به موجب قانون این حق محدود شده باشد.

ماده ۴۹- حق شهروندان است که در هر نقطه از سرزمین ایران، اقامت و سکونت کنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل موردعلاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

ماده ۵۰- اتباع ایرانی در هر نقطه از جهان حق دارند از خدمات و حمایت‌های حقوقی، کنسولی و سیاسی دولت ایران بهره‌مند شوند.

حق شهروندان است که با رضایت کامل، آزادانه و بدون هیچ‌گونه اجباری نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده، با رعایت قانون مربوط اقدام نمایند.

بدنی باید با رعایت قوانین، احترام لازم و با استفاده از روش‌ها و ابزار غیر اهانت‌آمیز و غیر آزاردهنده انجام شود. همچنین آزمایش‌ها و اقدامات پزشکی اجباری بدون مجوز قانونی ممنوع است.

ماده ۴۱- کنترل‌های صوتی و تصویری خلاف قانون در محیط‌های کار، اماکن عمومی، فروشگاه‌ها و سایر محیط‌های ارائه خدمت به عموم، ممنوع است.

ماده ۴۲- حق شهروندان است که حرمت و حریم خصوصی آنها در رسانه‌ها و تریبون‌ها رعایت شود. در صورت نقض حرمت افراد و ایجاد ضرر مادی یا معنوی، مرتکبین طبق مقررات قانونی مسئول و موظف به جبران خسارت می‌باشند.

د- حق تشکل، تجمع و راهپیمایی

ماده ۴۳- شهروندان از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، با رعایت قانون، برخوردارند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. عضویت یا عدم عضویت نباید موجب سلب یا محدودیت حقوق شهروندی یا موجب تبعیض ناروا شود.

ماده ۴۴- حق شهروندان است که در قالب اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و نظام‌های صنفی





مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که اتهام او در دادگاه‌های صالح و با رعایت اصول دادرسی عادلانه از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات، استقلال و بیطرفی مرجع قضایی و قضات، حق دفاع، شخصی بودن مسئولیت جزایی، رسیدگی در مدت زمان معقول و بدون اطلاع دادرسی و با حضور وکیل، اثبات شود. احکام باید مستدل و مستند به قوانین و اصول مربوط صادر شود.

ماده ۵۸- حق شهروندان است که از بدو تا ختم فرایند دادرسی در مراجع قضایی، انتظامی و اداری به صورت آزادانه وکیل انتخاب نمایند. اگر افراد توانایی انتخاب وکیل در مراجع قضایی را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود. در راستای استیفای خدشه‌ناپذیر حق دفاع، از استقلال حرفه‌ای و کلا حمایت خواهد شد.

ماده ۵۹- اصل، برگزاری علنی محاکمات است و شهروندان حق دارند در صورت تمایل در جلسات رسیدگی حضور یابند. موارد استثنای صرفاً به حکم قانون می‌باشد.

ماده ۶۰- شهروندان (اعم از متهم،

ز- حق تشکیل و برخورداری از خانواده

ماده ۵۱- حق شهروندان است که با رضایت کامل، آزادانه و بدون هیچ‌گونه اجباری نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده، با رعایت قانون مربوط اقدام نمایند.

ماده ۵۲- حق شهروندان است که از امکانات آموزشی، مشاوره‌ای و پزشکی لازم در امر ازدواج بهره‌مند باشند.

ماده ۵۳- حق شهروندان است که از تدابیر و حمایت‌های لازم برای تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده، تسهیل ازدواج مبتنی بر ارزش‌ها و سنت‌های دینی و ملی برخوردار شوند.

ماده ۵۴- حق همه شهروندان به‌ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.

ماده ۵۵- حق کودکان است که از والدین و سرپرستان صلاحیت‌دار بهره‌مند باشند. جدا کردن کودکان از والدین و سرپرستان قانونی آنها، صرفاً بر اساس قانون خواهد بود.

ز- حق برخورداری از دادخواهی عادلانه

ماده ۵۶- حق شهروندان است که به‌منظور دادخواهی آزادانه و با سهولت به مراجع صالح و بی‌طرف قضایی، انتظامی، اداری و نظارتی، دسترسی داشته باشند. هیچ‌کس را نمی‌توان از این حق محروم کرد.

ماده ۵۷- اصل بر برائت است و هیچ‌کس



ماده ۶۳- حق شهروندان است که از تمامی حقوق دادخواهی خود از جمله اطلاع از نوع و علت اتهام و مستندات قانونی آن و انتخاب وکیل آگاهی داشته باشند و از فرصت مناسب برای ارائه شکایت یا دفاعیات خود، ثبت دقیق مطالب ارائه شده در همه مراحل دادرسی، نگهداری در بازداشتگاه‌ها یا زندان‌های قانونی و اطلاع خانواده از بازداشت بهره‌مند شوند.

ماده ۶۴- بازداشت‌شدگان، محکومان و زندانیان حق دارند که از حقوق شهروندی مربوط به خود از قبیل تغذیه مناسب، پوشاک، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، ارتباط و اطلاع از خانواده، خدمات آموزشی و فرهنگی، انجام عبادات و احکام دینی بهره‌مند باشند.

ماده ۶۵- تجدیدنظرخواهی از احکام دادگاه‌های کیفری، حقوقی، اداری و مراجع شبه قضایی بر اساس معیارهای قانونی، حق شهروندان است.

ماده ۶۶- حق همه بازداشت‌شدگان موقت و محکومان است که پس از پایان بازداشت یا اجرای حکم به زندگی شرافتمندانه خود بازگردند و از همه حقوق شهروندی به ویژه اشتغال به کار برخوردار شوند. محرومیت اجتماعی هر محکوم جز در موارد مصرح قانونی و در حدود و زمان تعیین شده ممنوع است.

ماده ۶۷- دولت با همکاری سایر قوا و مراجع حاکمیتی برای ارتقای نظام حقوقی ایران و ایجاد الگوی کارآمد، با تأکید بر رعایت حقوق دادخواهی، اقدامات لازم را معمول خواهد داشت.

۳- حق اقتصاد شفاف و رقابتی

ماده ۶۸- شهروندان در حق دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و امکانات و



محکوم و قربانی جرم) از حق امنیت و حفظ مشخصات هویتی‌شان در برابر مراجع قضایی، انتظامی و اداری برخوردارند و نباید کمترین خدشه‌ای به شأن، حرمت و کرامت انسانی آنها وارد شود. هرگونه رفتار غیرقانونی مانند شکنجه جسمی یا روانی، اجبار به ادای شهادت یا ارائه اطلاعات، رفتار توأم با تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و توهین به متهم یا محکوم، نقض حقوق شهروندی است و علاوه بر این که موجب پیگرد قانونی است، نتایج حاصل از این رفتارها نیز قابل استناد علیه افراد نیست.

ماده ۶۱- محاکمه شهروندانی که با اتهامات سیاسی یا مطبوعاتی مواجه می‌باشند صرفاً در دادگاه‌های دادگستری، به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه انجام می‌شود. انتخاب اعضای هیئت منصفه باید تجلی وجدان عمومی و برآیند افکار و نظرات گروه‌های اجتماعی مختلف باشد.

ماده ۶۲- حق شهروندان است که از بازداشت خودسرانه و بازرسی فاقد مجوز مصون باشند. هرگونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت بر خانواده و بستگان افراد در معرض اتهام و بازداشت ممنوع است.



از نوسازی و تجهیز بنگاه‌های تولیدی به دانش روز، تنظیم هدفمند صادرات و واردات، مقابله با جرائم سازمان‌یافته اقتصادی، پول‌شویی و قاچاق کالا و ارز فراهم می‌کند.

س- حق مسکن

ماده ۷۳- حق شهروندان است که از مسکن ایمن و متناسب با نیاز خود و خانواده‌شان بهره‌مند شوند. دولت بر اساس نیاز و با رعایت اولویت و امکانات زمینه استیفای این حق را فراهم می‌نماید.

ماده ۷۴- دولت با اتخاذ تدابیر و وضع مقررات لازم، زمینه تأمین و بهبود وضعیت مسکن متناسب با ویژگی‌های بومی و ارزش‌های فرهنگی، اجرای مقررات ملی ساختمان و طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی را فراهم می‌نماید.

ش- حق مالکیت

ماده ۷۵- حق مالکیت شخصی شهروندان محترم است. هیچ شخص یا مقامی نمی‌تواند مالکیت دیگری را سلب، یا اموال او را مصادره یا ضبط یا توقیف کند یا نسبت به حقوق مالی یا مالکیت او ممانعت، مزاحمت یا محدودیت ایجاد کند، مگر به موجب قانون.

ماده ۷۶- انواع مالکیت‌های فکری از جمله مالکیت ادبی، هنری و صنعتی با رعایت قانون، محترم و مورد حمایت است و شهروندان حق دارند که در چهارچوب قانون از حمایت‌های لازم برای خلق و عرضه آثار هنری و انتفاع از حقوق مادی و معنوی ناشی از آنها در داخل و خارج از کشور برخوردار شوند.

خدمات عمومی و دولتی برابرند. انعقاد قراردادهای و پیمان‌های بخش عمومی و دولتی با بخش خصوصی و اعطای هر نوع مجوز در حوزه اقتصادی به شهروندان باید با رعایت قوانین و مقررات مربوط و رقابت منصفانه در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات انجام شود.

ماده ۶۹- حق شهروندان است که از فرایند وضع، تغییر و اجرای سیاست‌ها، قوانین و مقررات اقتصادی اطلاع داشته باشند و نظرات خود را به اطلاع مرجع تصویب‌کننده برسانند و با فاصله زمانی مناسب از اتخاذ تصمیمات متفاوت با سیاست‌ها و رویه‌های پیشین مطلع شوند تا بتوانند خود را برای وقوع تغییرات آماده کنند و پس از اتخاذ تصمیم و برای رعایت اصل شفافیت، شهروندان حق دارند با اطلاع‌رسانی عمومی از تصمیمات آگاهی یابند.

ماده ۷۰- حق شهروندان است که به صورت برابر و با شفافیت کامل از اطلاعات اقتصادی و از جمله اطلاعات مربوط به برگزاری مزایده‌ها و مناقصه‌ها مطلع شوند.

ماده ۷۱- دولت فضای قانونمند، شفاف و رقابتی منصفانه را برای انجام انواع فعالیت‌های اقتصادی شهروندان و امنیت سرمایه‌گذاری آنها تضمین می‌کند.

ماده ۷۲- دولت به منظور تأمین حقوق اقتصادی شهروندان و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، شرایط لازم در خصوص تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، ساده‌سازی، صراحت و ثبات در تصمیمات اقتصادی، گسترش مناسبات و پیوندهای منطقه‌ای، ایجاد تمهیدات لازم را برای حضور فعالان اقتصادی ایران در بازارهای جهانی، حمایت



شایستگی و توانمندی‌های متناسب باشغل باشد و رویکردهای سلیقه‌ای، جناحی و تبعیض‌آمیز و استفاده از روش‌های ناقص حریم خصوصی در فرایند گزینش ممنوع است.

ماده ۸۳- حق زنان است که از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.

ماده ۸۴- اشتغال اجباری کودکان به کار ممنوع است. موارد استثنا که در جهت منافع و مصالح آنان باشد صرفاً به حکم قانون مجاز می‌باشد.

ض - حق رفاه و تأمین اجتماعی

ماده ۸۵- آرامش، شادابی و امید به آینده‌ای بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است.

ماده ۸۶- حق هر شهروند است که از رفاه عمومی و تأمین اجتماعی و خدمات امدادی بهره‌مند شود.

ماده ۸۷- حق شهروندان است که در صورت بیکاری ناخواسته، طبق قانون از حقوق بیمه بیکاری برخوردار شوند.

ماده ۸۸- حق شهروندان روستانشین و عشایر است که حسب مورد از حقوقی چون توسعه روستایی، بیمه و تأمین اجتماعی و ایمن‌سازی محیط زندگی بهره‌مند شوند.

ماده ۸۹- حق همه شهروندان به ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، دسترسی داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی - ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند.

شهروندان از حق فرصت برابر

در دسترسی به مشاغل و انتخاب

آزادانه حرفه موردنظر خود طبق

موازین قانونی به‌گونه‌ای که قادر به

تأمین معاش خود به‌صورت منصفانه

و آبرومندانه باشند، برخوردارند.

ص - حق اشتغال و کار شایسته

ماده ۷۷- حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض و بارعایت قانون، شغلی را که به آن تمایل دارند انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ‌کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی و یا اختلاف‌نظر در گرایش‌های سیاسی و یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند.

ماده ۷۸- شهروندان از حق فرصت برابر در دسترسی به مشاغل و انتخاب آزادانه حرفه موردنظر خود طبق موازین قانونی به‌گونه‌ای که قادر به تأمین معاش خود به‌صورت منصفانه و آبرومندانه باشند، برخوردارند. دولت شرایط مناسب را برای تحقق این حق تضمین و بر آن نظارت می‌نماید.

ماده ۷۹- حق شهروندان است که از آموزش‌های لازم درباره مشاغل بهره‌مند شوند.

ماده ۸۰- حق شهروندان است که از بهداشت محیطی و کاری سالم و ایمن و تدابیر ضروری برای پیشگیری از آسیب‌های جسمی و روحی در محیط‌های کار بهره‌مند بشوند.

ماده ۸۱- شهروندان از حیث نقض قوانین و مقررات کار، حق دادخواهی در برابر مراجع قانونی را دارند.

ماده ۸۲- به‌کارگیری، ارتقا و اعطای امتیازات به کارکنان باید مبتنی بر تخصص،





ذی‌نفعان می‌باشد.

ماده ۹۴- شهروندان حق دسترسی به کالاها و خدمات استاندارد را دارند به گونه‌ای که بهداشت یا سلامت آنها را با مخاطره مواجه نکند.

ط- حق دسترسی و مشارکت فرهنگی

ماده ۹۵- برخورداری از آثار و فواید توسعه فرهنگی و پیشرفت‌های علمی، مشارکت در حیات فرهنگی و حمایت متوازن از جنبه‌های مختلف فرهنگ حق شهروندان است.

ماده ۹۶- تنوع و تفاوت‌های فرهنگی مردم ایران به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی در چارچوب هویت ملی مورد احترام است.

ماده ۹۷- شهروندان فارغ از تفاوت‌های قومی و مذهبی از حق ارتباطات بین فرهنگی برخوردارند.

ماده ۹۸- دولت مکلف به حفظ و حراست از میراث تمدنی و فرهنگی و حفظ آثار، بناها و یادبودهای تاریخی صرف‌نظر از تعلق آنها به گروه‌های مختلف فرهنگی است.

ماده ۹۰- حق زنان است که از تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماری‌های شایع زنان بهره‌مند شوند.

ماده ۹۱- حق شهروندان است که از محیط زندگی عاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی از جمله مواد مخدر و روان‌گردان برخوردار باشند. گروه‌های آسیب‌پذیر و مددجویان از اقدامات مؤثر دولت در زمینه توانمندسازی، امید به زندگی و اعمال سیاست‌های تأمینی برخوردار می‌شوند.

ماده ۹۲- حق جامعه اینارگران و خانواده‌های معظم آنان است که به‌طور خاص از تمهیدات ضروری برای توانمندسازی فردی و جمعی برای حضور و مشارکت مؤثر در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برخوردار شوند.

ماده ۹۳- دولت از حقوق بیمه‌شدگان حمایت می‌کند و این حمایت شامل تضمین فضای رقابتی، نظارت بر فعالیت بیمه‌گران و نهادهای بیمه‌ای، تنظیم روابط بیمه‌گر و بیمه‌گزار و بهبود سازوکارهای رسیدگی به دادخواهی بیمه‌شدگان و سایر



ماده ۱۰۵- همه استادان و دانشجویان حق بهره‌مندی از مزایای آموزشی و پژوهشی از جمله ارتقا را دارند. اعطای تسهیلات و حمایت‌های علمی از جمله فرصت مطالعاتی، بورسیه و غیره صرفاً باید بر اساس توانمندی‌های علمی، شایستگی، فارغ از گرایش‌های جناحی و حزبی و مانند اینها باشد.

ماده ۱۰۶- جوامع علمی، حوزوی و دانشگاهی از آزادی و استقلال علمی برخوردارند، استادان، طلاب و دانشجویان در اظهار نظر آزادند و آنها را نمی‌توان به صرف داشتن یا ابراز عقیده در محیط‌های علمی مورد تعرض و موأخذه قرارداد یا از تدریس و تحصیل محروم کرد. اساتید و دانشجویان حق دارند نسبت به تأسیس تشکل‌های صنفی، سیاسی، اجتماعی، علمی و غیره و فعالیت در آنها اقدام کنند.

ماده ۱۰۷- دانشگاه باید مکانی امن برای استادان و دانشجویان باشد. مسئولان دانشگاه باید برای تضمین امنیت دانشجویان اهتمام جدی ورزند. رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان باید با رعایت حق دادخواهی، اصول دادرسی منصفانه و دسترسی به مراجع صالح مستقل و بی‌طرف و با رعایت حق دفاع و تجدیدنظرخواهی، در حداقل زمان و بدون تأخیر، مطابق با مقررات انجام شود.

ماده ۱۰۸- حق دانش‌آموزان است که از آموزش و پرورش منجر به شکوفایی شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی و احترام به والدین و حقوق دیگران، هویت فرهنگی، ارزش‌های دینی و ملی شود و آنها را برای داشتن زندگی اخلاقی و مسئولانه توأم با تفاهم، مسالمت، مدارا و مروت، انصاف،

ماده ۹۹- شهروندان حق دارند از امکانات لازم برای مشارکت در حیات فرهنگی خود و همراهی با دیگر شهروندان از جمله در تأسیس تشکل‌ها، انجمن‌ها، برپایی آیین‌های دینی و قومی و آداب و رسوم فرهنگی با رعایت قوانین برخوردار باشند.

ماده ۱۰۰- فعالان عرصه‌های هنری حق دارند در فضای غیرانحصاری آزادانه فعالیت کنند. دولت موظف است تدابیر لازم برای جلب مشارکت رقابتی بخش خصوصی در مراحل تولید و عرضه آثار هنری را فراهم کند.

ماده ۱۰۱- شهروندان از حق یادگیری و استفاده و تدریس زبان و گویش محلی خود برخوردارند.

ماده ۱۰۲- شهروندان در انتخاب نوع پوشش خود متناسب با عرف و فرهنگ اجتماعی و در چارچوب موازین قانونی آزاد هستند.

ماده ۱۰۳- حق همه شهروندان به ویژه زنان است که ضمن برخورداری از مشارکت و حضور در فضاها و مراکز عمومی، تشکل‌ها و سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری مخصوص خود را تشکیل دهند.

ظ- حق آموزش و پژوهش

ماده ۱۰۴- شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به‌طور رایگان گسترش می‌دهد. دولت آموزش پایه را برای افراد فاقد آموزش ابتدایی فراهم می‌آورد.



ماده ۱۱۳- هر شهروند حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم، پاک و عاری از انواع آلودگی، از جمله آلودگی هوا، آب و آلودگی‌های ناشی از امواج و تشعشعات مضر و آگاهی از میزان و تبعات آلاینده‌های محیط‌زیست را دارد. دستگاه‌های اجرایی برای کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی به‌ویژه در شهرهای بزرگ تدابیر لازم را اتخاذ می‌کنند.

ماده ۱۱۴- هرگونه اقدام به‌منظور توسعه زیربنایی و صنعتی مانند احداث سدها و راه‌ها و صنایع استخراجی، پتروشیمی یا هسته‌ای و مانند آن باید پس از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی انجام شود. اجرای طرح‌های توسعه‌ای منوط به رعایت دقیق ملاحظات زیست‌محیطی خواهد بود.

ماده ۱۱۵- دولت با ایفای نقش بین‌المللی مؤثر از طریق همکاری‌های اقتصادی، تبادل اطلاعات، انتقال دانش فنی و مبادله فرهنگی برای تحقق توسعه پایدار همه‌جانبه و متوازن و رفع موانع بین‌المللی اقدام خواهد نمود. حق شهروندان است که از مزایا و منافع فن‌آوری‌های نو در کلیه زمینه‌ها از جمله بهداشتی، پزشکی، دارویی، غذایی، اقتصادی و تجاری بهره‌مند شوند.

غ- حق صلح، امنیت و اقتدار ملی

ماده ۱۱۶- حق شهروندان است که از سیاست خارجی شفاف و صلح‌طلبانه در چارچوب منافع و امنیت ملی، برخوردار باشند. دولت با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت، برقراری، حفظ و ارتقای روابط و مناسبات پایدار با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را دنبال می‌کند و با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و روش‌های خردمندانه برای ترویج و تقویت گفت‌وگو، صلح، صیانت

نظم و انضباط، برابری و دوستی بین مردم و احترام به محیط‌زیست و میراث فرهنگی آماده کند.

ماده ۱۰۹- حق دانش‌آموزان است که شخصیت و کرامت آنان مورد احترام قرار گیرد. نظرات کودکان در مسائل مربوط به زندگی‌شان باید شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد.

ماده ۱۱۰- هیچ‌کس حق ندارد موجب شکل‌گیری تنفرهای قومی، مذهبی و سیاسی در ذهن کودکان شود یا خشونت نسبت به یک نژاد یا مذهب خاص را از طریق آموزش یا تربیت یا رسانه‌های جمعی در ذهن کودکان ایجاد کند.

ماده ۱۱۱- توان‌خواهان باید به تناسب توانایی از فرصت و امکان تحصیل و کسب مهارت برخوردار باشند و معلولیت نباید موجب محرومیت از حق تحصیل دانش و مهارت‌های شغلی شود.

ع- حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار

ماده ۱۱۲- حفاظت از محیط‌زیست - که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند - وظیفه‌ای همگانی است. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن همراه باشد، ممنوع است. حفاظت، بهسازی و زیباسازی محیط‌زیست و گسترش فرهنگ حمایت از محیط‌زیست حق شهروندان است و دولت این حق را در برنامه‌ها، تصمیمات و اقدام‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مدنظر قرار می‌دهد و با آلودگی و تخریب محیط‌زیست مقابله می‌کند.



و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی و قوانین عادی، در حوزه مسئولیت‌ها و اختیارات خود و شناسایی موارد نقض حقوق شهروندی، تدابیر و اقدامات قانونی لازم را برای تحقق این حقوق به‌ویژه از طریق تدوین و اجرای برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی، آموزش، اطلاع‌رسانی و ظرفیت‌سازی و تقویت مفاهیم، گفتگو و تعامل در حوزه عمومی انجام دهند.

۳- دستگاه‌های تابع قوه مجریه موظفانند برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی مربوط به خود را ظرف مدت شش ماه از انتشار این منشور تهیه و در اختیار دستیار ویژه ریاست جمهوری قرار دهند و هر سال گزارش ادواری پیشرفت‌ها، چالش‌ها، موانع و راه‌حل‌های پیشنهادی برای ارتقاء و اجرای حقوق شهروندی را در حوزه مسئولیت خود ارائه و از طریق اصلاحات نهادی و ساختاری، برای تحقق حقوق شهروندی مندرج در این منشور اقدام کنند.

۴- وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای آشنایی هرچه بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان با آموزه‌های حقوق شهروندی، ترتیبات لازم را اتخاذ می‌نمایند.

۵- رئیس‌جمهور هر ساله گزارش پیشرفت‌ها و راه‌کارهای رفع موانع تحقق حقوق شهروندی را به ملت ارائه و در صورت نیاز، منشور را روزآمد می‌کند.

✽ خوانندگان عزیز می‌توانند ارجاعات قانونی مواد منشور حقوق شهروندی را در سایت ریاست جمهوری ملاحظه فرمایید.
منبع: سایت ریاست جمهوری

از حقوق بشر و کرامت انسان‌ها، مبارزه با خشونت و افراطی‌گری و دفاع از حقوق مظلومان تلاش می‌کند.

ماده ۱۱۷- دولت برای حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور و بهبود وجهه بین‌المللی ایران، برنامه‌ریزی و اقدام خواهد نمود.

ماده ۱۱۸- شهروندان حق دارند از امنیت، استقلال، وحدت، تمامیت ارضی و اقتدار ملی برخوردار باشند.

ماده ۱۱۹- دولت موظف است با برنامه‌ریزی‌های لازم و تخصیص منابع کافی در جهت بازدارندگی راهبردی و ارتقای توانمندی دفاعی کشور اقدامات لازم به ویژه تجهیز و تقویت نیروهای مسلح را به عمل آورد.

ماده ۱۲۰- شهروندان حق دارند از آموزش دفاعی لازم برخوردار باشند. دولت با برنامه‌ریزی و تخصیص امکانات لازم نسبت به تقویت بنیه دفاعی و بسیج عمومی اقدام می‌نماید.

سازوکار اجرا و نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی

۱- رئیس‌جمهور برای نظارت، هماهنگی و پیگیری اجرای مناسب تعهدات دولت در این منشور، دستیار ویژه‌ای را تعیین می‌نماید. پیشنهاد برنامه و خط‌مشی مربوط به اجرای کامل منشور حقوق شهروندی از جمله مسئولیت‌های دستیار ویژه است.

۲- دستگاه‌های اجرایی تابع قوه مجریه موظفانند با هماهنگی دستیار ویژه در حدود صلاحیت‌های قانونی خود، با جلب مشارکت مردم، تشکل‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی، ضمن جمع‌بندی و مدون‌سازی حقوق





روفیا تیبرگری

کارشناس تئاتر

ستاره‌های دیروز: سوفیا لورن

من ایتالیایی نیستم؛ ناپلی هستم

نقش آفرینی‌های او در کنار مارچلو ماسترویانی و به کارگردانی بزرگانی چون ویتوردسیکا و فدريكو فلینی کمک کرد تا سینمای ایتالیا به محبوب‌ترین سینمای دنیا در دهه ۶۰ تبدیل شود. زمانی که رم رقیب اصلی هالیوود در تولید فیلم بود او ستاره بسیاری از محصولات سینمایی رم بود. جایزه اسکاری که به دست آورد اولین جایزه اسکار برای یک بازیگر غیر انگلیسی زبان بود. در زمان خود یکی از مشهورترین بازیگران زن جهان بود و همزمان به بازی در فیلم‌های آمریکایی و اروپایی مشغول بود و با بزرگترین ستارگان مرد سینما همبازی بود با ایفای نقش‌های کوتاه وارد عرصه بازیگری شد؛ نقش‌های کوتاه رفته رفته به نقش‌های اصلی تبدیل شدند تا این که طلای ناپل محصول سال ۱۹۵۴ از وی یک ستاره ساخت.

سوفیا لورن





او در این سالها چه به عنوان سفیر
حسن نیت سازمان ملل و چه موقع
حضورش در یک میهمانی سرشار
از همان جذابیت و شوری است که
یک ایتالیایی به آن مشهور است .

در ۲۰ سپتامبر ۱۹۳۴ در خانواده ای فقیر و تهی دست دختری به دنیا آمد که نامش را سوفیا گذاشتند و در واقع سوفیا یک بچه ناخواسته بود؛ پدر سوفیا از شدت عصبانیت خانواده را ترک کرد و سوفیا و مادرش رومیلدا را به حال خود رها کرد. رومیلدا مجبور شد رم را به مقصد پوزولی ترک کند. در مسیر زندگی رومیلدا فردی به نام ریکاردو قرار گرفت که بهتر از پدر سوفیا نبود چرا که وقتی خواهر دوم سوفیا «ماریا» به دنیا آمد حتی از امضای برگه ترخیص ماریا و اعطای نام خود به وی خودداری کرد. ماریا نتوانست به مدرسه راه پیدا کند چرا که در آن زمان و بر اساس قوانین ایتالیا بچه ها از حضور در مدرسه اگر نام مشخصی از جانب پدر نداشتند محروم می شدند. سوفیا بعد از ۱۰ سال اولین چک قابل ملاحظه خود را به ریکاردو داد و ریکاردو برگه ترخیص ماریا را امضاء کرد.

سوفیا در مورد دوران کودکی اش می گوید:
«ترس و هراس همراه همیشه‌گی‌ام بود، ترس از نداشتن چیزی برای خوردن، ترس از بچه های دیگر که در مدرسه آزارم می دادند چرا که پدری بالای سرم نبود و البته هراس از بمباران وسیعی که هر آن بالای سرمان تهدیدیمان می کرد و ترس از انفجارهای همیشه که گوشه گوشه ایتالیا را فراگرفته بود.»

کودکی و نوجوانی اش را با فقر ناشی از جنگ جهانی دوم در یکی از محلات پست

ناپل گذراند. مادرش بازیگری سرخورده و ناموفق بود که سوفیای کوچک و ترکه ای را به آینده اش امیدوار می کرد. ۱۴ساله بود که در مسابقه ویژه دختران شرکت کرد و داوران او را شایسته لقب «پرنسس دریا» دانستند. در همین زمان در مسابقه دیگری لقب «بانوی برازندگی و آراستگی» را دریافت کرد. سوفیا با ایفای نقش های کوتاه، جوایز مسابقات ملکه زیبایی و درآمد ناشی از مدل عکاسی پول کمی به دست می آورد و شکم افراد خانواده را به سختی سیر می کرد. زمانی که با کارلوپونتی تهیه کننده فیلم های سینمایی آشنا شد ۱۵سال بیشتر نداشت. پونتی عضو یکی از هیئت داوران این مسابقات بود. کارلوپونتی سوفیا را نخستین بار زمانی دید که هر دو در یک مسابقه ملکه زیبایی شرکت کرده بودند؛ پونتی ۳۷ ساله داور مسابقه ای بود که سوفیای ۱۵ساله در آن با دیگر دختران همسن و سال خود رقابت می کرد. او مقدمات ستاره شدن سوفیا را آماده کرد از فراگیری فن بازیگری گرفته تا آموختن زبان انگلیسی. با تلاش کارلو پونتی ابتدا در فیلم های برده فروشی سفید و دوشیزگان در خطر بازی کرد و سپس در



امریکایی و اروپایی مشغول بود و با بزرگترین ستارگان مرد سینما همبازی بود. در سال ۱۹۶۴ با بازی در فیلم «سقوط امپراطوری رم» و دریافت دستمزد یک میلیون دلاری به ستاره ای تمام عیار تبدیل شد.

فیلم های مهم

غرور و شیفتگی (۱۹۵۸) یک کمدی خانوادگی با شرکت کری گرانت که در همان سال ورود سوفیا لورن به هالیوود ساخته شد. او نقش خدمتکار و سرایدار گرانت را بازی می کند که در نهایت رابطه عاطفی بین شان به وجود می آید.

دو زن (۱۹۶۰) فیلمی که اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن را برای سوفیا به ارمان می آورد. در این فیلم که توسط ویتوریوسیکا کارگردانی می شود، سوفیا نقش بیوه مستاصلی را بازی می کند که به اتفاق دختر نوجوانش مشقت های جنگ را تحمل می کند.

السید (۱۹۶۱) اقتباس سینمایی با شکوه از زندگی رودریگو یازدو بیوار قهرمان اسپانیایی و معروف به ال سید که چارلتون هستون نقش آن را بازی می کند؛ سوفیا لورن در نقش چینمه همسر نیرنگ باز او ظاهر می شود.

دیزروز، امروز، فردا (۱۹۶۳) فیلمی سه قسمتی به کارگردانی ویتوریوسیکا که باره سه زن مختلف و مردان متفاوتی که با آنها سروکار دارند. سوفیالورن و مارچلو ماستروبیانی نقش این زنان و مردان را بازی می کنند. ازدواج به سبک ایتالیایی (۱۹۶۴) به کارگردانی ویتوریوسیکا و بازی درخشان سوفیا در مقابل مارچلو ماستروبیانی، پیوند چند باره سوفیا، دسیکا، ماستروبیانی؛ حکایت مردی که سرانجام با کارمند و نامزد سابقش به گمان این که در بستر مرگ است ازدواج می کند ولی

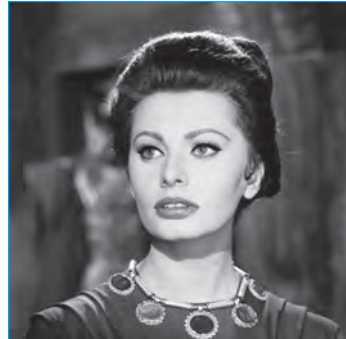
فیلم های دختر رودخانه، آتیلا، چرخ و فلک، حیف که خیلی حقه ای... ظاهر شد. نقش های کوتاه سوفیا رفته رفته به نقش های اصلی تبدیل شدند تا این که فیلم «طلای ناپل» محصول سال ۱۹۵۴ از او یک ستاره ساخت. از همین فیلم بود که ویتوریوسیکا کارگردان مشهور ایتالیایی پی برد که سوفیا نه تنها زیباست بلکه شخصیتی قوی دارد که به تصویر سینمایی اش عمق می بخشد. پس از حضور در چند محصول آمریکایی تولید شده در اروپا، سوفیا لورن در سال ۱۹۵۸ به هالیوود دعوت شد و با امضای قرارداد با استودیو پارامونت به شهرت جهانی دست یافت. از جمله فیلم های وی در این دوره می توان به غرور و شهوت، هوس زیر درختان نارون، قایق خانگی، ثعلب سیاه و زن اونجوری اشاره کرد. سوفیا لورن توانایی بازیگری وسیعی در حوزه کمدی داشت به ویژه در پروژه های ایتالیایی که می توانست به راحتی افکار خود را بیان کند. در سال ۱۹۶۰ سوفیا لورن به ایتالیا بازگشت و بخاطر نقش آفرینی بیاد ماندنی اش در «دو زن» به کارگردانی ویتوریوسیکا برنده جایزه اسکار و جایزه نقش اول فیلم کن شد منتقدان در تمام کشورها به ستایش وی پرداختند. جایزه اسکاری که به دست آورده بود؛ اولین جایزه اسکار برای یک بازیگر غیرانگلیسی زبان بود. سوفیا در دو زن نقشی ۱۰ سال پیرتر از سن خودش را بازی می کند. مادری ایتالیایی در زمان جنگ. او همه احساسش را از گرسنگی و تلخی های کودکی اش را به روی پرده می آورد. فیلم به زبان ایتالیایی بود و او فکر می کرد که شانسی در اسکار نخواهد داشت. سوفیا لورن به یکی از مشهورترین بازیگران زن جهان تبدیل شده بود و همزمان به بازی در فیلم های



در کنار هم ظاهر شدند. در سال ۱۹۹۵ در فیلم «پیرمردهای غرغرو» نشان داد که حتی در ۶۰ سالگی نیز از جذابیتش کاسته نشده است. مرگ مارچلو ماسترویانی در سال ۱۹۹۶ اندوهی سنگین در قلب سوفیا برجای گذاشت. ایتالیایی‌ها به هیچ هنریشه‌ای به اندازه سوفیا لورن احترام نمی‌گذارند. او هنرمندی است که احساسات قوی عاشقانه را با حس فداکارانه مادری همراه کرده است. سوفیا لورن خود را ایتالیایی نمی‌داند بلکه همواره می‌گوید که من ناپلی هستم!

سوفیا لورن از سال ۱۹۹۲ به عنوان نماینده ویژه کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان فعالیت دارد. او در این سال‌ها چه به عنوان سفیر حسن نیت سازمان ملل و چه موقع حضورش در یک میهمانی سرشار از همان جدابیت و شوری است که یک ایتالیایی به آن مشهور است. بدون شک سوفیا لورن یکی از زیباترین زنان قرن حاضر است. او در ۸۱ سالگی همچنان زیبایی و طراوت خود را حفظ کرده است.

این بانوی زیباروی سالهای دور سینمای جهان راز جوانی خود را مصرف انواع خاصی از اسپاگتی محبوب ایتالیایی‌ها و استفاده فراوان از روغن زیتون در برنامه غذایی روزانه می‌داند. وی همچنین یکی دیگر از رازهای زیبایی و جوانی را ساعت ۹ شب چراغها را خاموش کردن و به رختخواب رفتن می‌داند. او همیشه ساعت ۹ شب به رختخواب می‌رود. سوفیا لورن در طول ۷۲ سال زندگی هنری خود در بیش از ۱۰۰ فیلم ایفای نقش کرده است. در سال ۱۹۹۱ به خاطر خدماتش به سینمای جهان اسکار افتخاری دریافت کرد و به عنوان یکی از گنجینه‌های سینمای جهان معرفی شد.



کاشف به عمل می‌آورد که خانم صحیح و سالم است و تازه دست سه پسرش را هم می‌گیرد و به خانه مارچلو اسباب کشی می‌کند سوفیا بخاطر بازی در این فیلم نامزد جایزه اسکار شد.

شهروندی فرانسه

در سال ۱۹۵۷ سوفیا لورن بلند قامت با کارلویونتی کوتاه قد و ۲۴ سال بزرگتر از خودش ازدواج کرد. اگرچه پونتی در مکزیک همسر اولش را طلاق داده بود، اما به دلیل ممنوعیت طلاق در ایتالیا، دولت این کشور او را به تعدد زوجات متهم کرد. واتیکان طلاق مکزیک کارلویونتی را از همسر اولش به رسمیت نمی‌شناخت، پونتی و سوفیا و همسر اول پونتی برای آن که بتوانند به ازدواج و طلاقشان رسمیت ببخشند تبعه کشور فرانسه شدند. سوفیا لورن در تمامی دهه شصت و پس از آن به بازیگری ادامه داد ولی تولد پسرهایش باعث شد تا از سرعت فعالیت هایش بکاهد. بنابراین از آن پس فقط در فیلم‌هایی که دوست داشت ظاهر شد. از جمله در شاهکار «یک روز بخصوص» (۱۹۷۲) ساخته انوره اسکولا در کنار مارچلو ماسترویانی. این دو یک بار دیگر در «لباس آماده» رابرت آلمن





ستاره‌های امروز: بری لارسون

ستاره‌ای با استعدادی خیره‌کننده

بری لارسون فعالیت‌های هنری اش را از سال ۱۹۸۸ با بازی در نقش‌های کوتاه آغاز کرد تا این که در سال ۲۰۰۷ با بازی در فیلم rember... مورد توجه منتقدان قرار گرفت و بازی تحسین شده اش در این فیلم پای او را برای تجربه‌های بزرگتر باز کرد. پس از آن ایفای نقش در فیلم united... که نقش دختری سرکش را بازی می‌کند جایگاه بازیگری او را بیش از پیش ارتقاء بخشید.



**بری لارسون بازیگر خوش آتیه ای
است ، چرا که کارش را جدی
می گیرد و برای هر پروژه تحقیق و
تفحص بسیار می کند .**

جروبحث با مادرش تا وسواس در مورد
ظاهرش یا حتی اولین عشق کودکانه اش،
فکر کنم. سرانجام تلاش های صادقانه
بری ثمر می دهد و فیلم در اکران عمومی
مورد تحسین منتقدان قرار می گیرد و
جوایز متعددی از جمله گلدن گلوب،
بفتا، جایزه منتخب منتقدان و چندین جایزه
دیگر برای بری به ارمغان می آورد.

لنی آبراهامسون کارگردان ایرلندی
فیلم که برای کارگردانی این فیلم نامزد
جایزه اسکار شده است می گوید:

- لنز دوربین ما همیشه داخل یک
فضای تنگ قرار داشتند و صحنه با دقت و
به شکل ویژه ای طراحی شده بود. حداقل
نصف دوران فیلمبرداری من یا داخل وان
حمام یا زیر کاسه ظرفشویی بودم یا از
بالای یک نردبان به پایین نگاه می کردم



بری لارسون در ۸۸ مین دوره جوایز
اسکار در حالی که فقط ۲۶ سال دارد
برای بازی در فیلم اتاق موفق به دریافت
جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن
می شود. فیلمنامه اتاق را اما دانا هیو بر
اساس یکی از کتاب های پرفروش خودش
با همین عنوان نوشته است. داستان
هراسناک مادری جوان که همراه پسر ۵
ساله اش به نام جک در یک انباری کوچک
۳ متری و بدون پنجره که فقط در سقفش
روزنه کوچکی دارد ، محبوس شده است.
بری لارسون برای بازی در این فیلم به یک
ماه تبعید خودخواسته رفت تا بتواند هرچه
بهتر با نقش ارتباط برقرار کند و در این
باره می گوید: «من در مورد گذشته خودم
خیلی فکر کردم ، چیز های زیادی را به
خاطر آوردم. از جمله موارد تاسف بار و یا
فرصت های از دست رفته زندگی . حدس
می زدم شخصیت اصلی فیلم قبل از این
که جک به داستان بپیوندد قاعدتا یک
چنین فضای ذهنی را تجربه کرده است.»
بری لارسون علاوه بر صحبت با روانکاوان
برای شناختن تأثیرات روحی شرایط
اسارت شروع به نوشتن دفترچه های
خاطرات شخصیت داستان در سنین ۱۰
و ۱۴ و ۱۷ سالگی کرد تا از این طریق بهتر
بتواند با این شخصیت ارتباط برقرار کند.
او در این مورد می گوید، اکثر اوقات
تلاش من رجوع به خودآگاه و خلق نوعی
احساس آگاهی در مورد این شخصیت
بود. واقعا گاهی اوقات برای ساعت های
پیاپی در ذهنیت این دختر ۱۰ ساله غرق
می شدم. هدفم این بود تا با ارائه یک سابقه
داستانی کامل از این شخصیت نگرانی ها ،
امیدها و آرزوهای او را بپرورانم. سعی کردم
بر تمام مسائلی که ممکن است در ذهن
یک دختر ۱۰ ساله دور بزند از اختلاف و



بری لارسون با استعدادی خیره

کننده، تلاش فراوان و پشتکار

بی مانندش با ارائه نقشی باورپذیر

در فیلم اتاق به عنوان ستاره ای

پر قدرت و توانا معرفی می شود.

از این که بزرگ شدن واقعا به چه معنی است را به آزمون می گذارد. با وجود این که مغازه تک شاخ نخستین تجربه کارگردانی فیلم سینمایی لارسون خواهد بود اما او با صندلی کارگردانی نا آشنا نیست. این بازیگر فیلم کوتاه بازو را به همراه جسی انیس و سارا را موس ساخت که موفق به کسب جایزه ویژه هیئت داوران در فستیوال سان دنس سال ۲۰۱۲ شد.

از دیگر پروژه های جدید لارسون می توان به گنگ جزیره جمجمه، آتش آزاد و قطعه شیشه های اشاره کرد که همگی در مراحل مختلف تهیه به سر می برند.

بری لارسون بازیگر خوش آتیه ای است چرا که کارش را جدی می گیرد و برای هر پروژه تحقیق و تفحص بسیار می کند؛ برای باور پذیر بودن نقش دست به هر نوع از خود گذشتگی می زند؛ یک ماه تبعید خود خواسته و زندگی دور از اجتماع و انزوا را تجربه می کند تا بتواند حس اسارت را به زیبایی هر چه تمامتر به بیننده منتقل کند و در نهایت هم موفق می شود.

بری لارسون جوان با استعدادی خیره کننده، تلاش فراوان و پشتکار بی مانندش با ارائه نقش باور پذیر در فیلم اتاق به عنوان ستاره ای پر قدرت و توانا معرفی می شود.

فقط در موارد نادری خارج از این اتاق کوچک و از طریق مانیتور فیلمبرداری را زیر نظر داشتیم. او می افزاید ما توانستیم کار فیلمبرداری را طوری تنظیم کنیم که اکثر اعضای گروه خارج از اتاق باشند فقط سه، چهار نفر توی اتاق بمانند که بازیگران فضای کافی داشته باشند.

کاپیتان مارول

بری لارسون با بازی در فیلم اتاق با نقش آفرینی باورپذیر و صادقانه اش پرده های سینما را روشن کرد و این بار در نقش کاپیتان مارول ظاهر می شود. خلبان با استعدادی که بعد از قرار گرفتن در معرض دی ان ای فضایی هانیروهای ماوراء طبیعی به دست می آورد. بری بعد از امضای قرارداد برای ایفای نقش کاپیتان مارول، حالا می خواهد روی صندلی کارگردانی بنشیند.

نخستین تجربه کارگردانی

بری برای نخستین تجربه کارگردانی اش کمدی مستقل مغازه تک شاخ را کارگردانی می کند و علاوه بر آن تهیه کننده و بازیگر آن هم خواهد بود. مغازه تک شاخ داستان زنی به نام کیت است که به شهر زادگاهش برمی گردد تا در کنار والدینش زندگی کند. او یک دعوت نامه مرموز به مغازه ای پیدا می کند که ایده های اورا





داستان بچه مدرسه ای را روایت می کند که گرفتار سگ شده است.
کیا رستمی در باره چگونگی ساخت «نان و کوچه» می گوید:

– نان و کوچه نخستین تجربه سینمایی من بود و باید بگویم که بسیار دشوار بود. من مجبور بودم با یک بچه بسیار کوچک، یک سگ و یک گروه فیلمسازی غیرحرفه ای – البته به جز مدیر فیلمبرداری که مدام غر می زد و اعتراض می کرد – کار کنم. خوب مدیر فیلمبرداری هم حق داشت. چون من از روش فیلمسازی که بدان خو گرفته بودم پیروی نمی کردم.

عباس کیا رستمی در طول ۴۶ سال فعالیت سینمایی ۳۲ فیلم کوتاه و بلند ساخت. از مهم ترین آثار او می توان به «خانه دوست کجاست؟»، «زندگی دیگر هیچ»، «باد ما را خواهد برد» و «کپی برابر اصل» اشاره کرد.

خانه دوست کجاست؟

«خانه دوست کجاست» داستان یک

نیوغ سینمایی کیا رستمی در سادگی و بی پیرایه بودن آثارش نهفته است. او این سادگی را به زیبایی با فرهنگ ایرانی درهم آمیخت و به سبکی جدید از سینما دست یافت. کیا رستمی الفبایی جدید برای سینمای جهان تعریف کرد. او از قدرت تصویر، صدا و رنگ به خوبی آگاه بود و با به کارگرفتن این سه عنصر پیام انسانی اش را به گوش جهانیان رساند. عباس کیارستمی با نگاه بشردوستانه و عاشقانه اش به زندگی، تصویر منحصر به فردی از ایران به جهان نشان داد. او به گونه ای در پی یافتن ارزش های حقیقی انسان بود. او یک عاشق بود، عاشق زندگی. کیارستمی متولد یکم تیرماه سال ۱۳۱۹ است. او هم نسل سینماگران بزرگی چون بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی و بهمن فرمان آرا است. کیارستمی سینما را همزمان با آغاز دوران موج نوی سینمای ایران در سال ۱۳۴۸ با ساخت فیلم «نان و کوچه» در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد. این فیلم



عباس کیارستمی الفبایی جدید

برای سینمای جهان تعریف کرد . او

از قدرت تصویر ، صدا و رنگ به

خوبی آگاه بود .

پسر مدرسه ای ۸ ساله را روایت می کند که تلاش می کند دفترچه دوستش را که در روستای همسایه زندگی می کند به او بازگرداند و گرنه دوستش را از مدرسه بیرون می کنند . بهره گیری شاعرانه از منظره های روستایی و همچنین باورهای زندگی روستا نشینان از نکته های مورد توجه در این فیلم است . کیارستمی این فیلم را از نگاه یک کودک می سازد .

کیارستمی در باره ایده ساخت این فیلم می گوید :

- برای شام دوستی به دیدنم آمده بود و سیگار می خواست . پسرم رفت تا برایش سیگار بخرد ... متوجه شدیم او برای خرید سیگار پنج کیلومتر پیاده روی کرده . این حس مسئولیت و پشتکار همانی است که مایل بودم در «خانه دوست کجاست» به نمایش بگذارم .

«خانه دوست کجاست» در ایران و خارج از مرزهای ایران مورد تحسین بسیار قرار گرفت و موفق به دریافت جوایز بسیاری از جشنواره های معتبر سینمایی شد. سینمای کیارستمی رفته رفته با قوام یافتن زبان سینمایی اش در سینمای جهان جایگاهی در خورتوجه به دست آورد . «خانه دوست کجاست» مقدمه حضور کیارستمی در محافل جهانی را مطرح کرد . او زندگی و دیگر هیچ و زیر درختان زیتون را در ادامه خانه دوست کجاست کارگردانی کرد که از آنها به عنوان سه گانه کوکر نام برده می شود .

زندگی و دیگر هیچ

با آامن زلزله در رودبار و منجیل کارگردان

«خانه دوست کجاست» تصمیم می گیرد به منطقه ای که در آن فیلمش را ساخته ، برود و جویای حال کاراکترهای خانه دوست کجاست شود. کیارستمی در باره انگیزه ساخت «زندگی و دیگر هیچ» گفته که از لحظه شنیدن خبر زلزله می خواسته بداند که آیا دو کودک بازیگر خانه دوست کجاست از فاجعه زمین لرزه جان سالم به در برده اند یا نه . خود او بلافاصله راهی سفر به منطقه زلزله زده می شود اما جاده بسته است ... فیلمساز در زندگی و دیگر هیچ می کوشد تا از دل فاجعه زلزله و مرگ به جستجوی زندگی بر آید .

زیر درختان زیتون

کیارستمی فیلم عاشقانه زیر درختان زیتون را در ادامه زندگی و دیگر هیچ می سازد . فیلم شرح یکی از سکانسهای زندگی و دیگر هیچ است و اینجا یکی از کاراکتر های فرعی آن حسین تبدیل به شخصیت محوری زیر درختان زیتون شده است .

نقش کارگردان را محمدعلی کشاورز بازی می کند . کارگردان مهربانی که بیش از آن که دغدغه فیلم خودش را داشته باشد ، نگران سرنوشت ماجرای حسین و دختر مورد علاقه اش طاهره است . زیر درختان زیتون از همان ابتدا نشان می دهد که این فیلمی است خلاف قاعده مرسوم و متداول .

زیر درختان زیتون بیشتر انرژی اش را از درونمایه عاشقانه اش می گیرد . کیارستمی برای اولین بار در سالهای پس از انقلاب به مضمون عشق می پردازد . عشقی که با سماجت حسین همراه است . عنصر عشق به فیلم جلا می بخشد .

طعم گیلاس

کیارستمی پس از ساخت ۳ فیلم در



می‌دهد. عمر یک رابطه عاطفی چقدر است؟ آیا می‌توان عشق را برای همیشه حفظ کرد؟

آثار عباس کیارستمی دنبال کننده سینمای رایج نبود، بلکه سبک فیلم‌های او روح تازه‌ای به سینمای جهان دمید. کیا رستمی توانست به دقت در روابط عاطفی انسان‌ها کندوکاو کند و نگاه ژرف به زندگی را با سادگی و روانی به تصویر کشد. او با نگاهی مهربان و در عین حال متفاوت به انسان و زندگی نگریست تا از ورای میلیون‌ها تصویر، عشق خود به زندگی را با ما تقسیم کند. سینمای کیارستمی راوی زندگی و تلاوم آن هستند. کیارستمی به زندگی و بقای آن عشق می‌ورزید. او می‌گفت اگر قرار باشد بین ماندگاری خودش و فیلم‌هایش یکی را انتخاب کند؛ مسلماً تلاوم زندگی و ماندگاری خودش را انتخاب می‌کرد. «بیش از سینما به زندگی علاقه مندم. سینما یا ادبیات نیست که به من در فیلم‌هایم کمک می‌کنند. منبع الهام در فیلمسازی‌ام زندگی است.» سرانجام بلند آوازه‌ترین فیلمساز ایرانی پس از ۷۶ سال و ۱۵ روز زندگی پرتنم در حالی که به طرح‌های در دست اجرای خود در چین و زندگی راهبه‌ها در کلیساها و... می‌اندیشید ۱۴ تیرماه ۱۳۹۵ در پاریس - در شهری که او را بسیار دوست می‌داشتند و قدر او را می‌دانستند - چشم از جهان فروبست و راهی دیار دوست شد. بالاترین ارزش زندگی، دوست داشتن خود زندگی است. کسانی که زندگی را دوست دارند زیبا می‌بینند، زیبا می‌اندیشند و زیبا زندگی می‌کنند. کیارستمی با خلق آثاری کم‌نظیر در شعر، نقاشی، عکس، فیلم و... همواره زیبا اندیشید و زیبا زندگی کرد. خوشا به حال ما که با بزرگمردی چون او هم عصر بودیم.

شمال، تغییر لوکیشن می‌دهد و از نماهای طبیعت زیبای شمال و سرسبزی اش به تصاویری خاکستری و خاک‌آلود از تپه‌های اطراف تهران می‌رسد. اگر در فیلم‌های قبلی‌اش ارزش‌های زندگی ستایش می‌شد این بار کاراکتر اصلی فیلم مردی بود که قصد خودکشی داشت. آقای بدیعی در فیلم طعم گیلاس در شمایل‌ی روشنفکرانه سراغ مردم عادی و عامی می‌رود تا فردی را بیابد که پس از این که او خودکشی کرد سراغش بیاید و بعد از اطمینان از این که او مرده رویش خاک بریزند. با انتخاب همایون ارشادی برای نقش آقای بدیعی، کیارستمی یک بازیگر تازه به سینمای ایران معرفی می‌کند که برخلاف نابازیگران فیلم‌های قبلی او این حرفه را ادامه می‌دهد.

نکته کلیدی در طعم گیلاس این است که مرد روشنفکر فیلم تحت تأثیر حکمت عامیانه پیرمردی به نام باقری قرار می‌گیرد. مردی با لهجه شیرین آذری که استدلالی عامیانه از زیبایی‌های زندگی دارد تا بدیعی را از خودکشی منصرف کند. طعم گیلاس پرافتخارترین فیلم عباس کیارستمی است. برنده نخل طلای کن و بهترین فیلم سال ۱۹۹۷ به انتخاب مجله تایم.

کپی برابر اصل

«کپی برابر اصل» یک ملودرام عاشقانه است. کیارستمی بحران رابطه زناشویی را دستمایه قرار می‌دهد. کیارستمی در کپی برابر اصل از بازیگر حرفه‌ای و سرشناس فرانسوی ژولیت بینوش استفاده کرده و اساساً علت وجودی ساخته شدن فیلم هم حضور بینوش بوده است. ژولیت بینوش پس از گرفتن جایزه اسکار در مصاحبه‌ای گفته بود دوست دارد با کیارستمی کار کند. کیارستمی در کپی برابر اصل طرح پرسش می‌کند و گاهی پاسخ‌هایی هم ارائه



اخبار سینمای ایران و جهان

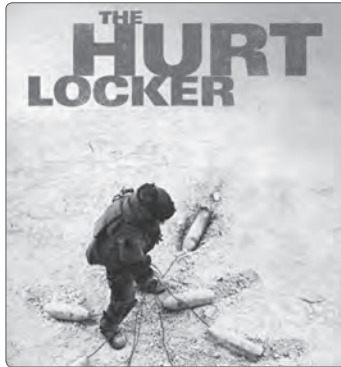
بازیگری که نویسندگی و

روان شناسی پیشه کرد

عزیزم (۱۹۴۰)، زن نامرئی (۱۹۴۰)، کار مهاجمان آسمان (۱۹۴۱)، کار ناتمام (۱۹۴۱) و رنج‌رهای ناتمام (۱۹۴۱) به ایفای نقش پرداخت. او علاوه بر این به عنوان بازیگر قراردادی با کمپانی یونیورسال همکاری داشت. از دیگر فیلم‌های او می‌توان از «الماس‌های سیاه» و «تجارت ناتمام» نام برد. آخرین نقش آفرینی او در سال ۱۹۴۶ در نقش خانم فیلیس همبلتون در فیلم «بلوند برای یک روز» بود. کاترین آدامز در سال ۱۹۴۱ با هیو پومونت بازیگر نقش مقابلش ازدواج کرد و پس از آن کم‌کم از دنیای بازیگری و سینما فاصله گرفت. او پس از ترک سینما به عنوان معلم، روان‌شناس و رمان‌نویس فعالیت‌های اجتماعی خود را ادامه داد. او دو رمان به نام‌های «یکسال طولانی سکوت»، «یتیم وحشی» و همچنین یک کتاب زندگینامه‌ای با عنوان «مادر شدن من» به رشته تحریر درآورد. آدامز نخستین رمان خود را در ۷۰ سالگی منتشر کرد. کاترین آدامز در اکتبر ۲۰۱۶ میلادی در سن ۹۶ سالگی درگذشت.

کاترین آدامز در ۱۵ جولای ۱۹۲۰ در نیوآلم مینه‌سوتا متولد شد. کارش را با برنامه رادیویی «دروازه هالیوود» آغاز کرد و موفقیتش در این برنامه منجر به ایفای نقش وی در سال ۱۹۳۹ در فیلم «دختر خیابان» در مقابل جینجر راجرز برای شرکت فیلم‌سازی برادران وارنر شد. همان سال نقش فلوردا لایز در کنار چارلز لافتون و ماریون اوهارا در فیلم «گوژپشت نتردام» ظاهر شد. سال ۱۹۴۲ در فیلم «خرابکار» اثر آلفرد هیچکاک در نقش خانم براون ظاهر شد. فیلم خرابکار به کارگردانی آلفرد هیچکاک از شاخص‌ترین فعالیت‌های سینمایی این بازیگر است... مرد جوانی که در کارخانه اسلحه‌سازی کار می‌کند و به اشتباه متهم به خرابکاری می‌شود. او در حین فرار با دختری به نام پاتریشیا آشنا می‌شود که ابتدا می‌خواهد او را لو بدهد، اما بعد به کمکش می‌آید... کاترین آدامز نقش مادری جوان به نام خانم براون را بازی می‌کند. کاترین آدامز همچنین در فیلم‌های راه‌خودم رفتم (۱۹۴۰)، عشق و افتخار و آه





سهم زنان در نقش و سمت‌هایی همچون کارگردانی و سناریو نویسی فیلم‌ها رو به فزونی داشته و آنها در میان تهیه کنندگان و مدیران اجرایی فیلم‌های سینمایی نیز ریشه دوانده اند. البته فیلم سازان زن طی سال‌های اخیر به سرکردگی کاترین بیگه لو حرکتی قوی تر از همیشه در هالیوود داشته اند و فیلم *hurt locker* با کارگردانی بیگه لو اسکار برترین فیلم سال ۲۰۰۹ را برد تا وی اولین کارگردان زن تاریخ باشد که این جایزه مهم را برده است و در سال ۲۰۱۲ هم فیلم سیاسی-جنایی «۲۰ دقیقه بعد از نیمه شب» به کارگردانی وی سروصدای زیادی به پا کرد.

فیلمی برای تقویت جایگاه زنان

تعدادی از کارگردانان و بازیگران مطرح زن سینمای جهان دست به همکاری تازه و گسترده زده اند تا طبق پروسه ای به نام «ما متحد هستیم» فیلمی سینمایی به نام «حالا کنارهم» را بسازند.

این فیلم بلند از ۷ فیلم کوتاه شکل می‌گیرد که هر قسمت آن را یک کارگردان زن می‌سازد و حداقل یکی دو بازیگر حرفه‌ای زن نیز در آن ایفای نقش می‌کنند و فایده و هدف از آن اعلان همکاری سینماگران زن برای رسیدن به سطوح بالاتر و اتحادی فزونتر و رفع تبعیض نژادی و جنسیتی رایج در سینمای غرب است. از کارگردانان زن حاضر در این پروژه می‌توان به کاترین هاردویک، ملیسامانوسو کاس، کاتیا لوند، پاتریشیا ریگن و مالگو رزاتا ژوموفسکا اشاره کرد و از بازیگران معروف حاضر در این حرکت سیاسی-اجتماعی ژولیت بینوش، رابین رایت و فریما بینتو را مثال زد. تهیه کنندگان این فیلم نیز کاردل پولاکوف و کیرا تیله سی هستند. در ۲۵ سال اخیر

حراج لباس مریلین مونرو

لباسی که مریلین مونرو بازیگر افسانه‌ای هالیوود هنگام خواندن آهنگ «تولدت مبارک آقای رئیس جمهور» در ۱۹۶۲ پوشیده بود در یک حراجی در لس آنجلس به قیمت ۴ میلیون و ۸۰۰ دلار به فروش رفت مریلین مونرو این لباس را در ۴۵ مین سالگرد تولد جان اف کندی رییس جمهور وقت آمریکا به تن داشت. این لباس

سنگ دوزی شده شامل ۲۵۰۰ کریستال است که از سوی یک موزه ۳ میلیون دلار بیشتر از قیمت اولیه خریداری شد. گفته شده که رنگ لباس با پوست مریلین مونرو هماهنگی داشت.

مریلین مونرو ۳ ماه بعد از اجرای این برنامه به دلیل مصرف زیاد داروهای آرام بخش درگذشت.





خداحافظی دنیا با کلاه قرمزی

دنیا فنی زاده متولد ۱۳۴۶ و دختر هنرمند نامدار عرصه تئاتر و تلویزیون پرویز فنی زاده بود. او از کودکی با تولیدات عروسکی آشنا شده و عروسک گردانی را به عنوان حرفه خود انتخاب کرد. فنی زاده سال‌ها عروسک گردانی شخصیت محبوب کلاه قرمزی را برعهده داشت و چندسال بود که به بیماری سرطان مبتلا شده بود و هشتم دی ماه دارفانی را وداع گفت.

فنی زاده نخستین بار در سال ۱۳۶۴ در برنامه عروسکی تلویزیونی «چتر با آواز باران» عروسک گردانی را تجربه کرد. این برنامه برای شبکه اول سیما و در قسمت های ۲۵ دقیقه ای طراحی شده بود که در آن دو عروسک جوجه وجود داشت که فنی زاده عروسک

در اوایل دهه هفتاد برنامه‌ای با عنوان صندوق پست در شبکه دو سیما شکل گرفت که پایه‌های آن را زوج همیشگی و خلاق ایرج تهماسب و حمید جبلی بنیان گذاشتند.

برنامه ای استودیویی که دو عروسک کلاه قرمزی و پسرخاله آن را همراهی کرده و گه گاه هم عروسکی دیگر آن را همراهی می‌کرد، در هر قسمت هم یکی از مشاغل مورد توجه طهماسب و جبلی قرار گرفته و برنامه حول محور آن دور می‌زد. کلاه قرمزی نمونه بامزه بچه‌های خردسالی است که در ادای کلمات مشکل داشته و به گونه‌ای نامفهوم حرف می‌زند. حضور عروسک گردانی مانند دنیا فنی زاده یکی از نقاط قوت این اثر محسوب می‌شود.





شود، ماندگار شد و بدل به مشهورترین کار وی شد. از نظر فنی زاده شکل ظاهری عروسک چندان مهم نیست، او ساختار بیرونی عروسک را چندان مهم نمی دانست و برایش بیش از هر چیز سازنده عروسک مهم بود زیرا او معتقد بود تا زمانی که یک عروسک به خوبی شناخته نشود عروسک گردان نمی تواند به خوبی با آن عروسک ارتباط برقرار کرده و آن را حرکت دهد.

فنی زاده بیش از این که به دنبال عروسک های زیبا باشد به دنبال عروسکی بود که بتواند با آن خوب کار کند. در مرحله بعدی گروه تولید برای وی اهمیت داشت و این که برای ساخت برنامه چقدر فکر و اندیشه برای گروه مهم است.

فنی زاده همچنین در باره عروسک گردانی کلاه قرمزی و علاقه اش به این عروسک یادآور شده بود که کلاه قرمزی پسر بزرگ من است و فرزندان من از او کوچک تر هستند.

گردانی و آوازخوانی یکی از آنها را برعهده داشت. وی پس از آن در کاری با نام «زاغچه کنجکاو» به کارگردانی رضا فیاضی حضور داشت. او با حضور در این برنامه ها کم کم جای خود را به عنوان عروسک گردان در تلویزیون تثبیت کرد.

عروسک گردانی در آثاری چون «گرچه آوازه خوان» ساخته کامبوزیا پرتوی از دیگر آثار او در این دوره است. بهرام بیضایی به دنیا فنی زاده پیشنهاد بازیگری داده بود ولی وی به خاطر این که پدرش در کودکی دوست نداشت دخترش بازیگر شود، نپذیرفت.

وی قبل از کلاه قرمزی با ایرج تهماسب و حمید جبلی چند کار عروسکی انجام داده و با کار یکدیگر به خوبی آشنا بودند اما برنامه صندوق پست و ورود کلاه قرمزی به آن بود که او را به شهرت رساند. کلاه قرمزی که اصلا قرار نبود در این برنامه ماندگار



پر درآمدترین بازیگران زن

در فهرست بازیگرانی که بالا ترین دستمزدها را دریافت کرده‌اند، ارقام بدون محاسبه مالیات‌ها و عوارض محاسبه شده و در برگیرنده مجموع ۲۰۵ میلیون دلار برای ۱۰ بازیگر است. جنیفر لارنس با دریافت ۴۶ میلیون دلار برای دومین سال پیاپی در مکان نخست بازیگرانی جای گرفت که بالاترین دستمزد را دارند و ملیسا مک کارتی با درآمد ۳۲ میلیون دلار در رتبه دوم جدول قرار داشت. اسکارلت جو هانسون با دریافت ۲۵ میلیون دلار نفر سوم این فهرست است. جنیفر انیستون با دریافت ۲۱ میلیون دلار چهره چهارم این فهرست است. فن

بینگینگ بازیگر چینی با دریافت ۱۷ میلیون دلار در مکان پنجم جای گرفت. این تنها بازیگر چینی است که به این فهرست راه یافته «ردپا» و «بالوی دورمان» دریافت کرده است. شارلیز ترون با دریافت ۱۶/۵ میلیون دلار در مکان ششم جای گرفت. او آخرین بار در سال ۲۰۱۲ در این فهرست حضور داشت و پس از چندسال غیبت دوباره به فهرست پردستمزدترین بازیگران بازگشته است. امی آدامز با دریافت ۱۲/۵ میلیون دلاری در این فهرست در مکان هفتم جای دارد. جولیا رابرتز با دستمزد ۱۲ میلیون دلاری نفر هشتم این فهرست است. میلا کونیس بازیگر «مادران بد» با دریافت ۱۱ میلیون دلار در مکان نهم جای دارد. و پیکاپا دوکون بازیگر هندی با دریافت ۱۰ میلیون دلار در مکان دهم این فهرست جای دارد.



لالاند با رایان گاسلینگ همبازی است با ابراز نارضایتی از رفتار برخی فیلمسازان با بازیگران زن افزود گاهی اطمینان دارم جمله‌ای به درد من و شخصیتی که بازی می‌کنم نمی‌خورد و آن را به کارگردان می‌گویم. پاسخ این است که «توبگو اگر خوب نبود آن را از فیلم در می‌آوریم.» بعد که فیلم را می‌بینم همان جمله سرچاپش مانده و واقعا هم کارکردی ندارد! استون که با حضور در برنامه زنده شب بسیار مورد توجه قرار گرفت، به زودی در یک پروژه سینمایی نقش خواهر جان اف کندی را ایفا می‌کند.

انتقاد از تبعیض علیه زنان در هالیوود

اما استون برنده جایزه گلدن گلوب ۲۰۱۷ که با فیلم سینمایی «لالاند» به یکی از گزینه‌های درخشش در فصل جوایز به ویژه اسکار تبدیل شد به جمع منتقدان قوانین نانوشته تبعیض جنسیتی در هالیوود پیوست. بازیگر ۲۸ ساله امریکایی با اشاره به ماجراهایی که برای خودش پیش آمده بود به نشریه رولینگ استون گفت، گاهی در حال تولیدفیلم نکته‌هایی به نظرم می‌رسید که مطرح می‌کردم اما به من می‌گفتند در روند کار اختلال ایجاد می‌کنم. به نظرم چون من زن هستم این اتفاق‌ها می‌افتد. نکته اینجاست که اول به بداهه‌های من می‌خندیدند و بعد آن را به همبازی مرد همان پروژه می‌دادند. استون که در موزیکال تحسین شده و بسیار موفق





گرامیداشت کری فیشر و دبی رینولدز در جشنواره فیلم آتن

مشکلات کنار بیاید و انعطاف پذیر بود و قدرت روبه رو شدن با شخصیت منفی مثل وارث پدر و عشق ورزیدن به سارقی فضایی مثل هان سولو را در آن واحد دارد. مدل مو و لباس های او هم یکی دیگر از دلایل محبوبیت او نزد تماشاگران فیلم شد. دبی رینولدز بازیگر و خواننده ی نامزد اسکار و مادر کری فیشر در ست یک روز بعد از درگذشت دخترش در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفت. تاد فیشر برادر کری فیشر و پسر خانواده در بیانیه ای اعلام کرد: «او دلش می خواست پیش کری باشد.» دبی رینولدز در ۱۶ سالگی در مسابقه ملکه زیبایی شرکت کرد و برنده آن مسابقه شد. همان جا بود که یکی از شکارچیان استعدادیابی کمپانی برادران وارنر او را دید و با امضای قراردادی به ارزش هفته ای ۶۵ دلار او را استخدام کرد. بعد از اتمام قراردادش با برادران وارنر کمپانی MGM در ازای هفته ای ۲۰۰ دلار او را استخدام کرد.

او در ابتدا به جای شخصیت ها آواز می خواند و نقش های مکمل بازی می کرد تا این که فیلم آواز زیر باران (۱۹۵۲) از او یک ستاره ساخت. او در این فیلم نقش اول زن را در کنار جین کلی بازی می کند.

«آواز زیر باران» در رده اول برترین فیلم های موزیکال موسسه فیلم آمریکا قرار گرفت و در فهرست بهترین فیلم های آمریکایی سراسر تاریخ در سال ۲۰۰۷ در رتبه ی ۵ ایستاد. وقتی دبی رینولدز در «آواز زیر باران» بازی کرد ۲۰ ساله بود و همین فیلم باعث شهرت بی حد و حساب او شد و راه را برای پیشرفتش باز کرد.

کری فیشر که با بازی در نقش پرنسس لیا در سری فیلم های «جنگ ستاره ای» به اوج شهرت رسید، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۶ در ۶۰ سالگی از دنیا رفت. کری فیشر دختری فیسشر و دبی رینولدز بود. مادر فیسشر دبی رینولدز که یکی از ستارگان عصر طلایی هالیوود بود، با فاصله ای یک روز از دخترش در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۶ در ۸۴ سالگی از دنیا رفت. جشنواره فیلم آتن با نمایش مستندی از زندگی دختر و مادری که با فاصله ای یک روز از دنیا رفتند یاد آنها را گرامی می دارد. «چراغ ها را روشن کن» به کارگردانی الکسیس بلوم و فیسشر استیونس با بازی کری فیشر و دبی رینولدز برای اولین بار در جشنواره کن به نمایش در آمد. جشنواره فیلم آتن با موضوع رهبری زنان در عرصه های مختلف هنری برگزار می شود.

کری فیشر یکی از دهها بازیگر جوانی بود که برای نقش پرنسس لیا در نظر گرفته شده بود. جرج لوکاس کارگردان و خالق «جنگ ستاره ای» طی جلسه های طولانی از بازیگران مختلفی تست گرفت. نقش در نهایت به فیشر رسید و شمایل سینمایی او با همین نقش در ذهن هواداران جنگ های ستاره ای ترسیم شد. سری فیلم های «جنگ ستاره ای» که فیشر در آنها در کنار مارک همیل و هرسون فورد یکی از سه نقش اصلی را بازی می کند، در سراسر جهان به پدیده ای فرهنگی تبدیل شد و طولی نکشید که عروسک های پرنسس لیا هم جایی در قفسه های طرفداران فیلم برای خود باز کرد.

پرنسس لیا زنی بود که می توانست با





آنجلینا جولی خواستار توجه به حقوق کودکان در سراسر جهان شد

آنجلینا جولی با انتشار ویدیوی خواستار این شد تا حقوق کودکان در سراسر جهان مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

آنجلینا جولی در این ویدیو از دادگاه‌های جنایی بین‌المللی خواست تا از زندگی کودکان سراسر جهان حمایت کنند. این بازیگر که طی ماه‌های اخیر به خاطر جدال قانونی برای سرپرستی فرزندانش با همسر سابقش برد پیت بسیار زیر نظر رسانه‌ها بود با ارسال این ویدیو تلاش کرده است تا به فعالیت‌های سابقش به عنوان فرستاده ویژه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد باز گردد. جولی به مدت یک دهه برای حقوق کودکان در مناطق جنگی مانند سوریه و افغانستان حمایت کرده است.

در این ویدیو جولی دادگاه بین‌المللی (ICC) را تحسین و سیاست‌های جدید آن را در تمرکز بر پیگرد قانونی برای جرایم سازمان یافته علیه کودکان ستود.

وی گفت پیگرد قانونی موفق و معیارهای جدید قانونی چه در دادگاه جنایی بین‌المللی یا هر جای دیگر، بخشی از تلاش‌های طولانی و حیاتی است. باور دارم سیاست جدید این دادگاه نوری بر سیاست‌های مربوط به کودکان تابانده و این تلاش باید دیده شود. جولی افزود من به شخصه به این تعهد که شامل مقابله با جنایت‌های سازمان یافته علیه کودکان در هر کجای دنیا می‌شود خوشامد می‌گویم و به این دفتر، دادستان کل و تمام کسانی که برای این سیاست تلاش کردند تبریک

می‌گویم. جولی پس از ماجرای جدایی‌اش از پیت در هیچ برنامه عمومی ظاهر نشده است. در نتیجه مذاکرات طلاق این زوج، جولی موفق شد تا سرپرستی ۶ فرزندشان: مدوکس ۱۵ ساله، بکس ۱۳ ساله، زارایا ۱۱ ساله، شیلون ۱۰ ساله، و ماکس ویورین دوقلوی ۸ ساله را در اختیار بگیرد. پس از تقاضای جولی دفتر حمایت از کودکان و خانواده لس آنجلس شروع به بررسی قانونی در باره احتمال خشونت برد پیت علیه فرزندانش را به عمل آورد که در نهایت او از هر نوع تخلفی تبرئه شد. یک نماینده جولی گفته بود این نتایج موجب تسلی خاطر جولی شد چون وی بیش از هر چیز به منافع فرزندانش فکر می‌کند. وی گفته بود کار دفتر حمایت از کودکان و خانواده بررسی همین مسائل است و این زوج در نهایت توافق نامه‌ای برای رسیدن به بهترین منافع برای فرزندانشان را امضاء کردند. جولی یکی از کمیسره‌های فعال پناهنجویان نیز هست و مخصوصاً بر این تمرکز دارد که کشورهای ثروتمند باید به درخواست‌های کمک کسانی که از سوریه فرار می‌کنند، توجه بیشتری نشان دهند. او چندی پیش گفته بود مشتاق بحثی مشترک هستم که در آن صدای دو طرف شنیده شود و می‌توان به راه حل‌های طولانی مدت اشاره و آنها را شناسایی کرد.





لالاند برنده بزرگ هفتادوچهارمین دوره گلدن گلوب

آن دمین سازل، موفق شد تا فیلمی بسازد که هم تجلیل از سینما و هم از شهر لس آنجلس محسوب می‌شود. این فیلم در عین حال نام خود را به عنوان نخستین فیلم در تاریخ سینما ثبت کرد که توانسته است هفت جایزه گلدن گلوب را از آن خود کند. دو بازیگر اصلی فیلم رایان گاسلینگ و اما استون هریک در بخش بهترین بازیگر زن و مرد موفق به کسب جایزه شدند و جایزه بهترین موسیقی و بهترین ترانه اورجینال به این فیلم اهدا شد. «لالاند» که با نقدهای مثبت از سوی منتقدان رو به رو شد، تاکنون ۹۶ میلیون دلار در سراسر جهان فروش کرده و از سوی موسسه فیلم آمریکا به عنوان یکی از ۱۰ فیلم برتر سال ۲۰۱۶ شناخته شده است. این فیلم موفق شده است تا برنده جایزه منتخب منتقدان برای بهترین فیلم سال نیز بشود و ضمن نامزد شدن برای جوایز متعدد شماری از مهم ترین آنها را نیز تصاحب کرده است.

مراسم اهدای جوایز گلدن گلوب که از سوی انجمن مطبوعات خارجی هالیوود اهدا می‌شود در حالی برندگان خود را معرفی کرد که امسال اصغر فرهادی با فیلم «فروشنده» به عنوان نماینده ایران در آن حضور داشت. هرچند این فیلم در نهایت جایزه را به فیلم «او» ساخته‌ی پل ورفوفن کارگردان هلندی واگذار کرد، اما حضور ایران در میان ۵ فیلم برتر سال، افتخاری محسوب می‌شود.

برنده بزرگ جوایز هفتادوچهارمین مراسم گلدن گلوب بی‌شک فیلم «لالاند» بود که با نامزدی در هفت بخش همه این هفت جایزه را از آن خود کرد. این فیلم گرچه در بخش کمدی یا موزیکال نامزد شده بود، همین بردن جایزه بهترین فیلم موزیکال، هم جایزه بهترین کارگردانی و هم بهترین فیلمنامه نویس را از آن خود کرد که افتخار بزرگی برای یک فیلم محسوب می‌شود و بی‌شک آن که کارگردان جوان

در گذشت میشل مورگان ستاره بزرگ سینمای فرانسه



میشل مورگان بازیگر مطرح فرانسه در ۹۶ سالگی درگذشت. او نخستین برنده جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره کن بود. میشل مورگان یکی از چند ستاره بزرگ سینمای فرانسه بود. میشل مورگان بیش از همه برای بازی درخشانش در فیلم «بندر مه آلود» به کارگردانی مارسل کارنه محصول سال ۱۹۳۸ است. از دیگر آثار شناخته شده این بازیگر توانا می‌توان به «بت سقوط کرده» کارول ریڈ اشاره کرد. او در فیلم «گذرگاهی به سوی ماری» نیز نقش مقابل



میشل مورگان ثبت شده است. میشل مورگان یکی از نخستین انتخاب‌ها برای بازی در نقش «ایسالاند» در فیلم کازابلانکا بود اما کمپانی او با استودیوی فیلمسازی برادران وارنر به توافق نرسید و «ایسالاند» با بازی اینگرید برگمن جاودانه شد. سینمای فرانسه در دوران درخشان رئالیسم شاعرانه با بازی میشل مورگان به خود می‌بالید. میشل مورگان در بیش از ۶۰ فیلم ایفای نقش کرد و در برابر هنرمندانی مانند ژان گابن، همفری بوگارت و ژان ماره نقش آفرینی کرد.



کرده و جایزه بقا را به عنوان بهترین بازیگر زن و نیز جایزه اتحادیه بازیگران را دریافت کرده است. او جوایز گلدن گلوب را برای فیلم «جولیا» و «بچه‌ها همیشه حق دارند» دریافت کرده و جایزه امی ۲۰۰۶ را برای «خانم هریس» در کارنامه خود دارد. بنینگ با رفتن روی صحنه این مراسم به شوخی گفت: «همه اینها برای من است؟» وی افزود واقعا از این که این افتخار را در کنار خانواده ام تجربه می‌کنم به خود می‌بالم. فیلم «زنان قرن بیستم» زندگی زنان را در داستانی دنبال می‌کند که سال ۱۹۷۹ در سانتا باربارا می‌گذرد و در خلال آن زندگی دوروتی فیلز با بازی بنینگ در مرکز داستان قرار دارد. او مادری تنها و شوخ است که باید با پسر نوجوانش که دوران بلوغ را طی می‌کند از دوره‌ای عبور کند که با تغییرات فرهنگی شورش جوانان همراه است.

همفری بوگارت را بازی کرد. فرانسوا اولاند رئیس جمهور فرانسه با انتشار پیامی درگذشت این بازیگر را تسلیت گفت و نوشت: «او تنها نبود بلکه بر زندگی چند نسل تاثیر گذاشت.» مورگان سال ۱۹۴۶ برای بازی در نقش یک زن نابینا در فیلم «سمفونی پاستورال» جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره کن را دریافت کرد. وی جایزه یک عمر دستاورد هنری جشنواره فیلم ونیز و سزار را نیز دریافت کرد. در پیاده روی مشاهیر هالیوود نیز یک ستاره به نام

تجلیل انستیتو فیلم امریکا از آنت بنینگ

آنت بنینگ برای ایفای نقش در «زنان قرن بیستم» در انستیتو فیلم امریکا تجلیل شد. این بازیگر برای مجموعه فیلم‌هایی که در آن نقش ایفا کرده و جدیدترین فیلمش با عنوان «زنان قرن بیستم» که در جشن انستیتو فیلم امریکا به نمایش درآمد مورد تجلیل قرار گرفت. این برنامه در تجلیل از زنانی ترتیب داده می‌شود که با نمایش‌هایی که از دلشان بر می‌آید هم در صحنه نمایش و هم در صحنه زندگی واقعی زنان، نشان دهنده زندگی نسلی برتر بوده‌اند. در این برنامه از آنت بنینگ به عنوان بازیگری که از خود گذشتگی بی‌امانش او را به شخصیتی بارز بدل کرده تا بتواند نشان دهنده زندگی زنان زمان خود باشد و بر اثر این تلاش به یکی از بازیگران برجسته و مورد احترام در تاریخ بدل شده، یاد شد. او مادر چهار فرزند و همسر بازیگر و فیلمساز مشهور وارن بیتی است. او نخستین بار در سال ۱۹۸۷ در برادوی بر روی صحنه رفت و با همان اجرا نامزدی جایزه تونی را کسب کرد. از آن زمان تا کنون او نامزدی ۴ جایزه اسکار را کسب



هالیوود برای زنان نقش‌های بزرگ ندارد



در جریان فرهنگ آمریکایی آن دوران قرار گرفت و باور دارد که موقعیت زنان در دهه ۵۰ و ۶۰ بهتر بود و فرصت‌های بیشتری وجود داشت. مثلاً فیلم‌هایی مثل «سانست بلوار» و «مارنی» آلفرد هیچکاک در آن دوران ساخته شده‌اند.



جایزه گلدن گلوب را دریافت کرده و در سال ۲۰۰۸ برای درام «شک» و موزیکال «ماما میا» در دو بخش نامزد دریافت گلدن گلوب بوده است. همین اتفاق در سال ۲۰۰۲ برای «اقتباس» و «ساعت‌ها» نیز افتاد. استریپ تاکنون ۸ بار برنده جایزه گلدن گلوب شده است. ۱۹ بار نامزدی اسکار را در این زمینه نیز رکورد گذاشته است.

در حالی که ناتالی پورتمن به زودی با فیلم «جکی» دیده خواهد شد و با این فیلم می‌تواند به دریافت یک اسکار دیگر امیدوار باشد، اما وی هالیوود را برای بی توجهی به زنان در نقش‌های بزرگ سرزنش کرد. ناتالی پورتمن در فیلم «جکی» ساخته پابلو لارین در نقش ژاکلین کندی اندکی پس از ترور همسرش جان اف کندی رئیس‌جمهور سابق آمریکا ظاهر شده است. این نقش که حداقل یک نامزدی اسکار برای وی به همراه خواهد داشت از نقش‌های نادری است که کمتر نصیب بازیگری می‌شود و همین هم موجب شده تا پورتمن هالیوود را برای خلق نکردن نقش‌های بزرگ برای زنان سرزنش کند. این بازیگر ۳۵ ساله در گفت‌وگو با مجله نیویورک گفته است فیلم‌هایی با نقش‌های بزرگ برای زنان که بتوانند حرفه آنها را ارتقا دهد وجود ندارد. پورتمن با بازی در نقش ژاکلین کندی در نیمه اول قرن بیستم،

اهدای جایزه سیسیل بدمیل به مریل استریپ

در هفتاد و چهارمین دوره جوایز سالانه گلدن گلوب با اهدای جایزه سیسیل بدمیل (Cecil B demille) به مریل استریپ از این بانوی هنرمند تجلیل شد. مریل استریپ برنده سه جایزه اسکار و هشت جایزه گلدن گلوب، جایزه سیسیل بدمیل را نیز به فهرست افتخارات خود افزود. مریل استریپ به خاطر توانایی‌هایش در زمینه کمدی و نیز اجرای موفقش در فیلم «فلورانس فاستر جنگینز» این جایزه را دریافت کرد. استریپ تا کنون ۲۰ بار نامزدی



گرفته باشد، رعایت فراگیر، رعایت حقوق انسان‌ها و رفع محرومیت از افراد آسیب‌پذیر، از جمله اهداف یا نتایج مورد انتظار آن است.» بنابراین گردآورندگان این گزارش بر این باورند که این اثر با برجسته کردن اوضاع فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دهه ۱۳۸۰، وضعیت زنان را در این دوره بررسی کرده است. این گزارش در سطح خرد شامل سه مبحث است: سیمای جمعیتی زنان شامل: باروری، امید زندگی و مرگ‌ومیر (دکتر شهلا کاظمی‌پور)، سالمندی (دکتر زینب کاوه فیروز)، مهاجرت زنان (دکتر محمد میرزایی، علی قاسمی‌اردهایی) توصیف شده است.

در مبحث دوم، تحصیلات زنان (دکتر مسعود فراستخواه، رضا منیعی، محمد آتشک) بررسی شده و در مبحث سوم سلامت جسمانی زنان (دکتر شیرین احمدنیا) و سلامت روانی زنان (دکتر احمد نوربالا، فاطمه نوربالا) تحلیل شده است. در سطح متوسط، تحلیل اجتماعی وضعیت و تغییرات روند ازدواج و طلاق در ایران دهه هشتاد (با تأکید بر وضعیت زنان) (دکتر امید علی احمدی) و نگرش زنان به هنجارهای خانوادگی و آگاهی‌های جنسیتی، تحلیلی از یافته‌های پیمایش‌های ملی در دهه ۸۰ (دکتر محسن گودرزی)، تشریح شده است. در سطح کلان، وضعیت زنان از منظر اقتصادی براساس چهار مبحث فقر معیشتی و اشتغال زنان در ایران: ۱۳۸۰-۱۳۹۰ (دکتر حسین راغفر، میترا باباپور)، ارزش اقتصادی کار خانگی زنان (دکتر حسن طایی، نرگس مرادی)، نسل جدیدی از زنان سرپرست خانوار (دکتر ژاله شادی‌طلب و پریسا نخعی)، جایگاه زنان در مشاغل مدیریتی ایران دهه ۱۳۸۰ شمسی (دکتر زهرا نژادبهرام)، تحلیل شده است. در حوزه سیاست، در مبحث مرتبط با یکدیگر تحت عنوان تحولات مشارکت سیاسی زنان در دهه ۱۳۸۰ خورشیدی (دکتر الهه کولایی)، مشارکت زنان در مناصب سیاسی (دکتر احمد گل محمدی)، مطالعه شده است. قلمرو فرهنگ دربرگیرنده مباحث



گزارش وضعیت

اجتماعی زنان در ایران

(۱۳۸۰-۱۳۹۰)

کتاب «گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران» به عنوان یک مجموعه پژوهشی منتشر شد. این کتاب مجموعه مقالاتی پیرامون مسایل خرد، متوسط و کلان زنان در دوره ۱۰ ساله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ است.

در مقدمه کتاب آمده است: «طی سال‌های گذشته، مجموعه‌ای از تحولات داخلی و فراملی، موقعیت زنان ایرانی را دگرگون کرده است. وقوع انقلاب اسلامی و رشد ارزش‌های عدالت‌خواهانه، گسترش آزادی‌های مدنی، فرآیند نوسازی و توسعه جامعه، دگرگونی ارزش‌های سنتی، افزایش تحصیلات دانشگاهی، بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی و دسترسی به اطلاعاتی که در سطح جهانی گردش دارد، در مجموع، میزان سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی و سیاسی زنان را ارتقا داده است. این وضعیت به تدریج جایگاه زنان را در سلسله‌مراتب جامعه و نقش آن‌ها را در اداره امور کشور متحول ساخته است.» همچنین در مقدمه بر این نکته تأکید شده است که: «در این فرآیند، عرصه‌های تازه‌ای برای افزایش توانمندی‌ها و بروز شایستگی‌های زنان فراهم آمده است، اما هنوز هم زنان بیش از مردان از تبعیض، تحقیرشدگی، خشونت، تجاوز جنسی، فقر، کم‌سودای و احساس ناامنی در رنج‌اند؛ درحالی‌که الگوی «توسعه جامعه» بر پایه هر نظام عقیدتی و هر پارادایم علمی که شکل



زنان (دکتر سید حسین سراج‌زاده، احمد جعفری)، بزه‌دیدگی و احساس ناامنی زنان (دکتر شهلا معظمی، نسیم جانفدا)، بررسی شده است.

در خاتمه از منظری کل‌گرایانه، وضعیت زنان ایرانی از نظر شاخص‌های توسعه انسانی و جنسیتی در مقایسه با زنان دیگر کشورها (دکتر سوسن باستانی و دکتر اعظم آزاده، مرضیه مشتاقیان) تشریح شده است.

لازم به ذکر است این اثر با پشتیبانی مؤسسه رشد، حمایت و اندیشه (رحمان) و مدیریت فاطمه جواهری به انجام رسیده و توسط نشر نی چاپ و انتشار یافته است. کتاب «گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران» با تیراژ ۵۰۰ نسخه، در ۵۵۶ صفحه با قیمت ۸۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۴، به بازار کتاب عرضه شده است.

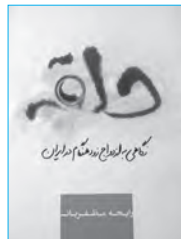
حلقه

نگاهی به ازدواج زودهنگام در ایران

رایحه مظفریان

متنوعی مانند گذران اوقات فراغت و مصرف فرهنگی زنان (دکتر محمد فاضلی و نفیسه رضایی)، زنان ناشر در دهه ۱۳۸۰ شمسی (مجید صیادی)، درآمدی بر وضعیت زنان در مطبوعات و مطبوعات زنان در ایران (دکتر هادی خانیکی)، حضور زنان ایرانی در عرصه‌های گوناگون هنری (دکتر اعظم راورداد)، و زنان برگزیده سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ (دکتر زهرا شجاعی، عارفه توانافر، سعیده چمنی و مریم فاضلی)، است.

در عرصه اجتماعی ابتدا موضوع مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد (دکتر مرضیه موسوی، افسانه کمالی) و در مرحله دوم حقوق زنان ایرانی (اشرف گرامی‌زادگان) تحلیل شده است. سپس آسیب‌های اجتماعی معطوف به شرایط زیست زنان شامل جرایم و بزه‌کاری



نویسنده در مقدمه کتاب آورده است: «ازدواج کودک، حلقه نافرجام حق انسانی، مدت مدیدی نیست که پدیده ازدواج کودک، مانند بسیاری از دیگر پدیده‌های اجتماعی / سنتی، در صدر چالش‌های حقوق بشر، حقوق کودک، مسائل اجتماعی و مطالبات مدنی قرار گرفته است. اگرچه این پدیده مسبوق به سابقه تاریخی است ولی دیگر تاریخ حیات خود را از دست داده است. ازدواج کودک نقض آشکار حقوق کودکی است که حق دارد به شایستگی دوران کودکیش را تا هجده سالگی کودکی کند.

رویکرد نوین به کودکی، به مثابه پدیده‌ای «درحال بودن» به جای «درحال شدن» سبب

گردیده است که فرآیندهای اجتماعی شدن به اشکال سنتی و اعمال نگرش بیولوژیک به رشد کودک، به شدت و به سرعت مورد نقد قرار گرفته و تغییر یابد.

ازدواج کودک، پس از راندن انسان ناتوان در دفاع از حق فیزیکی و معنوی خود و کشاندن او به حیات و مسئولیت اجتماعی است که بزرگسالان بر او تحمیل می‌کنند.

این کتاب بر آن است که واقعیت‌های مربوط به ازدواج کودکان را بیابد و آشکار کند و به دنبال علل و عوامل بروز آن بگردد.

این کتاب توسط انتشارات روشنگران به چاپ رسیده است.



به نام سنت

پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران

کامیل احمدی

می پردازد و نشان می دهد که نوع اول این عمل (بنابه استاندارد جهانی) در چهار استان (هرمزگان، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی) رواج دارد. ختنه دختران سنتی است با قدمت بسیار که علی رغم نقص و جوه مختلف حقوق جنسی کودکان و زنان امروزه نیز همچنان معمول است. برخی باورها، هنجارها، نگرش ها و نظام های سیاسی و اقتصادی در تداوم یافتن این سنت نقش دارند.» این کتاب توسط نشر شیرازه به چاپ رسیده است.

سرگذشت قهرمانان شاهنامه (۷)

«فردوسی، زن، ترازوی»

مجموعه مقالات به کوشش ناصر حریری

سیل آسا، دادن شیب مناسب به زمین های صیفی کاری از دستاوردهای ایشان بوده است. آقای پور داوود بر این نظر است که زن در دوران نخستین نه تنها نگاهبان آتش بود که ظروف سفالین را هم یکی پس از دیگری اختراع کرد، با چوبدست خود برای شناخت ریشه گیاهان، کوه ها را زیر پای نهاد. چون از این منظر بر انسان ایران نخستین بنگریم درمی یابیم که آتش از دورترین زمان ها در این سرزمین مورد احترام و پرستش بود. گریشمن بر این نظر است که زنان ایرانی در کلبه های خویش کوزه می ساختند و مردان از اندیشیدن برای اختراع چرخ کوزه گری معاف می داشتند...» این کتاب توسط نشر آویشن به چاپ رسیده است.



نویسنده در آغاز کتاب آورده است: «کتاب حاضر صورت نهایی پژوهشی گسترده در خصوص ختنه دختران در ایران است. این تحقیق در سال ۱۳۸۴ آغاز شد و نگارش آن در سال ۱۳۹۴ پایان یافت. طی این ده سال افراد بسیاری از شخصیت های حقیقی و حقوقی در پیش بردن این پروژه به من یاری رسانده اند.» نویسنده پس از تشکر از همکارانش در چکیده کتاب چنین نوشته است «این تحقیق جامع به بررسی، تحلیل و موشکافی ختنه دختران در ایران



در بخشی از کتاب که با عنوان مادر تباری نوشته شده، آمده است: «کوه های بختیاری خستگی باستان شناسانی را که برای پژوهش این سرزمین را برگزیده اند با نمودن انسان نخستین بدانان پادشاه داد و ایشان را از ناامیدی و دل شکستگی رهایی بخشید. این منطقه جزو آن چند منطقه در جهان است که بیل و کلنگ این مردان پر تلاش توانست آن آدمیان نخستین را از زیر زمین به روی زمین بیاورد و دوران ایشان را تا آن سوی تاریخ جهان بگستراند. این محققین وظیفه ی زن را در آن دوران شناخت ریشه گیاهان و گردآوری غلات دانسه اند. تغییر مسیر رودخانه ها، استفاده از آبیاری دستی به هنگام خشکسالی، احداث سیل بند به هنگام بارش های



رودخانه هم موج داشت؟ این یکی که داشت. قدم دوم. حرکت آب کمی بازیگوشانه‌تر شد. شتک می‌زد به شلوار جینش. پاچه‌های شلوار کم کم سنگین می‌شد. پاهایش در شن‌های خیس و نرم فرو می‌رفت. قدم سوم. آب او را می‌کشید. وسوسه می‌کرد، بیا، بیا، یک قدم جلوتر، یک قدم جلوتر. ویرجینا وولف هم همین کار را کرده بود، باشجاعت، شاید هم با همین بی‌تفاوتی او. رودخانه او هم همین قدر خاکستری بود؟ بار سنگ‌ها شانه‌هایش را پایین می‌کشید؟ یا آن حجم خاکستری در سرش، او را جلو می‌برد؟

زن پیش چشمش جلو می‌رفت. قدم به قدم. آن دورها یک کشتی رد می‌شد. یک کشتی باری آجری و خاکستری. صدای بوقش بلند شد. شبیه ماغ کشیدن گاو بود، فقط قوی‌تر و تیزتر. در دلش گفت فقط یک نشانه. فقط یک نشانه، بروم یا برگردم؟

بچه که بود دیده بود گلبرگ گل‌ها را می‌کنند برای رسیدن به جواب آخر. بله یا نه. این را نمی‌خواست. یک جواب محکم می‌خواست. چیزی که او را به خانه برگرداند. زن پیش رویش تا شانه در آب بود، شانه‌هایی افتاده از بار سنگ‌ها، از بار ژاکت خیس و سنگین، از سنگینی بار خاکستری ذهنش. سنگ آخری را هنوز در دست داشت. هنوز آمد و رفت موج‌ها نرمش نکرده بود. مثل خودش، هنوز سخت بود. سنگ‌ها را از جیبش درآورد. دانه به دانه‌ی آن‌ها را به ردیف روی چوب پوسته پوسته‌ی نیمکت چید. فقط همان یکی را برداشت، همان سیاه رگه‌دار را. پشت به ساحل به راه افتاد و از کوچهای که آمده بود به سمت جاده رفت. زن پشت سرش تا گردن در آب بود و جلو می‌رفت. او هم رفت. زن پشت سرش را با سنگ‌هایش، ژاکت آویزش، و سنگینی ذهنش به حجم خاکستری خیس سپرد و رفت.

چمدان‌هایش را بسته بود. فقط باید آن‌ها را برمی‌داشت و سوار اتوبوس شهر می‌شد.

خارا

زل زده بود به آن حجم خاکستری پیش رویش. زمین خاکستری، هوا خاکستری، آب هم خاکستری. همیشه فکر می‌کرد رودخانه باید جور دیگری باشد، آبی‌تر، سبزتر. اما آنچه اکنون پیش چشم داشت، خاکستری بود. طیف عظیمی از خاکستری؛ شن خاکستری، علف‌های خاکستری، مرغ دریایی خاکستری، آب آبی سبز خاکستری. هر قدمی که در ساحل برمی‌داشت، شن‌ها را بدون کفش‌هایش می‌ریخت. شک کرد که آیا کنار ساحل رودخانه‌ی آن طرف دنیا است یا کنار دریاچه‌ی خزر.

الان دیگر فرقی نمی‌کرد. چمدان‌هایش را بسته بود. دیگر کاری نداشت. می‌توانست روی نیمکت چوبی رنگ و رو رفته بنشیند و تا ابد چشم بدوزد به آن همه خاکستری. یا از آن بهتر جیب‌های ژاکتش را پر کند از آن همه سنگ‌هایی که زیر پایش کنار نیمکت روی شن‌ها ریخته بود. سنگ آخری سیاه بود. با رگه‌های سفید در دلش. شن‌های چسبیده به سنگ را فوت کرد. همه‌اش پاک نشد. رویش دست کشید. زبر بود، زبر. آیا هجوم این همه آب، در این همه سال نرمش نکرده بود؟ به خودش جواب داد نه، چرا باید نرم شده باشد؟ مگر من بعد از این همه هجوم نرم شدم؟

بلند شد. قدم برداشت به سمت آن همه خاکستری. سنگ‌های جیبش شانه‌های ژاکتش را با خود پایین می‌کشیدند. اولین قدم را در آب گذاشت. موج‌های کوچک به کفش‌هایش بوسه می‌زدند. با دلبری می‌رفتند و برمی‌گشتند و او را به سوی خود می‌کشیدند. مگر





یکی از راه‌های پیشگیری از آلزایمر مصرف مواد غذایی حاوی اسیدهای چرب امگا-۳ است. بسیاری از پژوهش‌های مربوط به بیماری آلزایمر شامل اثر انتخاب‌های غذایی بر تحریک، پیشگیری، و درمان این بیماری می‌شوند. پژوهشگران التهاب و مقاومت به انسولین را عوامل کلیدی در این بیماری انحطاط عصبی شناسایی کرده‌اند زیرا به نوروپاتی آسیب رسانده و در ارتباط بین سلولی اختلال ایجاد می‌کنند. البته می‌توان به کاهش التهاب کمک کرد. خوشبختانه مواد غذایی بسیاری وجود دارند که به این نیازها رسیدگی می‌کنند. در ادامه با برخی از انتخاب‌های غذایی که می‌توانند به پیشگیری از ابتلا به آلزایمر کمک کنند، آشنا می‌شوید.

مصرف مواد غذایی حاوی اسیدهای

چرب امگا-۳

ماهی‌های چرب و جلبک دریایی بهترین منابع برای دریافت اسیدهای چرب امگا-۳ EPA و DHA هستند. شواهد نشان داده‌اند که DHA ممکن است در پیشگیری از بیماری آلزایمر به واسطه کاهش تجمع پلاک‌های بتا-آمیلوئید در مغز نقش داشته باشد. ماهی‌های سالمون، ساردین، تن، خال‌مخالی و قزل‌آلا منابع خوبی برای اسیدهای چرب امگا-۳ هستند.

کاهش مصرف مواد غذایی قندی و

افزایش دهنده گلوکز خون

مواد غذایی سرشار از قند و همچنین کربوهیدرات‌های پالایش‌شده، فرآوری‌شده می‌توانند به افزایش شدید سطوح قند خون منجر شوند که زمینه‌ساز شکل‌گیری التهاب در مغز می‌شود. سطوح بالای قند خون با خطر افزایش یافته زوال عقل مرتبط شده است. هنگام خرید مواد غذایی به برچسب محتویات آنها توجه داشته باشید زیرا ممکن است حاوی قند پنهان باشند.



کور کومین می تواند مشخصه پلاک های بتا-آمیلوئید آلزایمر را تغییر دهد و بر عملکرد مغز و پیشگیری از زوال عقل به واسطه ویژگی های ضد التهابی و آنتی اکسیدانی خود تاثیر گذار باشد.

مصرف میوه ها و سبزیجات

به میزان زیاد

کاهو یکی از مواد غذایی است که به پیشگیری از ابتلا به بیماری آلزایمر کمک می کند. سبزیجات سبز برگ و توت ها باید از جایگاه ویژه ای در رژیم غذایی شما برخوردار باشند زیرا به بهبود عملکرد شناختی کمک می کنند.

سبزیجات سبز برگ مانند اسفناج، کاهو، برگ چغندر سوئیسی، برگ خردل، و غیره به واسطه محتوای لویتین بالا که آنتی اکسیدانی قدرتمند است و همچنین فولات و بتاکاروتن از عملکرد بهتر مغز پشتیبانی می کنند.

کاهش مصرف چربی های

اشباع شده

چربی های اشباع شده دشمن شما نیستند، اما بهترین دوست شما نیز محسوب نمی شوند. با محدود کردن مصرف گوشت قرمز (سه وعده یا کمتر در هفته)، غذاهای سرخ شده (کمتر از یک وعده در هفته)، و کره (کمتر از یک قاشق غذاخوری در روز)، پنیر (کمتر از یک وعده در هفته) و محصولات لبنی پر چرب می توانید مصرف چربی های اشباع شده را کاهش دهید. پژوهش های بسیاری آثار مخرب چربی های اشباع شده در زمینه زوال عقل را نشان داده اند.

مصرف مغزهای خوراکی

مغزهای خوراکی درختی مانند بادام، آجیل برزیلی، بادام هندی، فندق، گردو، و پسته فواید خود برای عملکرد شناختی را نشان داده اند زیرا این مواد غذایی نیز منبع خوبی برای اسیدهای چرب امگا-۳ هستند.

اسیدهای چرب امگا-۳ با التهاب مقابله کرده و به جریان خون بهتر کمک می کنند. همچنین، مغزهای خوراکی منبع خوبی برای ویتامین های «ویتامین» هستند. مغزهای خوراکی خطر بیماری قلبی و سرطان را نیز کاهش می دهند.

پرهیز از چربی های ترانس

چربی های ترانس با تولید رادیکال های آزاد و التهاب پیوند خورده اند که هر دو مورد اثر منفی بر عملکرد مغز دارند. از جمله مواد غذایی حاوی چربی های ترانس می توان به فست فودها، غذاهای سرخ شده، و مارگارین اشاره کرد.

نوشیدن چای سبز

روزانه دو یا چهار فنجان چای سبز بنوشید تا به تقویت حافظه و پیشگیری از بیماری آلزایمر کمک کند. مطالعات بسیاری نشان داده اند که مصرف چای سبز با تقویت عملکرد شناختی، کاهش زوال شناختی و کاهش استرس اکسیداتیو مرتبط است.

افزایش مصرف زردچوبه

نقش کور کومین، ماده فعال زردچوبه، طی مطالعات بسیاری در مبارزه با بیماری آلزایمر مورد بررسی قرار گرفته است.



تحمل بالای زنان در برابر درد برای آنها خطرناک است!



محققان تحمل درد ۴۸۴۹ بزرگسال را با فرو بردن دست آنها در آب سرد با دمای ۳ درجه سانتی‌گراد به مدت دو دقیقه مورد بررسی قرار دادند.

این تیم همچنین از اسکنر ECG برای دیدن اینکه آیا یک بیمار در گذشته حمله قلبی را تجربه کرده است، استفاده کردند.

آنها دریافتند: کسانی که می‌توانند به مدت طولانی درد را تحمل کنند، به احتمال زیاد در گذشته از حملات و دردهای پنهان قلبی رنج می‌برده‌اند که علت این دردها هرگز تشخیص داده نشده و این ارتباط بین آستانه درد و حمله قلبی خاموش در میان زنان قوی‌تر است.

به گفته محققان این پژوهش، از آنجایی که بیشتر زنان از احتمال بروز حملات قلبی مطلع نیستند، دردهای قفسه سینه و علائم دیگر آن را جدی نگرفته و به سادگی از آن چشم‌پوشی می‌کنند.

آنها با ابراز نگرانی اعلام کردند که حمله قلبی خاموش یک مشکل عمده در انگلستان بوده که از مقامات خواسته می‌شود تا با اطلاع‌رسانی بیشتر در این زمینه، زنان را از خطرات احتمالی که در کمین آنها است، آگاه کنند.

یک پژوهش جدید نشان می‌دهد که زنان به دلیل تحمل بیشتر برای مقابله با درد، اغلب قادر به درک وقوع حملات قلبی نیستند. به گزارش ایسنا به نقل از دیلی میل، این امر سبب نگرانی کارشناسان شده؛ چرا که بسیاری از حملات قلبی در میان زنان به دلیل تحمل بالای آنها تشخیص داده نمی‌شود.

زنان در انگلیس ۵۰ درصد بیش از مردان به حملات قلبی دچار می‌شوند که در ابتدا تشخیص داده نمی‌شود.

این تحقیق که توسط دانشمندان در نروژ انجام شده، نشان می‌دهد که اگر چه به طور کلی مردان می‌توانند بیشتر از زنان با درد مقابله کنند، اما تحمل زنان در برابر درد خاص یک حمله قلبی بیشتر است.

این به این معناست که آنها به احتمال زیاد از حملات قلبی پنهان رنج می‌برند؛ اما درک نمی‌کنند که چه اتفاقی در حال وقوع است.

محققان این پژوهش اظهار کردند: هنوز معلوم نیست که چرا برخی از مردم از حملات قلبی بدون هیچ علائمی رنج می‌برند.

یک توضیح احتمالی برای نبود درد قفسه سینه در حملات قلبی، تحمل درد بالا است.





چرا خانم‌ها باید ماموگرافی کنند؟

خانوادگی سرطان ندارند انجام شود. غربالگری سرطان سینه سالانه در خانم‌هایی که نوعی جهش ژنی دارند، باید از حدود سن ۲۵ تا ۳۰ سالگی انجام شود. همچنین آن دسته از خانم‌هایی که ابتلا به سرطان سینه در خانواده آنها دیده می‌شود باید ماموگرافی را زودتر انجام بدهند.

ماموگرافی همیشه بعد از ۲۵ سال انجام می‌شود و قبل از این سن ماموگرافی انجام نمی‌شود. عوامل دیگری نیز وجود دارند که می‌تواند سن انجام غربالگری را کمتر کند و به همین دلیل ریسک ابتلا به سرطان سینه باید توسط متخصصین محاسبه شود چنانچه ریسک ابتلا به سرطان سینه بیشتر از ۲۰ درصد باشد، در چنین شرایطی باید ماموگرافی را در سن کمتر (۲۵ تا ۳۰ سالگی) انجام داد. عواملی چون سن شروع قاعدگی، سن اولین زایمان و شیردهی نوزاد، نژاد و... در محاسبات ریسک ابتلا به سرطان سینه

بسیاری از خانم‌ها، معاینات دوره‌ای زنان را جدی نمی‌گیرند و همین مسئله می‌تواند عاملی برای ابتلا به بیماری‌های جدی باشد. سرطان سینه یکی از انواع سرطان است که به راحتی می‌توان آن را با روش‌های پیشرفته تشخیص داد ولی کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که قبل از ابتلا به بیماری از روش‌های تشخیصی کمک بگیرد.

ماموگرافی درواقع یک روش تصویربرداری برای غربالگری سرطان سینه (پستان) محسوب می‌شود و هدف اصلی آن تشخیص سرطان سینه در مراحل اولیه ابتلا به بیماری و درمان آن قبل از متاستاز (انتشار سرطان به قسمت‌های دیگر بدن) است. درواقع یکی از مزیت‌های ماموگرافی به عنوان غربالگری، تشخیص تومور در زمانی است که اندازه آن کوچک است.

غربالگری سرطان سینه با کمک ماموگرافی به صورت سالانه باید از ۴۰ سالگی به بعد در افراد سالم که سابقه



داوطلبانه اقدام انجام نمی دهند.

محدودیت ماموگرافی

انجام ماموگرافی ممنوعیت مطلق ندارد و فقط در برخی شرایط انجام آن در برخی از افراد ممنوعیت نسبی دارد. برای مثال، انجام ماموگرافی به صورت روتین به خانم‌های باردار و شیرده توصیه نمی‌شود. همچنین سه ماه بعد از قطع شیردهی نیز معمولاً ماموگرافی انجام نمی‌شود به این دلیل که تراکم بافت سینه (پستان) در دوران شیردهی زیاد می‌شود ضمن اینکه حساسیت به اشعه بالاست در نتیجه احتمال منفی کاذب بالا می‌رود. ماموگرافی در دوران بارداری و شیردهی تنها در شرایط انجام می‌شود که فرد دارای علامت باشد و به عنوان غربالگری در این دوران توصیه نمی‌شود. معمولاً برای خانم‌های باردار و شیرده در ابتدا سونوگرافی انجام می‌دهند و در صورت نیاز، ماموگرافی انجام می‌شود.

اگر نتیجه مثبت باشد

چنانچه نتیجه ماموگرافی یک توده مشکوک را نشان بدهد، در چنین شرایطی باید حتماً نمونه برداری انجام شود و نمونه در پاتولوژی مورد بررسی قرار بگیرد. چنانچه مشکل فرد سرطان تشخیص داده شود فردی که یک سینه او به سرطان مبتلا می‌شود، احتمال عود بعد از درمان یا ابتلای سینه سالم به سرطان، برای او وجود دارد. به همین دلیل در چنین شرایطی اهمیت ماموگرافی غربالگری بعد از درمان سرطان چندبرابر می‌شود.

منبع: ماهنامه همشهری

مدنظر قرار گرفته می‌شود. خانم‌هایی که به دلیل ابتلا به سرطان، رادیوتراپی قفسه سینه انجام داده‌اند، باید هشت سال بعد از رادیوتراپی (سن بالای ۲۵ سال) ماموگرافی انجام بدهند. همچنین آن دسته از افرادی که نمونه برداری از سینه انجام داده‌اند و نتیجه پاتولوژی آنها یک مسئله خاص مثل تومورهای پیش سرطانی را نشان داده است نیز باید از همان سنی که این کار را انجام داده‌اند ماموگرافی غربالگری را انجام بدهند. همچنین آن دسته از خانم‌هایی که یک سینه آنها دچار سرطان شده است و آن را برداشته‌اند نیز باید ماموگرافی‌های دوره‌ای را حتماً انجام بدهند.

انواع ماموگرافی

ماموگرافی دو نوع دارد یک نوع ماموگرافی برای غربالگری و دیگری برای تشخیص به کار می‌رود. ماموگرافی علاوه بر اینکه برای غربالگری و تشخیص استفاده می‌شود، برای موارد دیگری نیز کاربرد دارد. برای مثال، در شرایطی که خانمی پروتز سینه گذاشته و احتمال پارگی آن وجود داشته باشد، از ماموگرافی می‌توان کمک گرفت.

در کشورهای پیشرفته به دلیل اینکه ماموگرافی رایگان است. خانم‌ها خودشان برای بررسی به عنوان غربالگری مراجعه می‌کنند. اما در کشور ما به دلیل اینکه باید هزینه برای انجام این کار پرداخته شود، معمولاً خانم‌ها تا زمانی که با مشکلی مواجه نشوند برای بررسی مستقیماً مراجعه نمی‌کنند و تا زمانی که پزشک توصیه به انجام این کار نکند، به صورت



جایگاه جدید ایران در شاخص سهولت کسب و کار جهانی

بهبود جایگاه بین‌المللی ایران از رتبه ۱۵۲ به رتبه ۱۲۰ در دولت یازدهم



انجام کسب و کار بانک جهانی شامل ۱۰ زیرشاخص شروع کسب و کار (رتبه ۱۰۲)، اخذ مجوز ساخت (رتبه ۲۷)، دسترسی به برق (رتبه ۹۴)، ثبت مالکیت (رتبه ۸۶)، اخذ اعتبارات (رتبه ۱۰۱)، حمایت از سهامداران خرد (رتبه ۱۶۵)، سهولت پرداخت مالیات (رتبه ۱۰۰)، تجارت فرامرزی (رتبه ۱۷۰)، سهولت اجرای قراردادهای (رتبه ۷۰)، ورشکستگی و پرداخت دیون (رتبه ۱۵۶) است.

بانک جهانی بر اساس گزارش سال ۲۰۱۷ بانک جهانی، امتیاز فاصله ایران تا اقتصاد پیشرو در سهولت انجام کسب و کار در سال ۲۰۱۶ میلادی ۵۷۰۰۸ بوده و در سال ۲۰۱۷ میلادی ۵۷۰۲۶ اعلام شده است. به گزارش خبرآنلاین از شاداء، طبق گزارش سال ۲۰۱۷ بانک جهانی از وضعیت بین‌المللی شاخص سهولت انجام کسب و کار (doing business ۲۰۱۷)، جایگاه ایران در بین ۱۹۰ کشور در رتبه ۱۲۰ قرار گرفت که بر این اساس در دوره فعالیت دولت یازدهم جایگاه بین‌المللی ایران از رتبه ۱۵۲ در سال ۲۰۱۳ میلادی به رتبه ۱۲۰ در سال ۲۰۱۷ میلادی ارتقا یافت. به عبارتی دیگر رتبه ایران در شاخص انجام کسب و کار به طور متوسط سالانه هشت پله ارتقا داشته است. شاخص



زهرا آیت‌اللهی

رئیس شورای فرهنگی - اجتماعی زنان شد

انتخاب شد.

گفتنی است انتخابات رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان شهریور ماه گذشته برگزار شد و زهرا آیت‌اللهی موفق به کسب بیشترین آرای اعضای حاضر شد اما مخالفت برخی اعضا با روند برگزاری انتخابات سبب تشکیل هیئت بازرسی در این زمینه شد که با نظر این هیئت، انتخابات ریاست شورای فرهنگی اجتماعی زنان مجدد برگزار و بار دیگر زهرا آیت‌اللهی موفق به کسب بیشترین آرا شد.

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی از انتخاب «زهرا آیت‌اللهی» به عنوان رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان خبر داد. به نقل از مرکز خبری شورای عالی انقلاب فرهنگی، محمدرضا مخبر دزفولی در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، با ارائه گزارش برگزاری انتخابات شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده افزود: در این انتخابات که با حضور همه اعضا برگزار شد «زهرا آیت‌اللهی» با رای قاطع به عنوان رئیس جدید شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده





سه میلیون و ۲۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل:

دختران محرومان اصلی

برای دستیابی به وضعیت مطلوب در زمینه آموزش در ایران وجود دارد. او گفت: «لازم است عدالت آموزشی در کل کشور و در تمام مناطق آن و حتی در مناطق داخل شهرها برقرار شود.» معاون امور زنان، با اشاره به تفاهم‌نامه‌های معاونت امور زنان و خانواده با دستگاه‌های مختلف در زمینه آموزش دختران گفت: «تفاهم‌نامه‌هایی را با سازمان نهضت سوادآموزی و وزارت آموزش و پرورش منعقد کرده‌ایم؛ البته با توجه به وضعیت کنونی، به نظر می‌رسد هنوز تا دستیابی دختران به فرصت عادلانه برای تحصیل فاصله وجود دارد.» مولوردی گفت که پروژه‌هایی در زمینه آموزش و پرورش دختران تعریف شده که از جمله آنها می‌توان به بهبود وضعیت آموزشی و بهداشتی دختران در مناطق محروم، افزایش پوشش تحصیلی دختران بازمانده

معاون رییس جمهوری در امور زنان و خانواده گفت که در حال حاضر حدود ۷۵۰ میلیون نفر در دنیا بی‌سواد هستند که دوسوم آنان را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. به گفته معاون رییس جمهور در حال حاضر براساس نتایج مرکز پژوهش‌های مجلس، سه میلیون و ۲۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل در ایران وجود دارد. دختران از اصلی‌ترین گروه‌های بازمانده از تحصیل در ایران هستند.

شهین‌دخت مولوردی گفت: «آمار بی‌سوادان در دنیا نشان می‌دهد هنوز در برابر فرصت‌های آموزشی مشکلاتی وجود دارد.»

به گفته مولوردی با وجود اینکه از اهداف مهم نظام آموزش و پرورش، دستیابی به عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش است، هنوز خلاءها و چالش‌های جدی



خانواده و کودکان کار، مشکلات فرهنگی، مهاجرت‌های فصلی، نداشتن شناسنامه از دلایلی است که کودکان را از مدرسه رفتن باز می‌دارد و همه این دلایل وقتی به فرزندان دختر می‌رسد، ساده‌تر پذیرفته می‌شود. همچنین، علی زرافشان، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش از دواج‌های زود هنگام در برخی استان‌ها را مانع از ادامه تحصیل دانش‌آموزان دختر اعلام کرده است.

معاون وزیر آموزش و پرورش: ازدواج زود هنگام مانع از ادامه تحصیل دختران

در ایران همچنان خانواده‌هایی وجود دارند که بی‌سوادی را به ویژه برای دختران زشت نمی‌دانند و به دلایل فرهنگی دختران خود را به مدرسه نمی‌فرستند. بسیاری از خانواده‌ها هم به نیروی فرزند دختر برای امور خانه یا مشارکت اقتصادی و درآمدزایی نیاز دارند. «مختلط بودن کلاس‌های دختران و پسران در مقطع دبیرستان و فقر» هم علت‌های ترک تحصیل دختران در برخی مناطق اعلام شده است. در روستاهای دور افتاده استان خوزستان هم دختران از ادامه تحصیل پس از مقطع ابتدایی محرومند. معلمی به این روستاهای دور افتاده نمی‌آید و برای این دخترها هم امکان ندارد که هر روز چندین کیلومتر برای رسیدن به یک مدرسه طی کنند.

ترک تحصیل حتی در تهران

اما این فقط استان‌های محروم ایران نیستند که دختران در آنها از تحصیل باز می‌مانند. حتی در استان تهران و در شهرهای حاشیه‌ای هم آمار دختران بازمانده از تحصیل باعث نگرانی است و گزارش‌هایی از بازماندن دختران شهر تهران از تحصیل هم منتشر شده است.

از تحصیل، اقدام به تغییر باورهای غلط در زمینه دختران، آسیب‌شناسی روانی-اجتماعی دانش‌آموزان دختر در دوره دوم متوسطه اشاره کرد.

آمارهای مختلفی از کودکان بازمانده از تحصیل در استان‌های مختلف ایران منتشر شده است. بر اساس آماری که سال ۹۴ منتشر شد، بسیاری از کودکان بازمانده از تحصیل از استان‌های محروم کشور هستند و تعداد دختران در این آمار از پسران بیشتر است.

محرومیت و ترک تحصیل دختران

شهرهای جنوبی ایران بالای فهرست بی‌سوادی دختران قرار دارند. سیستان و بلوچستان با ۱۱ شهر در صدر آمار بی‌سوادی دختران است و خوزستان هم با سه شهر. پس از آن آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی در رده چهارم این جدول قرار دارند.

دختران بازمانده از تحصیل

آمار ترک تحصیل دختران در غرب خوزستان و شهرهای مرزی ایران و عراق در شرایط هشدار است. استان خوزستان از پنج استانی است که بیشترین فراوانی بازماندگی از تحصیل کودکان را دارد. در استان خوزستان، ۹۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل هستند که زیر ۱۸ سال تحصیل را ترک کرده‌اند. بخش عمده‌ای از کودکان بازمانده از تحصیل در مناطق روستایی، مناطق مرزی و دوزبانه زندگی می‌کنند. استان هرمزگان در جنوب ایران هم ۱۴ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل دارد. علاوه بر این استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، کردستان و خراسان شمالی هم وضعیت مساعدی از نظر تحصیل دختران ندارند.

فقر خانواده و نداشتن تمکن مالی برای خرج تحصیل، مشارکت فرزندان در اقتصاد





قاعی راد:

پدرسالاری ضعیف شد که نقش زنان در جامعه ایران پررنگ شده است

هنجاری کوچکتز خواهد شد و در عرض حوزه کنش نمایشی به شکل فزاینده و بیشتر از کنش ارتباطی در حال رشد است. استاد قاعی راد با اشاره به نقش پررنگ سرمایه اجتماعی هنجاری در جامعه گفت: بنابراین سرمایه هنجاری با وجود فرسایش ها هنوز وزنی یک به علاوه را به خود اختصاص داد. از سویی کنش ارتباطی وزن یک به علاوه ای را در اختیار دارد ولی کنش نمایشی رشد سه به علاوه را به خود اختصاص داده است. قاعی راد گفت: بنابراین در جامعه متناسب با این کنش سرمایه اجتماعی مصرفی و یا نشانه ای رشد کرده است. وی با اشاره به اینکه تضعیف پدرسالاری در رشد این سرمایه اجتماعی نقش داشته است؛ افزود: چارچوب پدرسالاری هنجارها و نرم هایی اجتماعی را تعریف می کرد که آدمها بر اساس آن به تصمیم گیری می پرداختند. به گفته قاعی راد پدرسالاری با تعریف قواعد رفتار تکلیف آدم ها در تصمیمات مهم زندگی اقشار مختلف جامعه از جمله زنان را مشخص می کرد اما این رویکرد قابل تعریف است. وی یاد آور شد: در حقیقت در جامعه پدر سالار امنیت بدون آزادی مطرح بود در حالی که با تغییر هنجارها امنیت و یا آزادی انتخاب امنیت در جامعه تغییر کرد. به گفته قاعی راد این نوع تغییرات در تصمیمات زندگی همه اقشار جامعه زنان تاثیر گذار بوده است.

استاد جامعه شناسی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با تشریح موضوع زنان و سرمایه های اجتماعی و توسعه پایدار شهری نگاه مفهومی در سرمایه اجتماعی گفت: موضوع سرمایه های اجتماعی دارای چندین طبقه است. به گزارش خیرآنان؛ محمد امین قاعی راد در یکی از پنل های تخصصی همایش زنان و زندگی شهری با تشریح ارتباط سرمایه اجتماعی و کنش های اجتماعی افزود: حوزه های کنش سه گانه شامل کنش هنجاری، کنش نمایشی و کنش ارتباطی هستند. این تقسیم بندی نوعی تقسیم بندی هابرماسی به شمار می آید. وی گفت: با توجه به این سه کنش سه نوع سرمایه اجتماعی قابل تعریف است؛ یک سرمایه اجتماعی هنجاری متناسب با کنش هنجاری، سرمایه اجتماعی مصرفی متناظر با کنش نمایشی و سرمایه اجتماعی مشارکتی یا مدنی که متناسب با کنش ارتباطی هستند. استاد جامعه شناسی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با اشاره به نقش رسانه زبان در این سرمایه اجتماعی گفت: میزان استفاده از زبان در سرمایه اجتماعی مشارکتی بیشتر از دو نوع دیگر است.

وی گفت: حوزه کنش هنجاری در حال کوچکتز شدن است، با گذر سنت از مدرنیسم و تحولات اجتماعی فرهنگی حوزه کنش





پوران فرخزاد در گذشت

ناتمام؛ سیری در شعر زنان از رابعه تا فروغ»، «زن شبانه موعود» (نشان زن در آثار سهراب سپهری)، «کسی که مثل هیچ کس نیست» درباره فروغ فرخزاد، مجموعه شعر «خوشبختی در خوردن سیب‌های سرخ»، مجموعه داستان «دیداری در پاییز»، مجموعه رباعی «جنگ مشوش»، داستان‌های بلند «در پس آینه» و «آتش و باد»، رمان «در انتهای آتش و آینه» و فرهنگ «کارنمای زنان کارای ایران از دیروز تا امروز» اشاره کرد. پوران فرخزاد خواهر مرحوم فروغ فرخزاد شاعر توانایی کشور است.

پوران فرخزاد، نویسنده، مترجم، منتقد ادبی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر ایرانی، نهم دی ماه به خاطر بیماری تنفسی در بیمارستان درگذشت. پوران فرخزاد در بهمن ۱۳۱۱ در نوشهر به دنیا آمد. از این نویسنده، مترجم و پژوهشگر ایرانی حدود ۳۰ کتاب به جا مانده که «کارنمای زنان کارای ایران»، نخستین فرهنگ مبسوط درباره زنان ایرانی یکی از آن‌ها است. آثار دیگر پوران فرخزاد «زن از کتیبه تا تاریخ» (دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان در دو جلد)، «اوام سرخ شقایق» (گزیده‌ای از اشعار زنان جهان)، «نیمه‌های

فتوای آیت‌الله مکارم شیرازی

درباره ازدواج دختران در سنین پایین

۱۳ سال هم وجود دارد؛ این در حالی است که ما ۴۲ هزار ازدواج زیر سن ۱۳ سال داریم و این مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند. آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ به استفتای عضو کمیسیون فرهنگی گفت: من از نظر فتوا این اجازه را نداده و نمی‌دهم. ممکن است در گذشته چنین چیزی جایز بوده؛ اما اکنون به خاطر مفاسدی که دارد تا زمانی که دختر به بلوغ عقلی نرسد و قدرت تصمیم‌گیری نداشته باشد، اجازه ازدواج ندارد و حکم باطل بودن چنین ازدواجی را می‌دهم.

ایسنا نوشت: آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس و در پاسخ به استفتاء عضو هیئت رئیسه کمیسیون فتوایی درباره ازدواج دختران در سنین پایین صادر کرد. سیده فاطمه ذوالقدر در حاشیه دیدار اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس با آیت‌الله مکارم شیرازی، درباره ازدواج دختران در سنین پایین سوال کرد و گفت: در حال حاضر طبق قانون ازدواج دختران از سن ۱۳ سال به بالا امکان‌پذیر است. تبصره‌ای در قانون وجود دارد که با اذن ولی، امکان ازدواج دختران زیر





در ۲۴ درصد خانواده‌های ایرانی هیچ کس شاغل نیست

سران قوا باید به فراخور وظایف خود سیاست‌های کلی را اجرا کنند، گفت: در مورد سیاست‌های کلی خانواده تاکنون به دو شکل برخورد شده است که یکی از آنها در قالب برنامه‌های پنج ساله توسعه است که از سال ۶۸ تدوین آنها آغاز شده است، به طوری که در هر برنامه سیاست‌های کلی از سوی رهبری تعیین می‌شود. بروجردی اضافه کرد: از برنامه سوم توسعه، بندی در مورد خانواده و بخش‌هایی در مورد زنان و جوانان سیاست‌گذاری شده است. همچنین از سال ۸۷ پیشنهاد شد که سیاست‌های کلی خانواده تعیین شود که تدوین این سیاست‌ها از سال ۹۰ آغاز شد. وی افزود: مبنای سیاست‌های کلی در واقع تبیین خط مشی نظام در حوزه خانواده است. به این معنی که دولت باید خانواده را به عنوان یک نهاد مستقل ببیند و سیاست‌های خود را بر اساس یک کل واحد تدوین کند. رئیس کمیته زنان و جوانان مجمع

مهر نوشت: رئیس کمیته زنان و جوانان مجمع تشخیص مصلحت گفت: ایران پس از ترکیه بیشترین تمایل به ازدواج را در میان جوانان دارد. ۲۴ درصد خانواده‌های ایرانی فرد شاغل ندارند.

لیلی بروجردی در همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه خانواده با بیان اینکه موضوع سیاست‌های کلی در حوزه خانواده بهترین فرصت در طول قانونگذاری در حوزه خانواده است، افزود: معیشت و منبع سیاست‌های کلی، چگونگی اجرا و آثار آن پس از اجرا در اصل ۱۱۰ قانون اساسی که وظایف رهبری را مشخص می‌کند، آمده است. وی ادامه داد: بر این اساس سیاست‌های کلی در همه حوزه‌ها در مجمع تشخیص مصلحت تعیین می‌شود و پس از ارائه به رهبری از سوی ایشان به مخاطبان که همان ارکان نظام و سران قوه هستند، ابلاغ می‌شود.

رئیس کمیته زنان و جوانان مجمع تشخیص مصلحت با اشاره به اینکه



بین ۳۵ تا ۵۰ سالگی که سن مجرد قطعی است، ازدواج می کنند.

وی گفت: ایران در منطقه پس از ترکیه بیشترین تمایل به ازدواج را دارد و ما در سیاست‌های کلی به این نتیجه رسیدیم که باید مدیریت اجتماعی کشور تحت نهاد خانواده باشد و مهمترین بخش راهبرد جاری و ساری شدن بنیاد خانواده است.

رئیس کمیته زنان و جوانان مجمع تشخیص مصلحت ادامه داد: در حال حاضر رابطه دولت و دیگر نهادها در حوزه خانواده مشخص نیست و تبیین نقطه عزیمت و برنامه‌های توسعه باید از سمت و سوی اقتصادی به فرهنگ باشد.

باید دهک‌های خانواده بر اساس نیازهای فرهنگی همچون ورزش و بهداشت مشخص شود نه فقط بر اساس نیازهای اقتصادی. بروجردی با بیان اینکه مهندسی مجدد خانواده و اتخاذ یک مبنای فکری در حوزه خانواده باید مورد توجه قرار گیرد، گفت: در حال حاضر به عنوان مثال در استخدام کشوری و بازنشستگی چالش‌هایی وجود دارد، اما معتقدیم حتی در حوزه شهرنشینی با وجود گسترش آپارتمان‌نشینی می‌توانیم محلات کوچک را با محوریت خانواده طراحی و سیاستگذاری کنیم.

وی افزود: شرح وظایف و تکالیف دستگاه‌ها باید از سوی مجلس تعیین شود و نظارت بر اجرای این سیاست‌ها بر عهده مجمع تشخیص مصلحت است.

تشخیص مصلحت گفت: ارتباط خانواده با نهاد دین، آموزش، اقتصاد و تنظیم این روابط پیش روی سیاست‌های کلی خانواده است و از مرحله تشکیل خانواده و آسیب‌های پیش روی آن مثل همبازی یا ازدواج سفید، فرزندان نامشروع و تشکیل، استمرار، انحلال، طلاق و جدایی پیش روی نظام و سیاست‌های کلی خانواده است. بروجردی با اشاره به برخی پیش‌زمینه‌ها در تدوین سیاست‌های کلی خانواده گفت: در حال حاضر درآمد ۵۷ درصد از خانواده‌های ایرانی توسط یک فرد حاصل می‌شود و این در حالی است که در ۱۵ درصد خانواده‌ها دو نفر مسئول کسب درآمد هستند.

وی گفت: در بررسی‌ها ۲۴ درصد خانواده‌های ایرانی اعلام کردند که هیچ فرد شاغلی ندارند، این به آن معناست که یک چهارم خانواده‌های ایرانی درآمد متفرقه دارند، ۹ درصد درآمد از بخش دولتی و ۳۰ درصد از بخش خصوصی کسب درآمد می‌کنند.

رئیس کمیته زنان و جوانان مجمع تشخیص مصلحت گفت: در تبیین سیاست‌های کلی خانواده مواردی همچون افراد ازدواج نکرده در نظر گرفته شدند و بر اساس آمار تا پایان سال ۹۳ حدود ۱۲ میلیون مرد و زن ایرانی بین ۳۰ تا ۳۵ سال ازدواج نکرده‌اند.

بروجردی تأکید کرد: این در حالی است که این تعداد در ۵۰ سالگی به یک و نیم میلیون نفر می‌رسند یعنی بیشتر آنها





آثار فرآیند طلاق در تزلزل بنیان خانواده

مقدمه:

ضعف بنیه فرهنگی و عدم آگاهی و پایبندی به ایمان و تقیدات مذهبی خانواده‌ها، بخصوص در میان والدین؛ به عنوان مهم‌ترین عامل سستی روابط خانوادگی و در نتیجه افزایش طلاق در ایران اعلام شد.

معضلات اجتماعی مانند افزایش نرخ طلاق و گسترش اضطراب در میان جوانان، این روزها مورد بحث رسانه‌های همگانی و موضوع بسیاری از همایش‌ها و سمینارها در سراسر کشور قرار گرفته و بسیاری از آنها حاوی آمارهای بسیار تکان دهنده‌ای است.

بی‌تردید افزایش دامنه آفت‌های جامعه که باید دست اندرکاران امور تعلیم و تربیت و فرهنگ‌سازی کشور را به

طلاق در لغت به معنی گشودن گره و رها کردن است و در زندگی زناشویی طلاق یعنی از هم پاشیده شدن زندگی یا از بین رفتن تعادل در زندگی و پدیدار شدن رنج و عذاب برای فرزندان. تبعات طلاق منحصر به خانواده نیست بلکه باعث متزلزل شدن جامعه نیز می‌شود. امروز ما شاهد روند روبه رشد این معضل اجتماعی هستیم و خانواده که اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است در معرض پیامدهای ناگوار پدیده طلاق قرار دارد. در این تحقیق سعی بر این شده است نگاهی هرچند مختصر به این پدیده اجتماعی انداخته و در مورد برخی از آسیب‌های فردی و اجتماعی وارده از سوی آن به بحث و گفتگو بپردازیم. با این امید که در آینده شاهد کاهش میزان طلاق و از هم پاشی کانون خانواده‌ها باشیم.



۱- طلاق چیست؟

طلاق؛ نامی ساده و مفهومی پیچیده؛ پدیده‌ای منفور و نکوهش شده، اما رو به افزایش. فروپاشی نظام کوچکی که تبعات زیادی در بر دارد و تاثیرهای منفی‌اش بر جامعه به ویژه زنان و بچه‌های طلاق غیرقابل انکار است؛ پدیده‌ای که کمابیش از کنترل و پیش‌بینی خارج شده و جامعه‌شناسان را نگران کرده است.

در حقیقت همانگونه که پیوند بین افراد طبق آیین و قراردادهای رسمی و اجتماعی برقرار می‌شود. چنانچه طرفین نتوانند به دلایل گوناگون شخصیتی، محیطی و اجتماعی و ... بایکدیگر زندگی کنند به ناچار طبق مقررات و ضوابطی از هم جدا می‌شوند.

از این نظر خانواده همچون عمارتی است که زن و شوهر ستون‌های آن را تشکیل می‌دهند و فروریختن هرستون استحکام و استواری عمارت را دچار تزلزل و گسستگی می‌کند. طلاق با این دید، یکی از غامض‌ترین پدیده‌های اجتماعی، ارکان خانواده را در هم ریخته و بیشتر اثرات مخرب خود را بر روی فرزندان برجای می‌گذارد. طلاق گسستن و فروپاشیدن و نابودی کانون گرم و آرام بخش زندگی است که اثرات جبران‌ناپذیری بر اعضای خانواده می‌گذارد.

در تحقیقی که توسط «جی هیر» (۱۹۹۰) صورت گرفت مشخص گردید ازدواج‌هایی که به طلاق منجر شده‌اند، کاهش شدیدی در اعتماد به نفس اعضای خانواده به وجود می‌آورد. چنین کمبودی می‌تواند ماهیتی اجتماعی، روانی یا جسمی باشد. کاهش اعتماد به نفس در نتیجه طلاق منشا مهم اختلالات اعضای خانواده در حین و بعد از طلاق می‌باشد.

تامل و چاره‌اندیشی اساسی وادارد، معلولی بیش نیست. برای تجهیز و مقابله با این پدیده‌های ناهنجار، ابتدا باید علل و ریشه‌های بروز این مسئله مهم را شناسایی کنیم، در غیر این صورت هر راه حلی اگرچه با صرف هزینه‌های زیاد، بی‌تاثیر خواهد ماند. به این ترتیب، درخواست طلاق هنگامی صادر می‌شود که هرگونه امید و تلاش برای دستیابی به کانون گرم زندگی مشترک بی‌پاسخ می‌ماند و واقعیت‌هایی رخ می‌دهد که دستیابی به آرزوها را ناممکن می‌سازد و آنگاه تنها راه‌هایی به جدایی ختم خواهد شد.

اما روانشناسان معتقدند: زندگی مجموعه‌ای از افتادن‌ها و بر خاستن‌ها، لذت‌ها و تلخکامی‌ها، خواب‌ها و بیداری‌های هدف‌دار است، این که تصور کنیم همه امور باید موافق میل و خواسته ما تحقق پذیرد، تصویری اشتباه است.

اصولاً خانواده‌ای را نمی‌توان سراغ گرفت که در آن به هیچ وجه اختلاف فکر و سلیقه وجود نداشته باشد، هر انسانی ذوق و سلیقه‌ای مخصوص به خود دارد. اما برای دستیابی به آرامش باید این ذوق و سلیقه را به هم نزدیک کرد، زیرا انسان‌ها تنها در سایه توافق‌ها می‌توانند در کنار هم زندگی کنند نه اختلاف‌ها. از سوی دیگر، در زندگی مشترک بی‌اعتنایی به پیمان زندگی، خودخواهی‌ها و تنگ‌نظری‌ها، بی‌حوصلگی و بی‌توجهی به سرنوشت یکدیگر، اختلاف در سلیقه‌ها، فزون طلبی‌ها، تنوع جویی‌ها، عدم رعایت وظایف فرد است که «طلاق» را می‌آفریند و این پایان مشکلات نیست، بلکه سرآغاز ویرانی است و معضلات جدید را به وجود می‌آورد.



دریغ می‌دارند و روی از هم بر می‌تابند، زیرا اعتمادشان به یکدیگر و جذابیتشان برای هم به پایان رسیده است.

یکی از مهم‌ترین انواع طلاق، طلاق عاطفی است که در هیچ کجا به ثبت نمی‌رسد و نمود عینی ندارد اما مهم‌ترین نوع طلاق است که کودکان زیادی از آن رنج می‌برند. در چنین خانواده‌هایی یک تشنج روانی حکم فرماست.

این مورد مربوط به خانواده‌هایی است که به علت مسائل سنتی و عرفی که حاکم بر عقاید آنهاست یا برخی باورهای نادرست و نگرش‌های منفی جامعه نسبت به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان و یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی تصمیم می‌گیرند که به اجبار زیر یک سقف زندگی کنند. در چنین اوضاع نابسامانی، زن انزوا طلبی اختیار کرده و خود را شریک زندگی نمی‌داند و تنها به دلیل شرایط اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی به زندگی ادامه می‌دهد.

بسیاری از زوج‌ها با هم زندگی می‌کنند ولی از وجود و درون هم خبری ندارند، این قطع روابط عاطفی عوامل پنهان و ناگفته‌های بسیار دارد.

این طلاق‌های عاطفی که در خیلی از خانواده‌ها وجود دارد را نباید دست کم گرفت. بسیاری از خانواده‌ها مشکلات زندگی زناشویی را به دست گذر زمان می‌دهند که به گفته خودشان بعداً درست می‌شود، بعداً با آمدن فرزند بهبود پیدا می‌کند، اما بی‌اهمیت جلوه دادن مشکلات و مسائل و موکول کردن آنها به گذشت زمان می‌تواند سایه مشکلات را گسترده‌تر کند. در جامعه امروز تعهد به زندگی برای زنان به همان شکل که برای خیلی از زنان قدیمی‌تر که دارای قداست و ارزش بود،

در این تحقیق همچنین مشخص شد نه تنها طلاق سطح اعتماد اعضای خانواده را کاهش می‌دهد، بلکه باعث می‌گردد یکی از طرفین یا هر دو به طور قابل ملاحظه‌ای احساس پوچی کنند. این تحقیق مدلی را نشان می‌دهد که در آن افراد از هم جدا شده به علت کاهش اعتماد محتاج همیاری و کمک هستند. گذشته از این طلاق پدیده‌ای است که بر تمامی جوانب جمعیت یک جامعه اثر می‌گذارد، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد، یعنی واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد، از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت نیز اثر می‌گذارد، زیرا موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه گردند که احتمالاً فاقد سلامت کافی روانی در احراز مقام شهروندی یک جامعه‌اند. بنابراین آسیب اجتماعی ناشی از این اقدام نه تنها متوجه اعضای خانواده، بلکه متوجه کل جامعه و نسل آینده می‌باشد.

۲- ابعاد مختلف آسیب‌های ناشی از طلاق:

«پل بوهامون» نشان داده است که طلاق بدان سبب مسئله غامضی است که همزمان شش بعد را در نظر می‌گیرد، این ابعاد عبارتند از:

۱-۲- طلاق عاطفی:

طلاق از نظر لغوی به معنی رها شدن می‌باشد و در اصطلاح عبارت از پایان دادن زناشویی به وسیله زن و شوهر. طلاق را اغلب راه حل رایج و قانونی عدم سازش زن و شوهر، فروریختن ساختار زندگی خانوادگی، قطع پیوند زناشویی و اختلال ارتباط والدین با فرزندان تعریف کرده‌اند. زن و شوهر عواطف خود را از یکدیگر





از دواج یک طلاق رخ می‌دهد»، «افزایش ۲۰ درصدی طلاق» و «درصد افزایش بالای طلاق در ازدواج‌های دانشجویی»، نباشیم.

۲-۲- طلاق اقتصادی:

وقتی خانواده‌ای از هم می‌پاشد، تصفیه اقتصادی یعنی تقسیم اموال و دارایی آنها در دو سهم ضرورت پیدا می‌کند.

۲-۳- طلاق قانونی:

در دادگاه پایان رسمی ازدواج و همراه آن شرایط اجازه ازدواج مجدد برای طرفین اعلام می‌گردد.

۲-۴- طلاق توافقی والدین:

تصمیماتی که درباره حضانت فرزندان، دیدار بعدی آنان، مسئولیت‌های هر یک از والدین از نظر مالی و تربیت کودکان و غیره اتخاذ می‌گردد.

۲-۵- طلاق اجتماعی:

تغییراتی است که در رابطه با دوستان و آشنایان اتفاق می‌افتد، به این معنا که چون از وقوع طلاق اطلاع پیدا می‌کنند، هر یک به گونه‌ای واکنش نشان می‌دهند.

۲-۶- طلاق روانی:

وقتی ازدواجی گسسته شد، احساس همدلی از بین می‌رود و مفهوم «خود» تغییر می‌کند. در اینجا طرفین باید درک کنند که دیگر هیچ کدام یک پیوند را تشکیل نمی‌دهد، زیرا هر یک خود را تنها می‌بیند و این تنهایی برای هر یک از آنان

همچنان قداست و ارزشمند است و اغلب زنان امروز به هیچ طریق حاضر نیستند کانون خانواده را رها کنند. در این شرایط بیشترین آسیب به روح و روان کودک وارد می‌شود و اوست که باید این شرایط را تحمل کند. در این اوضاع نابسامان کودک قربانی تسویه حساب‌های والدین می‌شود. کودکان طلاق اگر در ظاهر سالم بمانند و به معضلات اجتماعی از قبیل جرایم و جنایات، مواد مخدر و الکل و غیره کشیده نشوند باز شادی و سرزندگی خود را از دست می‌دهند و مسلماً نمی‌توانند پدر و مادرانی بهتر از پدر و مادران خود برای فرزندانشان باشند. این کودکان در شرایط پیش آمده زندگی خود احساس تنهایی، سرخوردگی و بی‌پشتوانگی می‌کنند.

این موارد در جامعه ما بسیار دیده می‌شود، شاید بتوان گفت این موارد ذکر شده قطره‌ای در یک دریاست. به هر حال باید توجه داشت که جلوگیری از طلاق، شاید غیرممکن باشد اما حداقل می‌توان راهکارهایی جست تا به وسیله آنها بتوان از مضرات این معضل کاست. در واقع می‌توان این‌گونه بیان کرد که ما باید بیش از هر چیز به فکر بازخوانی فرهنگ طلاق در جامعه باشیم، باید سازمان‌هایی شکل گیرند که بتوانند به خوبی انگیزه‌های طلاق در خانواده‌ها را بررسی کنند و بتوانند آنها را از این کار بازدارند و نیز بتوانند به درستی ارزیابی کنند که کدامیک از والدین شایستگی قبول و نگهداری فرزند خود را می‌توانند داشته باشند، شاید تا حدودی با این کار بتوان از دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های جامعه کم کرد.

به امید روزی که در مطبوعات دیگر شاهد تیرهایی مثل «به ازای هر ۴





یک «ضربه» است.

آمار رسمی طلاق نشان دهنده میزان ناکامی زوجین در زندگی زناشویی نیست. این آمار شامل افرادی که از یکدیگر جدا زندگی می‌کنند، اما به طور قانونی طلاق نگرفته‌اند، نمی‌شود. علاوه بر آن افراد زیادی وجود دارند که از زندگی مشترک خود راضی نیستند، اما به دلایل مختلف از هم جدا نمی‌شوند. آنها نگران پیامدهای عاطفی، مالی، اجتماعی و فرهنگی طلاق هستند و ترجیح می‌دهند به خاطر فرزندانشان به زندگی مشترک ادامه دهند. به این ترتیب آمار رسمی طلاق در جامعه درصد ناچیزی از تعداد خانواده‌هایی که در شرایط «طلاق عاطفی» به سر می‌برند را نشان می‌دهد.

کارشناسان معتقدند عوامل مختلف اجتماعی در افزایش میزان طلاق نقش دارد. به اعتقاد آنها به تدریج که زنان از نظر اقتصادی مستقل می‌شوند آمار طلاق نیز افزایش می‌یابد. با افزایش سطح درآمدها زنان مجبور به تحمل نارسایی‌های زندگی مشترک برای تامین مایحتاج اولیه زندگی خود نیستند.

محمد اکبری (آسیب شناس اجتماعی) در این باره می‌گوید: «معمولاً بیشتر ازدواج‌ها بر پایه عشق و علاقه صورت می‌گیرد، اما همیشه آینده مطابق با آن چه فکر می‌کنیم پیش نمی‌رود و گاهی در زندگی مشترک اتفاقاتی رخ می‌دهد که باعث می‌شود به ناگاه تمام تصورات ما فرو بریزد. در این شرایط اگر دو طرف نتوانند بنا به شرایطی که وجود دارد از هم جدا شوند به ناچار مجبور خواهند شد با سخت‌ترین شرایط تا پایان عمر، زندگی خود را با طلاق عاطفی سپری کنند.

وی درباره عواقب چنین روندی در زندگی توضیح می‌دهد: «تفاوت‌های فردی یک اصل مسلم غیرقابل انکار است که برای نظام اجتماع و طبیعت ضروری است و به پیروی از این اصل طبیعی اگر هم بین زن و شوهر اختلاف وجود داشته باشد این اختلاف‌ها می‌تواند با گذشت و چشم‌پوشی برطرف شود. در حالی که اگر این فاصله زیاد شود عوارضی متوجه زن و مرد و فرزندان می‌شود و البته اگر بالاخره جدایی رخ دهد به خصوص در ایران بیشترین عوارض جدایی را زن متحمل



انتظار داشت که یکی از زوجین تحقیر و تهدید کند و در عوض، انتظار لطف و محبت داشته باشد. اگر بر خانه و در خانه‌ای روح زندگی و جوهر معنی‌دار زندگی حاکم نباشد، آن زندگی، شکل زندگی دارد ولی خود زندگی نیست. بنابراین بر هر زنی و هر مردی لازم است که با خود بیندیشند رمز آرامش و ثبات و خوشبختی چیست؟ این رمز کلمه‌ای ۵ حرفی است: «تفاهم!». تفاهم همان واژه آشنا و دوست‌داشتنی است که بارها و بارها در زندگی خود شنیده‌ایم و یا به کار گرفته‌ایم. از بسیاری از زوج‌های خوشبخت اگر پرسیده شود رمز موفقیت و آرامش در زندگی‌شان چیست، بی‌شک به عنوان کلمه‌ای جادویی این کلمه را بر زبان جاری خواهند ساخت: «تفاهم» و «تفاهم». زن و مرد با هم تفاوت‌هایی دارند و مطلع بودن از کم و کیف این تفاوت‌ها راهگشای تفاهم آنهاست. زوجین گاهی اوقات از دست شریک زندگی خود عصبانی یا کلافه می‌شوند. چرا که انتظار دارند همسرشان عینا همانند خودشان باشد. در یک کلام، شناخت خصوصیات و ویژگی‌های زنان و مردان می‌تواند گستره تفاهم را در زندگی مشترک بیشتر و وسیع‌تر نماید. زمانی که زن و مرد قادر باشند به یکدیگر احترام بگذارند و تفاوت‌هایشان را بپذیرند، خوشبختی نیز با تمام زیبایی و شکوهش فرصتی برای شکوفایی پیدا خواهد کرد.

۳- بچه‌های طلاق، قربانیان

ناسازگاری والدین:

طبق آخرین آمار ارائه شده از سوی رئیس مجتمع قضایی شماره ۲ خانواده، ۶ میلیون زن مطلقه در کشور وجود دارد. این به گواهی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان،

می‌شود. آن هم به دلیل نوع نگاه جامعه به قشر زن، محدودیت‌های اجتماعی و نوع نگاه مردان به زنان مطلقه، که آنها را در وضعیت دشواری قرار می‌دهد که به همین دلیل هم بسیاری از زنان ترجیح می‌دهند به زندگی مشترک ادامه دهند و با نا امنی‌های روانی و اجتماعی بعد از طلاق مواجه نشوند.»

به گفته این آسیب‌شناس، طلاق عاطفی پدیده‌ای فراگیر در کشور است، مسئله‌ای که به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، مشکلات مالی، اجبار خانواده‌ها و عوامل دیگری که اجازه جدایی زن و شوهر را نمی‌دهد، خانواده‌های زیادی را وادار می‌کند در شرایطی که زن و مرد از نظر روانی علاقه‌ای به ادامه زندگی مشترک ندارند، پس از یک دوره طولانی دعوا و کشمکش، از مرحله دشمنی و تنفر عبور کنند و به وضعیت «بی‌تفاوتی» برسند. به اعتقاد وی بی‌تفاوتی آخرین مرحله روابط بین زن و شوهر است که در آن اصل «بود و نبود» همسر فرقی برای زوجین نمی‌کند بلکه مسائل جنبی دیگر زندگی از جمله مسائل مالی و امنیت اجتماعی زن است که احساس نیاز به همسر را شکل می‌دهد. در چنین شرایطی میزان ناهنجاری‌های اجتماعی افزایش پیدا می‌کند و موجب به وجود آمدن ارتباطات خارج از چارچوب خانواده می‌شود. ضمن آن که به گفته اکبری در مرحله طلاق عاطفی اگرچه زوجین در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، ولی به لحاظ عاطفی و اجتماعی جدا هستند و در همین زمان اغلب انحرافات و آسیب‌های اجتماعی رخ می‌دهد.

با توجه به مطالب ذکر شده باید به خاطر سپرد که ارتباط، موضوعی دوسویه و جاده‌ای دوطرفه است. نمی‌توان و نباید



آنها به وجود می‌آورند. بعضی از زنان مطلقه در اثر فشارهای اقتصادی و اجتماعی درگیر جرایمی چون خودفروشی، قاچاق مواد مخدر و سرقت می‌شوند. بسیاری نیز در معرض بزه‌هایی چون خشونت‌های جنسی، تجاوز به عنف و غیره قرار می‌گیرند.

در شرایطی که جامعه دچار آنومی شده، آمار طلاق بالا می‌رود و بسیاری از خانواده‌ها از هم می‌پاشند. این مسئله به آن معنا نیست که تمامی زنانی که از همسران خود جدا می‌شوند به سمت بزه می‌روند. بسیاری از این زنان زندگی آرام و سالمی را در پیش می‌گیرند؛ اما عده‌ای که بحران‌های دیگری دارند و زمینه ارتکاب جرم در آنها وجود دارد، با پیش آمدن طلاق، برای رفتن به سمت بزه مستعدتر می‌شوند. نباید فراموش کرد که طلاق عملی مجرمانه نیست؛ اما می‌تواند عاملی محرک برای وقوع جرم باشد.

تحقیق درباره این مسئله به دلیل وجود موانع بسیار دشوار است. در جامعه ما و با توجه به فرهنگ ما، تحقیق درباره جرایم منافی عفت، کار دشواری است؛ مثلاً زنی که مورد تجاوز به عنف قرار گرفته، بندرت دست به شکایت می‌زند؛ چون احساس می‌کند چیزی به دست نمی‌آورد و آبروی خود را از دست می‌دهد. احساس می‌کند اثبات این مسئله بسیار دشوار است و اگر این اتفاق علنی شود، ممکن است دیگران به او انگ بزنند. عامل فرهنگی، مهم‌ترین مانع تحقیق در این زمینه است. اطلاعاتی که درباره بزه‌دیدگی زنان وجود دارد، به دلایل ذکر شده، کمتر از اطلاعات مربوط به بزهکاری زنان است.

روانشناسان در دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که عملکرد خانواده مهم‌تر از ساختار خانواده است و اگر خانواده‌ای نتواند

حکایت از وجود ۶ میلیون زنی می‌کند که هر روز با مشکلاتی تازه در جامعه دست و پنجه نرم می‌کنند. از ددرسهای اقتصادی و رفاهی گرفته تا مشکلات فرهنگی و اجتماعی. درباره وضعیت این زنان، تحقیقات میدانی و آماری بسیاری انجام شده و البته مسائلی نیز پوشیده مانده است. در جرم‌شناسی آمار جنایی را باید حدس زد، چون تنها بخشی از بزهکاران دستگیر می‌شوند و فقط قسمتی از حقیقت پیداست. آمارهای ارائه شده در این زمینه لزوماً درست نیست و می‌تواند خطاهایی داشته باشد.

اختلاف نظر بر سر آمارها همیشه وجود دارد؛ اما کارشناسان بر سر آسیب‌هایی که طلاق یکی از دلایل آنهاست، هم عقیده‌اند. میلانی با بیان این که طلاق یکی از مکروه‌ترین و منفورترین امور در دین اسلام است، می‌گوید: در جوامعی که انسان‌ها در چارچوب ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کنند، طلاق مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند. طلاق فی‌نفسه ممکن است مشکلی نداشته باشد؛ اما یک عامل محرک است و می‌تواند زمینه‌ساز اختلالات روحی و روانی و مشکلات اجتماعی باشد.

کودکان قربانیان اصلی طلاق هستند. طلاق والدین ممکن است زمینه تشویش روحی کودک را فراهم کند. وقتی شخصیت کودک دچار اختلال می‌شود، او آماده کشیده شدن به بیراهه و انجام جرم و بزه است. در واقع طلاق والدین می‌تواند عاملی زمینه‌ساز برای بزهکاری کودکان باشد.

زنان بعد از کودکان در معرض بیشترین آسیب بعد از طلاق قرار دارند: نبود تامین اجتماعی به معنای واقعی کلمه برای زنان مطلقه، به ویژه آنها که سرپرستی فرزندان را به عهده دارند، مشکلات بسیاری برای





دارند، کودکانی که بعد از طلاق با یکی از والدین زندگی می‌کنند، قادرند خود را با محیط تطبیق دهند. کودک درک می‌کند که این شرایط برای او بهتر است. هر روز دوروبرش دعوا نیست و محیطش آرام‌تر است؛ به شرطی که پدر و مادر به درستی با او رفتار کنند. به او بگویند ما همدیگر را دوست نداشتیم و نتوانستیم با هم زندگی کنیم. اما هر دو تو را دوست داریم و برای این که بهتر زندگی کنی، تمام تلاشمان را می‌کنیم. جلسات مشاوره به پدر و مادر این رفتار را یاد می‌دهد. به آنها کمک می‌کنند با استرس خودشان کنار بیایند تا بتوانند رفتار عادی با فرزند خود داشته باشند و این استرس را به او منتقل نکنند.

معمولا پدر و مادر خود را گم می‌کنند و فکر می‌کنند چون فرزندشان رنجیده، باید به همه خواسته‌هایش تن بدهند. آنها باید راه رفتار درست با فرزندشان را پیدا کنند و با او عادی برخورد کنند و مطلقا او را وارد انتقامجویی‌های خود از همسر سابقشان نکنند.

به گفته روان‌شناس، نبودن تامین اجتماعی و مشکلات رفاهی بعد از طلاق، فشار مضاعفی بر روی زنان مطلقه است که استرسشان را بیشتر می‌کند. باید قانون حمایت از زن یا مرد سرپرست تصویب شود. معمولا زنان، سرپرستی فرزندان را قبول می‌کنند و معمولا این زنان شغل

عملکرد مناسب داشته باشد، باید ساختار را شکست

در قدیم می‌گفتند ساختار خانواده باید به هر قیمتی حفظ شود. حتی اگر والدین با کودکان بد رفتاری می‌کنند، پدر بی‌مسئولیت است یا یکی از دو طرف معتاد است یا مثلا یکی از والدین، همسر خود و کودکان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. امروزه روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند آسیبی که چنین خانواده‌ای به همراه دارد، بیشتر از طلاق است.

این روان‌شناس آماری از کانون اصلاح و تربیت نقل می‌کند که به گواهی آن، نوجوانانی که در این کانون به سر می‌برند، بیشتر از خانواده‌های آسیب‌زا (با پدر و مادری که با هم زندگی می‌کنند) هستند، تا خانواده‌های طلاق.

بعد از طلاق معمولا یکی از والدین مسئولیت فرزندان را به عهده می‌گیرد؛ اما قبل از آن والدین سرگرم دعوا و جدال هستند و برای بچه‌های خود وقت ندارند. البته در ایران، بعد از طلاق تازه دعوی والدین شروع می‌شود و این آغاز مصیبت است. این مسئله در کتاب بچه‌های طلاق نوشته دکتر تاپیر نیز نقل شده است.

در فرهنگ ما مشاوره قبل و بعد از ازدواج و قبل و بعد از طلاق وجود ندارد، معمولا ما نمی‌دانیم برای چه ازدواج می‌کنیم و نمی‌دانیم برای چه طلاق می‌گیریم. طلاق بد است؛ اما به هر حال وجود دارد و حال که وجود دارد، باید طرز برخورد با آن را بیاموزیم تا اثرات منفی‌اش را کمتر کنیم. باید جلسات مشاوره اجباری برای والدین در آستانه طلاق برگزار شود تا آنها بدانند بعد از طلاق چگونه با یکدیگر و فرزندان خود رفتار کنند.

کودکان از سنین ۷ به بالا سازش بیشتری





قشر یا طبقه و یا گروهی را نمی‌توان در جامعه امروز یافت که از اپیدمی طلاق در امان باشد. از سطح تحصیلکرده‌ها تا بی‌سواده‌ها، از سطح ثروتمند ها تا فقیرها و یا از دیندارها تا بی‌دین‌های افراد جامعه از عارضه طلاق مصون نمانده‌اند. از سوی دیگر، طلاق یک پدیده چند بعدی و چند علتی است. بنابراین محدود به یک علت خاص نظیر اقتصاد نمی‌باشد.

چرا طلاق در جامعه ما رو به افزایش است؟ چه عواملی در رشد طلاق دخالت داشته‌اند؟

مسئله طلاق هم فکر مسئولین جامعه را به خود مشغول کرده و آنها را نگران کرده است، هم دل مشغولی تعدادی از دانشگاهی‌ها و پژوهشگران حوزه خانواده شده است. و همه در صدد یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها و ارائه راه‌حلهایی برای خروج از این مقوله آسیب‌زا هستند.

در طی چند سال پژوهش پیرامون خانواده به صورت غیر مستقیم و از زاویه‌های دیگر یعنی مطالعه پیرامون عوامل رضایت از زندگی ناشویی (منادی، ۱۳۸۳) به این امر علاقه‌مند شده‌اند یقیناً نه ادعای پاسخگویی کامل به این

ندارند و مهریه و نفقه خود را هم برای طلاق گرفتن بخشیده‌اند. وظیفه دولت است تا از این زنان حمایت کند و لاقبل محلی برای زندگی در اختیار آنها قرار دهد. برایشان کار پیدا کند و در برابر خطراتی که در انتظار آنهاست، حمایتشان کند.

دولت باید صدور طلاق را منوط به گذراندن جلسات مشاوره رایگان کند. بسیاری از مردم استطاعت مالی یا فرهنگ شرکت در کلاس‌های مشاوره را ندارند. اگر این جلسات اجباری و مشمول بیمه باشد، والدین هم دریغ نمی‌کنند. مهم‌ترین راه کم کردن آسیب‌های طلاق روی فرزندان و زنان، آموختن راه درست برخورد با طلاق است. برای کنترل کردن نرخ طلاق و اثرات منفی آن باید مجموعه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی انجام داد.

۴- طلاق و خانواده‌های ایرانی:

چند سالی است که اختلافات زندگی ناشویی در جامعه ما بیشتر شده و به دنبال آن، درصد طلاق رو به افزایش است. بنابراین، طلاق به مفهوم دورکیمی (۱۹۸۷) به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده است. بدین معنی که از سویی،



در هدایت و کنترل رفتارها و اعمال انسان‌ها دارند.

اما ضمن این که هر فردی عادت‌وارهٔ مخصوص به خود را دارد، ولی عناصری از عادت‌واره‌های تعدادی از افراد مشترک و با یکسان می‌باشند. در این حالت به زعم وی عادت‌وارهٔ طبقاتی وجود دارد. مانند عادت‌واره‌های ذوقی و انتخاب‌هایی که عاملان اجتماعی در عرصهٔ متنوع رفتارها همچون، غذاخوردن و نوع آن، ورزش کردن و نوع آن، موسیقی نواختن و سیاست ورزیدن و غیره صورت می‌گیرد. بنابراین، ما در مقابل عادت‌واره‌های طبقاتی قرار می‌گیریم که مشترکات و هماهنگی‌های زیادی با یکدیگر دارند. اما چگونه سرمایه‌های فرهنگی و عادت‌واره‌ها می‌توانند در چگونگی تشکیل ازدواج و فرایند آن نقش داشته باشند، مسئله‌ای است که در سطور بعدی به آن می‌پردازیم.

زنظر به تا واقعیت

غالباً ازدواج به دو صورت شکل می‌گیرد. زمانی که دختر و پسر در محیط‌های اجتماعی مانند دانشگاه‌ها، محیط‌های کاری و مهمانی‌ها با یکدیگر آشنا شده، و این رابطه به ازدواج ختم می‌شود. اینگونه ازدواج‌ها به غلط به «ازدواج خیابانی» معروف بوده که ما آنها را ازدواج مدرن می‌نامیم. اکثر این‌گونه ازدواج‌ها ناموفق هستند و در این بخش است که بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته درصد طلاق بسیار بالا می‌باشد. دستهٔ دوم آنهایی که به صورت سنتی از طریق معرفی خانواده‌ها با هم آشنا شده و در نتیجه ازدواج می‌کنند. در حالت اول دختر و پسر در ابتدا بیشتر بخش‌های فرهنگی شدهٔ سرمایه‌های فرهنگی (مدارک تحصیلی و یا مهارت‌هایی مانند

پرسش‌ها را داشته و نه علل مختلفهٔ این موضوع را کاملاً شناسایی کرده است. ولی در پی نتایج پژوهش‌های کیفی (منادی، ۱۳۸۵) صورت گرفته پیرامون خانواده می‌توان بخشی خاص را از دیدگاهی خاص در سطح طرح مسئله عنوان کرد. بدین منظور به کمک طرح یک نظریهٔ جامعه‌شناسی تلاش می‌کنیم تا حدودی مسئلهٔ طلاق را کالبدشکافی کرده و توضیح دهیم.

پیر بوردیو جامعه‌شناس شهیر و معاصر فرانسوی معتقد است که هر انسانی دارای یک عادت‌واره (Habitus) می‌باشد. (بوردیو، ۱۹۸۹) منظور از عادت‌واره، مجموعهٔ طرح‌واره‌هایی است که یک انسان در طول زندگی خود بر اساس برخورد با محیط‌های مختلف مانند: خانواده، رسانه‌ها، نهاد آموزش و پرورش و گروه همسالان کسب می‌کند. این طرح‌واره‌ها مانند: چگونه غذاخوردن، چگونه پوشیدن، چگونگی ارتباطات اجتماعی، ذوقیات، مشغولیات انسان می‌باشند. طبق نظریهٔ بوردیو عادت‌وارهٔ هر فرد، نیروی محرکهٔ اعمال و رفتار روزمرهٔ اوست که در مرکز سرمایه‌های فرهنگی‌اش (Capital Culture) جای دارد. منظور از سرمایه‌های فرهنگی، طبق نظر بوردیو، ترکیبی از عادت‌واره، شناخت‌ها، آگاهی‌ها، آموزش‌ها و مدارک تحصیلی می‌باشد. (بوردیو، ۱۹۸۹) این شناخت‌ها و آگاهی‌ها می‌توانند به صورت کلاسیک و آکادمیک در آموزشگاه‌ها کسب شده باشند و یا به صورت خودآموزی (Autodidacte) و یا غیر کلاسیک آموخته شده باشند. در هر صورت به زعم بوردیو، سرمایه‌های فرهنگی و عناصر سازندهٔ آنها مقوله‌هایی اکتسابی و آموختنی هستند. ولی به باور وی عادت‌واره‌ها نقش مهم‌تر و جدی‌تری



نیز بر اساس عادت واره‌های خانوادگی با یکدیگر آشنا شده و برخورد می‌کنند. در این حالت، ممکن است که سرمایه‌های فرهنگی زوجین از کمی تا خیلی متفاوت باشند. ولی در ابتدای زندگی نیز این تفاوت‌ها خود را کم نشان می‌دهند و در صورت بروز نیز، قابل اغماض هستند. لذا، تعارض کمی هم در زندگی مشترک به وجود می‌آورد. ولی چون سرمایه‌های فرهنگی نهادی بیشتر روینایی هستند و بیشتر در سطح جامعه و محیط‌های عمومی و بیرونی، خود را در قالب شغل و حرفه فرد نشان می‌دهند، به صورت حاشیه در زندگی باقی می‌مانند و عادت واره‌ها در مرکز زندگی فعالیت می‌کنند. در این حالت، تعارضات اساسی بین زن و مرد به وجود نمی‌آید و فقط در سطح کار و شغل و بحث‌های علمی و یا شغلی، سرمایه‌های فرهنگی نهادی خودنمایی می‌کنند. بنابراین، زندگی را کمتر به خطر می‌اندازند و امکان جدایی زن و مرد کمتر می‌شود. بدون اینکه از اهمیت تفاوت بین سرمایه‌های فرهنگی نهادی زوجین کاسته شود و یا نادیده گرفته شود.

در نتیجه، می‌توان گفت در صورتی که زوجین بتوانند از دیدگاه عادت واره‌ها که زیر بنایی‌تر هستند با یکدیگر آشنا بشوند، خطرات کمتری زندگی آنها را تهدید می‌کند. با توجه به این که سرمایه‌های فرهنگی نهادی اکتسابی هستند، بعدها زن و مرد می‌توانند تلاش کنند تا سرمایه‌های فرهنگی نهادی مشابهی را کسب کنند و به وجود بیاورند. ولی در صورت سرمایه‌های فرهنگی نهادی یکسان کار سخت و مشکل‌تری (و نه غیر ممکن) پیش روی زوجین وجود دارد تا عادت واره‌های یکسانی را به وجود بیاورند.

هنر و غیره) خود را به نمایش گذاشته و به یکدیگر نشان می‌دهند. یعنی، از دیدگاه سرمایه‌های فرهنگی نهادی شده‌شان با یکدیگر برخورد می‌کند و خیلی کمتر صحبت از عادت‌واره‌های آنها می‌شود. چون غالباً در این بخش، سرمایه‌های فرهنگی نهادی شده با یکدیگر تفاهمی بین زن و مرد به وجود می‌آورد. به دلیل اینکه در یک محیط کاری و یا علمی همسان هستند. برای مثال دانشجویان در حالت کلی و دانشجویان بر اساس رشته یکسان که در نتیجه دارای سرمایه‌های فرهنگی نهادی مشابه هستند. در حالت دوم چون خانواده‌ها ابتدا با یکدیگر برخورد می‌کنند. آنها بیشتر عادت واره‌های خود را نشان می‌دهند. اصلاً بر اساس عادت واره‌های یکسان، خانواده‌ها غالباً با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

در حالت اول بعد از اینکه دختر و پسر با یکدیگر آشنا شده، و زندگی مشترک را شروع کردند، کم‌کم عادت‌واره‌ها طبق گفته بورديو در عمل خود را نشان می‌دهند و رفتار افراد را هدایت می‌کنند و سرمایه‌های فرهنگی به کناری می‌روند و یا کم‌رنگ‌تر می‌شوند. به دنبال آن، اگر تضادی در عادت واره‌ها وجود داشته باشد که غالباً دارد، تضادها خودنمایی می‌کنند و اختلاف‌ها کم‌کم خود را نشان می‌دهند. این در حالی است که همچنان سرمایه‌های فرهنگی نهادی با یکدیگر هماهنگ هستند. ولی عادت واره‌ها در زندگی روزمره، بیشتر خود را مطرح می‌کنند. بدینسان، در این حالت امکان بالارفتن اختلافات بین زوجین افزون‌تر شده و طلاق بیشتر می‌شود.

اما در حالت دوم که والدین غالباً بر اساس هم‌طبقه بودن یعنی عادت‌واره‌های طبقاتی با یکدیگر برخورد کرده‌اند، فرزندان آنها



که دخالت دیگران در زندگی زوجین مانند اقوام و آشنایان، خانواده شوهر یا زن باعث به وجود آوردن اختلافات بین زن و شوهر می‌شود و در نهایت به طلاق و جدایی منجر می‌گردد. شوهر یا زن مخصوصاً در اوایل زندگی مشترک توسط دیگران به صورت ناشیانه راهنمایی و یا تحریک می‌گردند. گاهی اوقات اطرافیان علیرغم میلشان، در زندگی مشترک زوجین اختلاف به وجود می‌آورند. در استحکام و انحلال بنیاد خانواده، عوامل متعدد دخالت دارند و هر یک از عوامل اثرات گوناگون آنی یا تأخیری در زندگی طرفین به جای می‌گذارد. به عنوان مثال دیدگاه و انتظاراتی که خانواده مرد از عروشان دارند و یا حس رقابت و حسادت نسبت به عروس و اینکه به او به چشم شخصی که پسرشان را از آنها گرفته است می‌نگرند. سپس با راهنمایی و تحریک پسرشان زمینه ساز، مخالفت بین او و همسرش می‌شوند و در درازمدت سلامت خانواده او را تهدید می‌کنند و در نتیجه تأثیر عمل آنها به شکل طلاق و جدایی پدیدار می‌شود.

۳-۵- مسائل اقتصادی و مالی:

زندگی زناشویی بر پایه اشتراک بنا شده است. وقتی که زندگی مشترک آغاز می‌شود یعنی اینکه زن و مرد در همه چیز با هم مشترکند. به همین دلیل به کاربرد عباراتی مانند «مال من»، «مال تو» و نظایر آن پایه اشتراک را متزلزل و به تفرقه و جدایی مبدل می‌سازد. زن و شوهر جوان آگاه باید روی این عبارات را خط بطلان بکشند و آنها را به «مال ما»، «مسئله ما» و «مشکل ما» تبدیل کنند. ازدواج هایی که بر پایه انگیزه های مادی و ثروت زن یا شوهر پی ریزی شده باشد، بعد از مدتی از هم می‌پاشد

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که به نظر می‌رسد در جامعه فعلی ماهنوز ازدواج سنتی یعنی با عادت واره های یکسان آغاز کردن، امکان زندگی شادتر و مطمئن تری را نسبت به ازدواج مدرن به همراه می‌آورد.

۵- عوامل تهدید کننده پایداری

خانواده:

۱-۵- اختلاف فرهنگی و طبقاتی:

در بیشتر موارد فرهنگ زن یا مرد به دلیل عدم تناسب یا تضاد، باعث به خطر انداختن بنیان خانواده می‌شود. برای مثال ناهماهنگی فرهنگی و طبقاتی زن و شوهر (مانند فرهنگ شهری در مقابل فرهنگ روستایی یا فرهنگ دو شهر متفاوت) گاهی باعث تهدید بنیاد خانواده می‌گردد. گاهی دختری یا پسر فرهنگ و عقیده و طبقه خود را جدا و متفاوت از خانواده خود و شهری که در آن بزرگ شده‌اند نشان می‌دهند و یا این گونه تظاهر می‌کنند. اما مدتی بعد از ازدواج این پرده کنار می‌رود و شخص به اصل خودش باز می‌گردد. بنابراین فرهنگ خانواده و طبقه خانواده تأثیر مستقیم بر شخصیت فرد دارند و به هنگام ازدواج طرفین باید سطح و فرهنگ خانواده یکدیگر را به دقت بررسی کنند و در مورد آن شناخت پیدا کنند.

گاهی زن و شوهر در ظاهر زیر یک سقف با یکدیگر زندگی می‌کنند، اما روح آنها از همدیگر فاصله دارد. زیرا اختلاف فرهنگی و فکری بین آنها در کلیه مراحل زندگی آنها تأثیر می‌گذارد و فضای روانی و عاطفی نامساعدی برای آنها به وجود می‌آورد و طرفین را از یکدیگر متنفر می‌سازد.

۲-۵- دخالت دیگران:

تحقیقات انجام شده در ایران درباره علل طلاق، این حقیقت را نشان می‌دهد



شود و سرنوشت فرزندان به خطر افتد.

۵-۶- سوء تفاهم ها و سوء ارتباطات: سوء تفاهم از موارد دیگر آسیب پذیر بودن بنیان خانواده است. بنابراین هر یک از زن و شوهر به سهم خود مسئولیت دارند که از به وجود آمدن سوء تفاهم‌ها و سوء ارتباطات جلوگیری کنند و در اولین فرصت ممکن به حل و فصل آنها بپردازند. هر یک از طرفین به جای پیشداوری و محکوم کردن طرف خود در مورد مسئله‌ای که نسبت به آن مردد شده‌اند، بهتر است با صحبت کردن و طرح مسائل با یکدیگر مشکل را رفع کنند. گاهی یک سوء تفاهم ساده در صورت حل نشدن مانند یک گلوله برفی کوچک که به تدریج به یک بهمن بزرگ تبدیل می‌گردد، بنیان زندگی زناشویی را از متلاشی می‌سازد.

۵-۷- انتقام‌گیری و بهانه جویی:

انتقام‌گیری، بهانه‌گیری و عیب جویی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زایی خانواده و روابط زن و شوهر به شمار می‌آیند. طرح مکرر «دلخوری‌ها»، نقاط ضعف و نارسایی‌ها، روابط زناشویی را تهدید و تخریب می‌کند. بنابراین به هنگام اختلاف و خطا سعی کنید تا همدیگر را عفو کنید؛ نقاط مثبت یکدیگر را ببینید و «کهنه قباله‌ها» را زنده نکنید! همچنین سعی کنید از «کاه»، «کوه» نسازید و با دیده اغماض به رفتار و گفتار همدیگر نگاه نکنید.

۵-۸- سلطه‌گری شوهر یا زن:

گاهی شوهر یا زن در زندگی مشترک، احساس سلطه جویی و سلطه‌گری دارند و نظرات خود را به خانواده تحمیل می‌کنند و فضای خانواده را به یک فضای استبدادی و نامطلوب تبدیل می‌کنند در چنین فضایی شوهر یا زن مرتب به دیگران دستور



و بنیاد خانواده را متلاشی می‌نماید. به قول قدیمی‌ها: «آدم نان خالی بخورد، اما دلش خوش باشد.» این جمله بدین معنی است که اگر نیازهای مادی انسان در حد متوسط تأمین شود، برای زندگی کافی است، اما نیازهای روانی باید در حد بالا مورد توجه قرار بگیرد.

همه افراد نیازهای مادی دارند که باید در حد تعادل برطرف شود، اما مسائل مادی نباید همه‌ی امور را تحت الشعاع خود قرار دهد. زندگی زناشویی نشیب و فراز زیادی دارد و زن و شوهر باید با رعایت صرفه جویی، و با برنامه ریزی صحیح مخارج زندگی مشترک خود را تنظیم و اداره نمایند.

۵-۴- هوسرانی و ازدواج مجدد:

تنوع طلبی، هوسرانی و ازدواج مجدد مرد یا زن باعث از هم پاشیدگی زندگی مشترک می‌شود. مرد یا زن به فرمان احساسات خود، با زن یا مرد دیگری ارتباط برقرار می‌کنند و رابطه خود را با همسرشان سست می‌نماید. در این شرایط عواملی مانند ثروت، موقعیت اجتماعی، مقام، زیبایی طرف مقابل باعث گرایش به روابطی خارج از چهارچوب خانواده یا برقراری روابط پنهانی می‌گردد. این وضعیت موجب می‌شود روابط زن و شوهر مخدوش گردد، بنیاد خانواده سست



ازدواج‌ها و طلاق‌های صورت پذیرفته به واسطه رویکردهای سنتی، فرهنگ قومی و عدم آشنایی و دسترسی آسان به سیستم اداری و ثبتی جامعه صورت نمی پذیرد. به عنوان نمونه:

بررسی میانگین نسبت طلاق به ازدواج به تفکیک استان‌ها طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ بیانگر آن است که استان‌های تهران، کرمانشاه و کردستان بالاترین درصد طلاق به ازدواج را طی سال‌های مذکور و استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد و چهارمحال و بختیاری و ایلام و گلستان پایین‌ترین درصد طلاق به ازدواج را داشته‌اند. در هر صورت تعداد واقعه طلاق در طی سه دوره سرشماری ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ همواره روند افزایشی را نشان می‌دهد و بدون شک سرشماری ۱۳۸۵ نیز حکایت از افزایش این پدیده اجتماعی دارد.

۷- دیگر علل و عوامل مؤثر بر طلاق:

در کشور ما عوامل متفاوت اجتماعی و فردی در بروز پدیده طلاق مداخله می‌نمایند. گرچه نقش عوامل مختلف براساس نظام فرهنگی - شخصیتی و ساختار روابط اجتماعی و الگوهای هنجاری در اجتماعات و ادوار گوناگون، تفاوت‌های زیادی دارد. اما تأکید بر مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در شناخت زیرساخت‌های طلاق بسیار گره‌گشا است. بر این اساس مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر طلاق را می‌توان بر اساس محورهای ذیل دسته بندی نمود.

۱. عوامل اقتصادی مؤثر بر طلاق
۲. عوامل شخصیتی مؤثر بر طلاق
۳. عوامل ارتباطی بین زوجین
۴. عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق

۱-۷- عوامل اقتصادی مؤثر بر طلاق:
در بررسی علل و عوامل اقتصادی مؤثر

می‌دهند، امر و نهی می‌کنند، اعضای خانواده را تهدید می‌کنند و یا اجازه اظهار نظر به دیگران نمی‌دهند. این وضعیت سلامت خانواده را به خطر می‌اندازد و اعضای خانواده احساس حقارت می‌کنند. نتیجه این وضع، سرکشی، نافرمانی و لجابت در رفتار اعضای خانواده خواهد بود. در چنین خانواده‌ای مشارکت و مشاورت معنا ندارد و شوهر یا زن تنها تصمیم گیرنده و همه کاره است. بنابراین «مرد سالاری» یا «زن سالاری» اساس خانواده را متزلزل می‌کند و باعث ایجاد اختلافات خانوادگی شدیدی می‌شود.

۶- آمارها و اطلاعات موجود در رابطه

با طلاق:

طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی که در برگیرنده انحلال قانونی ازدواج و جدایی زن و شوهر می‌باشد، به لحاظ تأثیرات گسترده در روند رشد جمعیت و همچنین دگرگونی ساختار خانواده حائز اهمیت به سزایی می‌باشد. به واسطه همین امر، سازمان ثبت احوال در کنار درج دو واقعه مرگ و میر و ولادت به ثبت آمار ازدواج و طلاق‌های جاری سالانه می‌پردازد و این آمارها به عنوان منبع بررسی‌های کارشناسی توسط صاحب نظران و محققان مورد بهره‌برداری واقع می‌شوند. البته به واسطه عدم دسترسی به تعداد واقعی افراد در معرض ازدواج، ویژگی‌های افراد مطلقه، عدم دسترسی به اطلاعات مربوط به سایر تحولات جمعیتی همچون نرخ رشد جمعیت آمارهای مذکور به تنهایی بیانگر تصویر واقعی جامعه نخواهند بود. خاصه آنکه در برخی از مناطق مرزی همچون سیستان و بلوچستان، کهکلیوبه و بویراحمد و ایلام ثبت دقیق آمار



فکری، ضعف یا عدم آمادگی لازم برای پذیرش مسئولیت همسری، خست مردان در مقابل توقعات زنان، اثرپذیری بیش از حد یکی از طرفین از خانواده خود، نگرش منفی به جنس مخالف، بدبینی و وسواس رفتاری، علاقه بیش از حد به کار در مقابل بی توجهی به خانواده از جمله علل و عوامل شخصیتی مؤثر بر طلاق محسوب می‌گردند.

۳-۷- عوامل ارتباطی بین طرفین:

سوءظن و بدبینی‌های کاذب، بی‌اطلاعی و یا عدم انطباق بین انتظارات و مسئولیت‌های متقابل، بی توجهی به تأمین نیازها و انتظارات متقابل، درک نامتوازن از نقش زن و مرد در زندگی مشترک، خودمحوری، فقدان گذشت، غرورهای کاذب، لجاجت‌های کودکانه، پرده‌داری متقابل و عدم تأمین احترام متقابل، میل به انتقامجویی، حساسیت‌های بیش از حد، افزایش فاصله روانی بین زوجین، پرخاشگری و مجادله دایمی بین زوجین، دخالت‌های اطرافیان، نارضایتی از روابط جنسی، بی‌علاقگی به همسر و تمایل به دور بودن از وی برای مدت طولانی، وابسته کردن فرزندان به خود و افزایش فاصله آنها با همسر، ضرب و شتم همسر، تماشای فیلم‌های غیراخلاقی، بدرفتاری با فرزندان، ارتباط بیش از حد با دوستان و رفقا (رفیق بازی)، اعتقاد بیش از حد به فرهنگ مردسالاری یا زن‌سالاری، عدم آگاهی زن و مرد نسبت به تعهدات و رسالتی که بر عهده دارند، عدم درک متقابل از جمله عوامل ارتباطی مؤثر بر بروز طلاق محسوب می‌شوند.

۴-۷- عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق:

مواردی همچون اختلاف فرهنگی و سطح طبقاتی بین خانواده‌های زوجین،

برطلاق می‌توان موارد ذیل را از جمله متغیرهای مؤثر در بروز پدیده طلاق دانست.

بحران اقتصادی و عدم تأمین معیشت و فقر، پایین بودن سطح درآمد خانوار، بیکاری، مسکن نامناسب، ضعف یا فقدان ثبات شغلی، ورشکستگی و بدهکاری، عدم پرداخت نفقه از سوی مرد.

بررسی میانگین نسبت طلاق به ازدواج به تفکیک استان‌ها طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ نیز بیانگر آن است که استان‌های تهران، کرمانشاه و کردستان بالاترین درصد طلاق به ازدواج را طی سال‌های مذکور و استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد و چهارمحال و بختیاری و ایلام و گلستان پایین‌ترین درصد طلاق به ازدواج را داشته‌اند.

۲-۷- عوامل شخصیتی مؤثر بر طلاق:

فقدان مهارت کافی برای شروع زندگی، فقدان آگاهی از اصول و بنیان‌های حل مسئله بین زوجین، ضعف اعتماد به نفس و خودباوری در زوجین یا یکی از آنها، فقدان پای‌بندی فرد به اصول اخلاقی انفعال‌پذیری و کنش‌پذیری یکی از زوجین، فقدان قدرت ارتباطی و مفاهمه بین دو طرف، ضعف یا فقدان قدرت تصمیم‌گیری و تزلزل شخصیتی، تغییر در شیوه زندگی، افسردگی، فقدان صداقت بهنگام شکل‌گیری روابط زناشویی و آشکار شدن صورت‌های پنهان زندگی زوجین، اختلاف سنی، اختلاف فرهنگی، تربیتی اجتماعی بین زوجین، ارائه چهره‌های غیرواقعی از خود در قبل از ازدواج، ازدواج در سن پایین و ناپخته بودن افراد، کاهش پای‌بندی به ارزش‌های مذهبی و دینی، اعتیاد، اخلاق و وضعیت روحی و روانی هر دو شخص، عدم رشد عقلی و بلوغ





وسواس رفتاری، علاقه بیش از حد به کار در مقابل بی توجهی به خانواده از جمله علل و عوامل شخصیتی مؤثر بر طلاق محسوب می گردند.

۸- آثار و پیامدهای ناشی از طلاق:

طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی می تواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدهای متفاوت و بعضاً زمینه بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی دیگر در سطوح فردی و سطوح اجتماعی فراهم آورد. از یک سو این آثار و پیامدها می تواند عوارضی را برای زنان و مردان و از سوی دیگر برای فرزندان به همراه داشته باشد.

الف: آثار و عوارض منفی طلاق بر زنان مطلقه:

مشکلات اقتصادی و معیشتی، تن دادن به ازدواج های موقت و یا خارج از عرف اجتماعی، افسردگی، سرخوردگی و کاهش رضایت از زندگی، پذیرش نقش های چندگانه و تعدد نقش ها، روی آوردن به آسیب هایی همچون قتل، خودکشی، اعتیاد، فحشا، سرقت، انزوا و اختلال در مناسبات و تعاملات اجتماعی، مشکلات جنسی و روی آوردن به انحرافات جنسی و فساد اخلاقی، مشکلات ناشی از

تغییر ساختار سنی و جنسی ناشی از افزایش جمعیت، بالا رفتن سطح انتظارات جوانان، نبود یا ضعف فرهنگ گفت و گو و تعامل در اجتماع، تسلط فرهنگ مردسالاری، فرزندسالاری و یا زن سالاری در خانواده ها، گسترش و شیوع نامناسب استفاده از وسایل ارتباط جمعی، تغییر و تحولات شدید اجتماعی و گسترش سایر آسیب های اجتماعی همچون اعتیاد، بی توجهی جوانان به روش های پسندیده انتخاب همسر و جایگزینی ازدواج های خیابانی، تلفنی و اینترنتی به جای روش های پیشین ازدواج و کاهش نقش مشورتی والدین در انتخاب همسر و ازدواج، مهاجرت های بی رویه از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، رشد فزاینده کلان شهرها و کاهش سیستم های کنترل اجتماعی غیر رسمی در جامعه، کاهش پیوندهای اجتماعی و به ویژه فروپاشی منابع سرمایه اجتماعی، بی بهرگی جوانان از سرمایه های فرهنگی مناسب، چند همسری و ازدواج مجدد از جمله متغیرهای مؤثر بر طلاق در حیطه اجتماعی می باشند. اثرپذیری بیش از حد یکی از طرفین از خانواده خود، نگرش منفی به جنس مخالف، بدبینی و





و بدبینی نسبت به دیگران، فرار از منزل، ترک تحصیل و افت تحصیلی، بزهکاری و کجروی های اجتماعی (قتل، دزدی، فحشا و ...) ازدواج زودرس به ویژه برای دختران، ضعف اعتماد به نفس، اختلال هویت، اعتیاد، فقر، ضعف سلامت جسمی و روانی (بی خوابی، سوء تغذیه، بی اشتهاپی و یا پرخوری عصبی و ...) احساس درماندگی و سرخوردگی، تجربه عقده حقارت ناشی از عدم دسترسی به محیط گرم و عاطفی خانوادگی در مقایسه با دیگران و درونی سازی عقده های منفی و ضد اجتماعی، انزوای اجتماعی، گرایش به انواع انحرافات اجتماعی به جهت ضعف کنترل رفتاری و اخلاقی توسط والدین، اجتماع ستیزی و دیگرآزاری و بروز انواع خشونت های اجتماعی.

د: عوارض اجتماعی طلاق:

گذشته از اعضای خانواده، آثار و پیامدهای ناشی از طلاق می تواند اجتماع را تحت تأثیر قرار داده و تبعاتی را در جامعه به همراه داشته باشد. افزایش جرایم اجتماعی، تزلزل اجتماعی و عدم ثبات جامعه، فروپاشی خانواده، به عنوان مهم ترین و اولین نهاد اجتماعی پایه، افزایش هزینه های اجتماعی برای جلوگیری کنترل جرایم و ناهنجاری ها و انحرافات ناشی از طلاق، افزایش کودکان خیابانی و سایر

عدم حضانت فرزندان، دلتنگی و از دست دادن سلامت روانی و جسمی و ... از جمله آثار و پیامدهایی است که زنان مطلقه با آن درگیر می باشند.

ب: آثار و عوارض منفی طلاق برای مردان:

فشارهای روحی و روانی، ابتلا به انواع آسیب ها مثل اعتیاد به مواد مخدر، الکل، اختلافات رفتاری، خودکشی، فحشا و انحرافات جنسی و قرار گرفتن در معرض انواع بیماری های عفونی و ویروسی، از دست دادن پیوندها و همبستگی با خانواده، طرد خانوادگی و اختلاف با سایر اعضای خانواده، تن دادن به ازدواج های موقت و ازدواج های ثانویه، اختلاف بین فرزندان یا همسر در صورت ازدواج مجدد، از جمله آثار و پیامدهای منفی طلاق برای مردان می باشد.

ج: آثار و عوارض منفی طلاق برای فرزندان:

آثار و عوارضی که طلاق برای فرزندان طلاق به همراه دارد از آن جهت قابل اهمیت است که می تواند زمینه بروز بسیاری از اختلالات رفتاری و روحی و روانی در آنان باشد و زندگی فردی و اجتماعی آتی آنان را به مخاطره اندازد. بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان، اضطراب، پرخاشگری و عصیان در نوجوانان، حسادت، سوء ظن



و خیابانی شدن ارتباطات و همسرگزینی، ترویج فرهنگ خودپرستی، خودبینی و خودمحوری، تغییر در الگوی مصرف رسانه‌ای که با نوعی هنجارگریزی همراه است، بی‌بهره‌گی و ضعف آگاهی زوجین از وقوف بر تکنیک‌های کنترل عصبی، درک غیر واقع بینانه از نقش همسری در دو جنس و انتظارات متقابل رشد تفکرات فمینیستی از یک سو و از سوی دیگر اعتقاد به تفکر مردسالاری و کاهش اعتقادات دینی و مذهبی در جوانان از جمله شرایط و زمینه‌هایی می‌باشند که می‌توانند شیوع و گسترش پدیده طلاق را در جامعه فراهم سازند. طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی منبعث از مجموعه علل و عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاصه مباحث فرهنگی می‌باشد و تعیین یک عامل اصلی و قطعی بروز طلاق امکان پذیر نیست.

۱-۹- راهکارهای حقوقی:

- بازنگری قوانین مربوط به حقوق خانواده خصوصاً در مورد طلاق و عوارض ناشی از آن خاصه در بحث حضانت فرزندان؛

- برقراری وحدت رویه قضایی در برخورد با مشکلات خانوادگی و پرهیز از اعمال سلیقه فردی در صدور حکم؛

- وضع قوانین جدید همراه با پیش بینی ضمانت‌های اجرایی لازم در خصوص مقابله با ازدواج‌های اجباری زود هنگام و ازدواج‌های مصلحتی همچون خون بس؛

- پیش بینی و تشدید مجازات افرادی که اقدام به همسرآزاری و اعمال خشونت در محیط خانواده می‌نمایند؛

- ایجاد و گسترش واحدهای مددکاری و

ارشاد در دادگاه‌های خانواده؛

- اجباری شدن آموزش‌های قبل از

آسیب‌های اجتماعی همچون فرار از منزل، تکدی‌گری، قتل، خودکشی، اعتیاد، قاچاق و... افزایش تعداد زنان خودسرپرست و مشکلات معیشتی، روانی اجتماعی و اخلاقی آنان و سایر نابسامانی‌های شخصیتی، اجتماعی و رفتاری افراد مطلقه و فرزندان آنان از جمله عوارض اجتماعی ناشی از طلاق می‌باشند.

۹- چالش‌ها، تهدیدها و عوامل تسهیل کننده طلاق:

شرایط، چالش‌ها و کاستی‌ها و تهدیدهای موجود می‌توانند تسهیل کننده و زمینه‌ساز گسترش پدیده طلاق در سطح جامعه باشند و در صورتی که در برنامه ریزی‌های اجتماعی مورد توجه قرار نگیرند همچنان با روند رو به رشد این پدیده روبه‌رو خواهیم بود و همان‌طور که ذکر گردید گذشته از پدیده طلاق، آثار و عوارض حاصل از این پدیده می‌تواند منجر به بروز سایر آسیب‌های اجتماعی گردد و در جامعه نوعی بحران اجتماعی و ناامنی را به همراه دارد. شیوع و گسترش بیکاری در قشر جوان، اعتیاد، اختلاف طبقاتی و پایین بودن درآمدهای خانوار و گرانی، تورم و ناتوانی مالی اکثریت جوانان، ضعف مکانیزم‌های آموزش‌های اجتماعی قبل از ازدواج و ناکارآمدی مراکز مشاوره خانواده، بی‌توجهی به تقویت بنیان‌های شخصیتی نسل جدید توسط خانواده و مدرسه، فقدان یا ضعف آمادگی و آگاهی جوانان به ویژه نسبت به تکنیک‌های ارتباطی و عاطفی، وجود برخی روحیات آسیب‌شناختی در خانواده‌ها که تسهیل کننده مداخلات آنها می‌گردد، توقعات فزاینده و پیش‌رونده زوجین از یکدیگر که با واقع‌گرایی همراه نیست، خارج شدن ازدواج از مدار هنجاری



- توانمندسازی اقتصادی خانواده ها به منظور کاهش فشارهای اقتصادی حاکم؛
 - کنترل مهاجرت بی رویه از مناطق روستایی و شهرهای کوچک به کلان شهرها؛
 - رفع تبعیضات طبقاتی و توسعه امکانات و فضاهای آموزشی، هنری، تفریحی به منظور ساماندهی اوقات فراغت خانواده ها خاصه در مناطق محروم؛
 - تقویت و توسعه طرح های پیشگیری از همسرآزاری و سازش خانوادگی با همکاری سازمان های غیر دولتی؛
 - توانمندسازی و ایجاد فرصت های اشتغال و گسترش حمایت های بیمه ای از زنان به منظور کاهش تبعات سوء طلاق.

سخن آخر:

در کنار آنچه با عنوان راهکارها و پیشنهاداتی در جهت کاهش و پیشگیری از طلاق مطرح گردید، لازم است در بررسی این پدیده توسط محققین، مسئولان و برنامه ریزان نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱- هر چند گسترش نرخ طلاق به عنوان یکی از مصادیق آسیب های اجتماعی موجبات نگرانی مسئولین و برنامه ریزان نظام رادار پی داشته است، لیکن توجه به این مسئله ضروری است که در بسیاری از موارد به رغم وجود اختلافات و ناسازگاری های مداوم و طولیل المدت زوجین و به دنبال آن ظهور پیامدهای منفی و گسترده این ناسازگاری ها در سطح خانواده و جامعه (که حتی می تواند گسترده تر از پیامدهای طلاق باشد همچون همسرکشی) طلاق رخ نمی دهد و در این شرایط بر خلاف واقعیت های لازم التوجه به واسطه عدم وجود آمار و ارقام دقیق، ناسازگاری های زناشویی نمود واقعی نداشته لذا بررسی

ازدواج به صورت قانونی.
 ۲-۹- راهکارهای آموزشی - فرهنگی:
 - آموزش شیوه های صحیح رفتاری از طریق برگزاری دوره های آموزشی قبل از ازدواج تحت عناوین آموزش مهارت های زندگی، راهبردهای ارتقای کارکرد خانواده، حقوق و تکالیف زوجین، بهداشت باروری و ...؛
 - ترویج فرهنگ مراجعه خانواده ها به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات؛
 - تقویت بنیان های مذهبی و ارزش های دینی و اخلاقی در سطح جامعه؛
 - ترویج فرهنگ همسان گزینی و تأکید بر لزوم آشنایی و شناخت خصوصیات و ویژگی های اخلاقی - رفتاری زوجین قبل از ازدواج؛
 - نفی فرهنگ جنسیت سالاری در خانواده ها از طریق آموزش روش های صحیح تربیتی؛
 - فرهنگ سازی در جهت رعایت تقوا، عدالت و پایبندی به ارزش های اخلاقی توسط همسران و اجتناب از تعدد زوجات؛
 - آموزش شیوه ها و معیارهای صحیح همسرگزینی و اصلاح روش های سنتی ازدواج؛
 - ایجاد مراکز مشاوره به ویژه در دانشگاه ها جهت بهبود فرآیند همسرآیی.
 ۳-۹- راهکارهای اجرایی:
 - ساماندهی نظام ثبت ازدواج و طلاق خاصه در مناطق محروم حاشیه ای کشور که خرده فرهنگ ها حاکم می باشند؛
 - ایجاد و گسترش مراکز مشاوره و مداخله در بحران ها و اختلافات خانوادگی؛
 - کاهش و کنترل آسیب های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده خاصه اعتیاد، بیکاری، فقر، خشونت و ... در سطح جامعه؛



ارتباط جمعی، نارسایی‌های جسمی - روانی هر یک می‌توانند به نوعی گسترش وقوع و یا احتمال طلاق را افزایش دهد. لیکن تعیین عامل اصلی بروز طلاق همان گونه که ذکر گردید امکان پذیر نیست. بنابراین می‌بایست علل واقعی طلاق را با استناد به موضوعات مطرح شده در طی شکایات خانوادگی مورد بررسی قرار داده و سپس به ارائه مکانیزم پرداخت.

۵- به منظور بررسی دقیق پدیده طلاق، شدت و پیامدهای آن می‌بایست طلاق‌ها را از حیث طول مدت زندگی مشترک مورد بررسی قرار داد و طلاق‌ها را به طلاق در دوران عقد (که بیشتر در قالب فسخ نکاح قابل بررسی می‌باشد)، طلاق طی دو سال اول زندگی، طلاق در ده سال زندگی مشترک و طلاق پس از ده سال زندگی مشترک تفکیک نمود و به تفاوت علل و پیامدهای طلاق به لحاظ زمانی در بررسی‌ها و اقدامات اجرایی توجه نمود. همچنین ارائه مکانیزم برای پیشگیری از وقوع طلاق مستلزم لحاظ نمودن توزیع استانی و محل سکونت افراد می‌باشد.

میزان شدت، علل و مکانیزم‌های کنترل ناسازگاری‌های خانوادگی بیش از بررسی راهکارهای کنترل طلاق یکی از ضروریات دارای اولویت است.

۲- در بررسی علل طلاق توجه به حقوق موضوعه نیز حائز اهمیت است چرا که در بررسی مواردی که یا زن متقاضی طلاق باشد نشانگر تفاوت و اختلافات اساسی در علل طلاق ضروری است تا اختیارات گسترده و فراوان در حق طلاق کنترل شود و از سوی دیگر موضوع طلاق برای زن یک موضوع غیر ممکن و لا ینحل (که دارای پیامدهای منفی در صورت وقوع می‌باشد) نگردد.

۳- با عنایت به لزوم شناخت دقیق و همه جانبه میزان علل و عوامل بروز پدیده طلاق خاصه دلایل مورد پذیرش دادگاه‌ها به عنوان پیش شرط ارائه مکانیزم‌های مؤثر و دقیق ویژگی‌های افراد مطلقه که نتایج آن نیز قابل تعمیم و استناد باشد ضروری است و بدون انجام چنین تحقیقی ارائه مکانیزم پیشگیرانه امکان پذیر نیست.

۴- طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی منبعث از مجموعه علل و عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاصه مباحث فرهنگی می‌باشد و تعیین یک عامل اصلی و قطعی بروز طلاق امکان‌پذیر نیست.

بنابراین همچنان که در بسیاری از مطالعات بیان گردیده است، عواملی همچون تعارضات فرهنگی، ناهماهنگی‌های طبقاتی، گسترش شهرنشینی، خشونت‌های خانگی، گسترش سطح آگاهی و ارتباطات اجتماعی افراد خاصه در زنان، دخالت‌های بی‌مورد دیگران، ازدواج‌های اجباری، تعدد زوجات، اعتیاد، فقر و بیکاری، محکومیت‌های درازمدت، بدآموزی و وسایل

منابع:

- ۱- وزارت کشور دفتر امور اجتماعی، وضعیت طلاق در ایران.
- ۲- آمارهای برگرفته از اطلاعات مندرج در سایت‌های اینترنتی
- ۳- محمدحسین فرجاد، مسائل اجتماعی ایران (فساد اداری، اعتیاد، طلاق)، تهران، ۱۳۷۷، انتشارات اساطیر.
- منادی مرتضی (۱۳۸۳)، تاثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت از زندگی زناشویی از دیدگاه زنان. در: مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء، سال دوم شماره ۴ بهار ۱۳۸۳.
- منادی مرتضی (۱۳۸۵)، جایگاه روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری. فصلنامه حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، شماره ۴۷ سال





مِيثاقُ حُقُوقِ المُواطِنَةِ

المقدمة

إنَّ الله تعالى هو الحاكم المطلق على الكون و الانسان. وهو الذي جعل الانسان صاحب القرار على مصير حياته الاجتماعية. ولا يحق لأحد أن يجرد الإنسان من هذا الحق الإلهي أو يجعل هذا الحق في خدمة مصالح فرد خاص أو جماعة معينة. وقد مارس الشعب الإيراني هذا الحق من خلال مواد الدستور. وبموجب المادتين ١١٣ و ١٢١ من الدستور، أُلقيت مسؤولية تنفيذ وصيانة أحكام الدستور على عاتق رئيس الجمهورية. إنَّ رئيس الجمهورية الذي قد أدى اليمين أمام القرآن الكريم و أمام الشعب الإيراني لدعم الحق وبسط العدالة وحماية حرية الأفراد و كرامتهم الإنسانية و صون حقوق الشعب المنصوص عليها في الدستور، يعلن «ميثاق حقوق المواطنة» باعتباره برنامج و نهج عمل الحكومة لرعاية وتقديم تنفيذ الحقوق الأساسية للشعب الإيراني.

لقد وُضع هذا الميثاق بهدف استيفاء حقوق المواطنة و الارتقاء بمستواها، و لأجل وضع «برنامج و نهج عمل» الحكومة والذي هو موضوع المادة ١٣٤ من الدستور. و هو يشتمل على مجموعة من حقوق المواطنة سواء ما تم تحديده في مصادر النظام الحقوقي الإيراني، أو ما استبدله الحكومة من مساعي جادة و شاملة لغرض تحديده و توفيره و تحقيقه الفعلي و تطبيقه، و ذلك من خلال تعديل و تطوير النظام القانوني و متابعة عملية إقرار اللوائح القانونية

أو أي تدبير أو إجراء قانوني لازم بهذا الشأن. كما أن تحقيق هذا الهدف، يتطلب تعاون سائر السلطات و الأجهزة و مشاركة المواطنين و المنظمات و الاتحادات المهنية و المنظمات الأهلية غير الحكومية. و ينبغي تفسير و تطبيق مختلف مواد هذا الميثاق متناسقة و متوافقة مع بعضها و في إطار النظام القانوني القائم، و يجب ألا يؤدي إلى نقصان الحقوق المعترف بها للمواطنين الإيرانيين و رعايا سائر الدول عبر القوانين السائدة داخل الدولة أو التزاماتها الدولية. المادة ٣- من حق المرأة أن تتمتع ببرامج و تسهيلات السلامة و العلاجية الملائمة، و التعليم و الإستشارات بما يكفل لها تأمين السلامة الجسدية و النفسية في الحياة الفردية و الأسرية و الاجتماعية على مختلف مراحل الحياة، سيما خلال فترة الحمل و الولادة و فترة ما بعد الولادة، و في ظروف المرض أو الفقر أو الإعاقة و العجز. المادة ٤- من حق الطفل -بغض النظر عن فارق الجنس-، أن يكون بشكل خاص مصوناً من أي تمييز أو أذى أو إستغلال، و أن يتمتع بأنواع الرعاية الاجتماعية الملائمة في مختلف المجالات بما فيها مجال السلامة و العناية العقلية و النفسية و الجسدية، مع التمتع بالخدمات الصحية و العلاجية. المادة ٨- تـحظَر ممارسة أي تمييز جائر، خاصة فيما يتعلق بحصول المواطنين على الخدمات العامة من قبيل الخدمات الصحية



المادة ٨٤- يحظر إرغام الأطفال علي العمل قسراً. و في الحالات الاستثنائية التي تصب في مصلحتهم، إنما يجوز ذلك بحكم القانون فقط.

المادة ٨٩- من حق المرأة أن تحصل علي الإمكانات اللازمة للرياضية و التعليم و الترفيه و الزيه، و أن يتسني لها التواجد في الساحات الرياضية الوطنية و العالمية، ملتزمة بثقافتها الإسلامية الإيرانية.

المادة ٩٠- من حق المرأة أن تتمتع بالتغذية الصحية خلال فترة الحمل و الولادة، و الولادة في ظروف صحية، و أنواع الرعاية الصحية بعد الوضع، و الحصول علي إجازة و علاج الأمراض النسائية الشائعة.

المادة ١٠٣- من حق المواطنين و خاصة المرأة أن يتمتعوا بالمشاركة و التواجد في المجالات و المواقع العامة و أن يؤسسوا التجمعات و المنظمات الاجتماعية و الثقافية و الفنية الخاصة بهم.

المادة ١٠٨- يحقّ للطلاب التمتع بعملية تربية و تعليمية تؤدي الي ازدهار المواهب و القدرات الذهنية و الجسدية، و التزام احترام الوالدين و حقوق الآخرين، و الهوية الثقافية، و القيم الدينية و الوطنية؛ و تهيمتهم لحياة أخلاقية و مسؤولة تتميز بالفهم و السلمية و التسامح و المروءة و الإنصاف و التزام النظام و الانضباط، و المساواة و الوداد بين الناس و احترام البيئة و التراث الحضاري.

المادة ١٠٩- من حقّ الطلاب احترام شخصيتهم لتزدهر مواهبهم. و إن آراء الأطفال حول القضايا المتعلقة بحياتهم يجب أن تسمع و تحظى بالإهتمام.

المادة ١١٠- لا يجوز لأحد أن يتسبب في نشوء مشاعر الكراهية الإثنية و الدينية - المذهبية و السياسية في نفوس الأطفال؛ أو يغرس نزعة العنف تجاه عرق خاص أو مذهب معين في أذهان الأطفال من خلال التعليم و التربية و وسائل الإعلام.

و فرص العمل و التعليم. و على الحكومة أن تمتنع عن اتخاذ أي قرار أو إجراء يؤدي إلى إيجاد شرح طبقي أو تمييز جائر أو حرمان من حقوق المواطنة.

المادة ١١- من حق المرأة أن تشارك بفاعلية في وضع السياسات و سنّ القوانين، و عملية الإدارة و التنفيذ و المراقبة، و أن تتمتع بالفرص الاجتماعية المتكافئة وفقاً للموازين الإسلامية.

المادة ٣٢- من حق الأطفال أن يتمكنوا من الحصول علي المعلومات الملائمة لمستوى أعمارهم. و يجب عدم تعريضهم للمحتوى الذي يمسّ بالحياة العام أو منطوية على العنف أو أي محتويات تؤدي إلى ارباعهم أو تعرضهم لأذى جسدية أو نفسية.

المادة ٥١- من حق المواطن أن يتزوج و يشكل أسرة بكامل رضاه و بحرية و دون أي إجبار، و ذلك مع مراعاة أحكام القانون.

المادة ٥٢- من حق المواطن أن يتمتع بالإمكانات التعليمية و الاستشارية و الطبية اللازمة في أمر الزواج.

المادة ٥٣- من حق المواطن أن يتمتع بما يلزم من تدابير و حماية لتشكيل الأسرة و تعزيزها و تساميتها و تحصينها، و لتسهيل أمر الزواج المبني على القيم و التقاليد الدينية و الوطنية.

المادة ٥٤- يحقّ للمواطنين و خاصة المرأة و الطفل أن يكونوا في جميع المواقع الأسرية و الاجتماعية مصونين من التعرض لتعدي و عنف الآخرين بكلام أو تصرف، و أن تتاح لهم، في حال تعرضهم لأي نوع من العنف، من الوصول بسهولة إلى المواقع الآمنة و المؤسسات الإغاثية و العلاجية و القضائية لاستيفاء حقوقهم.

المادة ٥٥- من حق الطفل أن يتمتع بوالدين صالحين أو ولي أمر صالح. و لا يجوز فصل الطفل من والديه أو وليّه القانوني إلا بموجب قانون.

المادة ٨٣- من حق المرأة أن تحصل علي فرص عمل ملائمة و تتقاضى رواتب و علاوات مماثلة لما يتقاضاه الرجل إزاء العمل المماثل.





2- Executive bodies under the Executive Branch, in coordination with the Special Assistant and within the scope of their legal competence and by attracting participation of the people, societies, non-governmental organizations and the private sector, and by summing up and codifying the laws and freedoms set forth in the Constitution and in statutes, shall take legal measures and actions required for realization of these rights, particularly by preparing and implementing a plan for reforming and developing the legal system; providing information to the public; embarking on capacity building; and by enhancing mutual understanding, dialogue and interaction in the public arena.

3- The bodies under the Executive Branch shall be required to prepare their plan for reforming and developing the legal system within six months from the date of the publication of this Charter and sub-

mit the same to the Special Assistant of the President, and shall present an annual report on their progress, challenges, barriers, and proposed solutions for the promotion and realization of citizens' rights within the scope of their responsibility, and shall take measures for realization of the citizens' rights set forth in this Charter through institutional and structural reforms.

4- Ministries of Education; Science, Research and Technology; and Health and Medical Education shall make necessary arrangements to best familiarize school and university students with citizens' rights concepts.

5- The President reports to the people annually on the progress and approaches to overcome challenges for realization of citizens' rights, and shall update the Charter as required.



Article 7

All citizens are equally entitled to human dignity and to all the privileges laid down in the laws and regulations.

treatment for common women diseases.

XIX. Right of access to and Participation in Cultural Life

Article 103

All citizens, especially women, whilst having the right to participate in and attend public environments and centers, shall also have the right to form their own special social, cultural and artistic groups and organizations.

XX. Right to Education

Article 108

Children have the right to an education that results in the development of their personalities, talents and mental and physical potentials; and of respect for the child's parents, the rights of others, cultural identity, and religious and national values; and that prepares them for a moral and responsible life of understanding, peacefulness, tolerance and humanity, fairness,

orderliness and discipline, and equality and friendliness amongst people, and respect for the environment and cultural heritage.

Article 109

Students have the right to have their personality and dignity respected. The views of children on issues pertaining to their life must be heard and considered.

Article 110

No one shall have the right to instill tribal, religious and political hatred in children's mind, or create violence in respect of a special race or religion, by education or training or by mass media in children's minds.

Implementation of the Charter and Supervision Mechanism

1- The President shall appoint a Special Assistant for supervising, coordinating and pursuing appropriate implementation of the Government's obligations under this Charter. The Special Assistant will be responsible for, amongst others, proposing plans and guidelines for the full implementation of the Charter on Citizens' Rights.





cess to safe places, emergency assistance, treatment and to judicial entities for seeking redress should such violence occur.

Article 55

Children have the right to have appropriate parents and custodians. Children may not be separated from their parents and legal custodians, except on the basis of law.

XIII. Right to a Fair Trial

XIV. Right to a Transparent and Competitive Economy

XV. Right to Housing

XVI. Right to Property

XVII. Right to Employment and Decent Work

Article 83

Women have the right to appropriate job opportunities,

and to pay equal to men for equal work.

Article 84

Forced child labor is prohibited. Exceptions that might be in their best interests shall be authorized only by law.

XVIII. Right to Welfare and Social Security

Article 89

Citizens, particularly women, have the right to access sport, educational and safe recreational facilities, and be able to attend national and world sport arenas, while preserving Islamic-Iranian culture.

Article 90

Women shall have the right to enjoy healthy nutrition during pregnancy; healthy childbirth; postpartum health care; maternity leave; and medical



den. The Government shall refrain from adopting any decision and taking any action that leads to the widening of the class divide, undue discrimination or deprivation of citizens' rights.

Article 11

Women have the right to have active and effective participation in policymaking, legislation, management, implementation and supervision, and shall be provided equal social opportunities in accordance with Islamic norms.

III. Right to Freedom and Personal Security

IV. Right to Self-Determination

V. Right to Good Governance and Administration

VI. Freedom of Thought and Expression

VII. Right of Access to Information

Article 32

Children have the right to access information appropriate to their age, and shall not be exposed to immoral, violent or any other types of content that would cause intimidation or physical or psychological harm.

VIII. Right of Access to Cyberspace

IX. Right to Privacy

X. Right of Association, Assembly and Demonstration

XI. Right to Nationality, Residence and Freedom of Movement

XII. Right to Family Life

Article 51

Citizens have the right to get married and form a family with full consent, freely and without any compulsion, in compliance with relevant laws.

Article 52

Citizens have the right to take benefit of educational, consultation and medical facilities they require for marriage.

Article 53

Citizens have the right to take benefit of measures and protections required for forming, strengthening, promoting and securing families, and facilitating marriage based on religious and national values and traditions.

Article 54

All citizens, especially women and children, have the right to be immune from verbal and physical abuse and violence in all family and social environments, and shall have easy ac-



Article 5

The disabled persons and the older persons have the right to be provided with treatment and rehabilitation facilities for cure and/ or re-enablement to have an independent life and to enjoy participating in various aspects of life.

and pursuing enactment by the legislature of bills to be submitted by the Government in this respect, or by taking any other measure or legal action required. Attainment of this objective will require cooperation of other government branches and entities and participation of the people, organizations, trade unions, non-governmental organizations and the private sector.

The provisions of this Charter shall be read, construed and put into force as a whole and in the framework of the existing legal system, and shall not undermine the rights of Iranian citizens and rights of foreign nationals otherwise recognized in the laws and/or by international obligations undertaken by the State

. I. Right to Life, Health and Quality of Life

Article 3

Women have the right to enjoy suitable health and treatment plans and facilities and appropriate training and counseling to provide for their physical and psychological health in their individual, family and social life and in different stages of life, particularly during pregnancy, childbirth and in post-delivery time, also when suffering from illness, poverty or disability.

Article 4

Children specifically and irrespective of their gender have the right to be protected against discrimination, harassment and exploitation, and to be provided appropriate social protection in the areas of health and prevention of mental, psychological and physical diseases, as well as medical and treatment services.

II. Right to Human Dignity and Equality

Article 8

Exercise of any type of undue discrimination, particularly in access of citizens to public services such as health services and occupational and educational opportunities is forbid-



Women & children



Charter on Citizens' Rights

Preamble

Absolute sovereignty over the world and the human being belongs to God. And it is He who has made human beings sovereign over their social destiny. No one can take this divine right away from human beings or apply it to the interests of a certain person or group. The Iranian nation exercises this right through the articles of its Constitution, where, pursuant to Articles 113 and 121, the responsibility for implementing and guarding the Constitution is vested in the President. The President, who has sworn to God on the Holy Quran before the Iranian nation to support righteousness and justice, and to protect freedom, human dignity and rights of the people

as enshrined in the Constitution, declares this Charter on Citizens' Rights as the Government's plan and policy for observance and advancement of fundamental rights of the Iranian nation.

This Charter is drawn up with the objective of realizing and promoting citizens' rights as the "Plan and Policy" of the Government, the subject matter of Article 134 of the Constitution. It encompasses a set of citizens' rights that are either already recognized in the Iranian legal system or that the Government will exert stringent and pervasive efforts for their recognition, creation, realization and enforcement by amending and developing the legal system and by preparing



